

زنان

سال دوم • خرداد و تیر ۷۲ • بها ۸۰ تومان

ISSN 1021 - 4054



نقاش: سید محسن سعیدزاده - ۷۱

• معرفی زن در کتب درسی دوره ابتدایی (۱۳۶۸) • جایگاه زن در قوانین کیفری ایران: مهرانگیز کار • وقتی پدر ظرف می‌شود و مادر پنجره‌گیری می‌کند: ترجمه نزهت صباح‌نژاد • افراد در چه سنی ازدواج می‌کنند؟: محمود شهابی • زن قاطع، در رفتار: در گفتار: ترجمه زهره زاهدی • ماه شرف‌خانم، شاعره عقیقه جمیله مردانه: سید محسن سعیدزاده • سفر اسکندر به شهر زنان: زهره نوروزی صحنه • ترکهای پوست، مشکل ماههای آخر بارداری • نگاهی به نمایشگاههای خط و نقاشی زنان

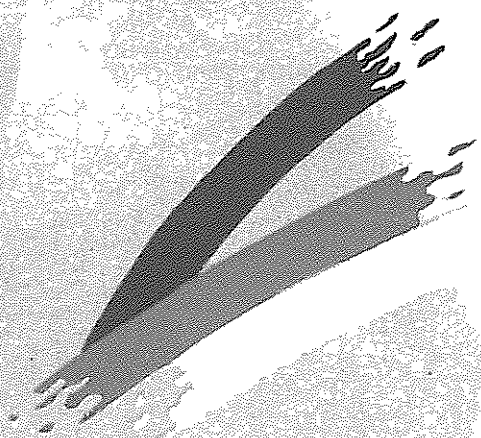
روابط

مشاور روابط عمومی و تبلیغات

تلفن ۶۲۰۳۷۷

WWW.IRAN-QUALITY.COM

- مشاوره تبلیغاتی، فرهنگی، آموزشی، صنعتی
- تهیه و تولید انواع فیلم‌های صنعتی، تبلیغاتی، آموزشی و مستند به طریقه ۳۵ میلیمتری، ۱۶ میلیمتری و ویدئویی
- ساخت انواع تیزرهای تلویزیونی و آنونس‌های سینمایی
- عکسبرداری و تهیه اسلاید صنعتی، تبلیغاتی و آموزشی
- طراحی انواع پرشور، کانالوگ، پوستر و سررسید
- انجام کلیه امور مربوط به چاپ و لیتوگرافی
- انجام کلیه امور مربوط به دکوراسیون و تزئینات نمایشگاهها و پروژه‌های صنعتی داخلی و خارج از کشور
- طراحی و اجرای انواع هدایای تبلیغاتی
- ساخت انواع ماکت‌های صنعتی و عمرانی



زنان

سال دوم شماره ۱۲ خرداد و تیر ۱۳۷۲

پاد و اندیشه امام
در سالگرد رحلت آن بزرگوار
بایدان پاد

زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یک بار در ماه منتشر می‌شود

گزارش و	بررسی نحوه معرفی زن در کتب درسی دوره ابتدایی: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۲	صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهلا شرکت
	خبر: ۸	مدیر داخلی: رزا افتخاری
	دومین نمایشگاه بین‌المللی گل و گیاه: ۱۳	طراح گرافیک: کورش پارسا نژاد
حقوق	جایگاه زن در قوانین کیفری ایران: مهرانگیز کار ۱۶	طرح‌های این شماره: باسم الرسام
هنر	نگاهی به اولین نمایشگاه زنان خوشنویس: پروین حیدری نسب ۲۶	امور شهرستانها: محسن آسیابچی
	تحول در مینیاتور، پای صحبت سودابه بهارلو: فیروزه شریفی ۳۳	امور مشترکین: شکوه اردلانی
	نقش هنر: سیامک افشار، سیده خانبلوکی ۵۰	حروفچینی کامپیوتر: صدیقه کردی داریان
در خانه	کرم شکلات: ۲۹	چاپ متن: صنوبر
	بستی ایتالیایی: بهناز صفایی ۳۰	چاپ رنگی: هادی
	گلدانی ساده و کوچک برای خانه: محبوبه شهنواز ۳۲	صحافی: شاهد
ادبیات	سفر اسکندر به شهر زنان: زهره نوروزی صحنه ۱۰	نقاشی روی جلد: نفیسه شهدادی
	فرشته خانه: ویرجینیا ولف، ترجمه علی خزاعی فر ۴۱	شماره سریال بین‌المللی: ۴۰۵۴ - ۱۰۲۱
	سبدهای خالی (شعر): نازنین نظام شهیدی ۵۱	
	ماه شرف خانم، شاعره عقیقه جمیله مردانه: سیدمحسن سعیدزاده ۵۶	
	معرفی کتاب: ۳۷	
اندیشه	وقتی پدر طرف می‌شوید و مادر پنچرگیری می‌کند: دکتر گیل کالیتز، ترجمه زهرا صباح نژاد ۳۸	
علم	افراد در چه سنی ازدواج می‌کنند؟: محمود شهابی ۴۴	
	زن قاطع، در رفتار در گفتار: لین. ز. بلوم، ژوان پرلمن، کارن کوبورن، ترجمه زهره زاهدی ۵۲	
	ترکهای پوست، مشکل ماههای آخر بارداری: پریسکا میدلمیس، ترجمه ندا سهیلی ۶۰	
	جدول ۶۲	

License Holder & Editorial Director:
Shahla Sherkat

Zanaan is a Persian-language
journal published monthly.

Each issue contains articles and
reports related to the women's
problems.

زنان در زمینه فعالیتهای فرهنگی، هنری، آموزشی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.

زنان در ویرایش و کوناه کردن مطالب آزاد است.

مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود.

حقوق چاپ، انتشار و نقل مطالب، طرحها و عکسها برای مجله زنان محفوظ است.

۹ همراه با پیچیده‌تر شدن جوامع و پیدایش سازمانها و نهادهای اجتماعی جدید، بسیاری از وظایفی که تا پیش از آن توسط نهاد خانواده انجام می‌شد، به این نهادها محول گردید. یکی از این وظایف، تعلیم و تربیت کودکان می‌باشد که پس از شکل‌گیری نهاد آموزش و پرورش، بخشی از آن رسماً به این نهاد واگذار گردیده است. امروزه آموزش و پرورش در تمامی کشورها همدوش خانواده، به عنوان یک سازمان رسمی، وظیفه آموزش و تربیت کودکان و انتقال ارزشها و هنجارهای اجتماعی به آنان را برعهده دارد. از آنجا که ذهن انسان در سنین کودکی مانند لوحی است خالی که می‌توان هر نقشی را بر آن حک کرد، لذا این نهاد در شکل‌بخشیدن به ساختار فکری و باورهای کودکان از اهمیت به‌سزایی برخوردار

است. در این راستا یکی از ابزارهای مهم، کتابهای درسی است، بنابراین باید در تدوین کتب درسی و تنظیم محتوای آنها نهایت دقت و ظرافت را مبذول داشت. در این میان کتابهای درسی دوره ابتدایی از حساسیت خاصی برخوردار است. هرگاه محتوای کتب درسی منعکس‌کننده واقعیات و ارزشهای موجود نبوده و جنبه ذهنی داشته باشند، از یکسو انتقال مفاهیم و دروس به دانش‌آموزان دشوار می‌شود و از سوی دیگر موجب سلب اعتماد آنان از نظام آموزشی و در نهایت از کل نظام اجتماعی خواهد شد که یکی از عوارض آن بروز تعارض و دوگانگی در شخصیت کودکان است.

از جمله مسائلی که همواره در جامعه ما مطرح بوده و به ویژه در سالهای پس از انقلاب، اهمیت بیشتری یافته است، نقش و

جایگاه زنان در اجتماع می‌باشد. زن ایرانی در این سالها کوشید تا با بهره‌گیری از تحولات عمیق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه از قالب نمایشی بودن و نقش ثانوی داشتن که میراث گذشته بود خارج شود. با وجود این هنوز برای دستیابی به حقوقی برابر با مردان راهی دراز در پیش دارد. لذا نحوه معرفی سیمای زن در کتب درسی دوره ابتدایی از اهمیت خاصی برخوردار است. از این رو محتوای کتب درسی این دوره را مورد بررسی قرار دادیم. در این بررسی سعی شده بدون پیش‌داوری و با استفاده از روشهای علمی معتبر، نحوه معرفی زن در کتابهای درسی دوره ابتدایی را نشان دهیم و قصد مقایسه نتایج این بررسی را با واقعیتهای موجود اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور نداشتیم. با وجود این، نتایج این طرح می‌تواند اطلاعات لازم

بررسی نحوه

پژوهشی از مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی گروه علوم اجتماعی اسفند ۱۳۷۰

را در اختیار خوانندگان جهت یک مقایسه بی‌طرفانه فراهم سازد.

امید است با تأیید و حمایت مسئولان ذیربط بتوانیم در آینده این تحقیق را ادامه داده و بررسیهای کاملتری در این زمینه و در سایر ابعاد، در محتوای کتابهای درسی به عمل آوریم.

در پایان لازم است از سرکار خانم دکتر نیک‌چهره محسنی به خاطر راهنماییهای ارزنده و مؤثرشان در تهیه این گزارش سپاسگزاری شود. ■

موضوع مورد بررسی

موضوع مورد بررسی، بررسی نحوه معرفی نقش و سیمای زن در کتابهای درسی پنج پایه دوره ابتدایی (فارسی، ریاضی، علوم تجربی، تعلیمات اجتماعی، تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی)، در سال ۱۳۶۸ است.

هدف تحقیق

هدف تحقیق شناسایی ویژگیهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منتسب به زن در کتابهای درسی دوره ابتدایی با توجه به تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی چند



دهه اخیر، به ویژه در سالهای پس از انقلاب ۱۳۵۷ در موقعیت زنان در نظر گرفته شده است.

روشن تحقیق

در این بررسی، روش تحقیق استفاده از تکنیک تحلیل محتوا (کمی و کیفی) در بررسی ساختار تصویری - کلامی کلیه کتب درسی دوره ابتدایی و نیز نقش مرد، به عنوان واحد سنجش جهت مقایسه با نقش زن است.

کلیه کتب درسی پایه دوره ابتدایی شامل ۲۳ جلد کتاب درسی تحت عناوین فارسی (پنج جلد)، ریاضی (شش جلد)، علوم تجربی (پنج جلد)، تعلیمات اجتماعی (سه جلد)، تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی (چهار جلد) است.

و ابتدا روی نمونه‌هایی از کتب مورد نظر مطالعاتی انجام شد و این نتیجه به دست آمد که

مشخص نبوده، صورت مسائل ریاضی به عنوان واحد متن در نظر گرفته شده است. و چنان که توضیح داده شد یک تصویر، یک اسم و یک عنوان شغل به عنوان «واحد ثبت» در نظر گرفته شده است.

«واحدهای ثبت و شمارش» در این بررسی یکسان است بدین معنا که هر بار اسمی در رابطه با جنسیت در یک واحد متن تکرار شده به همان تعداد برای آن اسم فراوانی شمارش شده است با این فرض که تکرار اسم نشانه تأکید بر جنسیت است اما در مورد شمارش تصاویر بر حسب مقولات موضوعی پنجگانه اقتصادی، اخلاقی و خانوادگی و... صرفنظر از تعداد تصاویر، هر تصویر تنها یکبار با توجه به نقش غالب زن یا مرد در آن شمارش شده است.

موضوعات تحلیل

«تصویر» در این تحقیق عبارت است از

➤ بررسی مشاغل در کتب درسی دوره ابتدایی نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق مشاغل خارج از منزل (۸۹/۷ درصد) به مردان و تنها ۱۰/۳ درصد از آنها به زنان اختصاص داشته است، در مقابل کلیه مشاغل داخل منزل به زنان تعلق می‌یابد.

➤ قابل توجه است که تنها در کتب فارسی پایه پنجم، اسامی خاص مربوط به زنان به کار برده شده (آن هم فقط دو مورد) و در سایر پایه‌ها مطلقاً اشاره‌ای به اسامی خاص زنان نشده است.

معرفی زن در کتب درسی دوره ابتدایی ۱۳۶۸

با توجه به هدف طرح معینی نحوه معرفی نقش و سیمای زن در کتب درسی دوره ابتدایی علاوه بر مفاهیم نوشتاری صور دیگر انتقال مفاهیم، مانند تصاویر، اسامی و مشاغل مهم و قابل توجه می‌باشند. به همین جهت بررسی کمی و کیفی نقش زن در کتب دوره ابتدایی با توجه به سه زمینه فوق انجام گرفت. در این پژوهش واحدهای مورد بررسی از کل به جزء عبارتند از:

«واحد عنوان» شامل کتب درسی فارسی، ریاضی، علوم تجربی، تعلیمات اجتماعی، تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی، «واحد بررسی» عبارت است از واحد عنوان بر حسب پایه تحصیلی، به عنوان مثال کتاب فارسی سال اول دبستان، کتاب فارسی سال دوم دبستان و غیره. که در مجموع پنج واحد عنوان، شامل ۲۳ واحد بررسی می‌باشد.

در این تحقیق هر یک از دروس یک واحد بررسی، یک «واحد متن» نامیده شده است. به عنوان مثال در کتاب فارسی سال دوم دبستان سال ۱۳۶۸ درس «حسنک کجایی» ص ۳۶ یک واحد متن است. لازم به توضیح است که به جهت آنکه در کتب ریاضی، واحد متن

➤ بررسی اسامی مردان و زنان در کتب تعلیمات اجتماعی گواه آن است که اولاً اسامی به کار رفته بیشتر در زمینه شناختی بوده و پس از آن مقوله ملی و میهنی بیشترین درصد اسامی به کار رفته را به خود اختصاص داده است که در این زمینه مطلقاً به اسامی زنان اشاره‌ای نشده است.

➤ بررسی اسامی عام و خاص مردان و زنان در کتب فارسی بیانگر آن است که اسامی عام مردان دو برابر بیش از اسامی عام مربوط به زنان به کار برده شده است. در مورد اسامی خاص، این تفاوت به ۲۶۷ برابر می‌رسد.

کلیه نقاشیها و عکسهای مردان و زنان در کتب درسی دوره ابتدایی

موضوع دیگر شامل «اسامی» مرد و زن به تفکیک عام و خاص می‌باشد. منظور از اسم عام در این تحقیق، نامهایی است که برای مردان و زنان معمولی به کار می‌رود مانند اکبر، طاهره و... اسامی خاص در این تحقیق عبارتند از اسامی شخصیت‌های مذهبی، علمی، تاریخی و ادبی و... مانند حضرت محمد (ص)، حضرت فاطمه (س)، زکریای رازی، ویلبر رایت و... لازم به تذکر است نسبتها و روابط خویشاوندی (پدر، مادر، خاله و...) در این تحقیق به طور کلی جزء اسامی شمارش شده‌اند به استثنای جداولی که اسامی در آنها به تفکیک عام و خاص مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.

منظور از «مشاغل» در این تحقیق، حرفه، مسئولیت یا مقامی است که زن یا مرد دارا بوده‌اند. مشاغل در این تحقیق به دو گروه زیر طبقه‌بندی شده است:

الف - مشاغل در خارج از منزل مانند آموزگاری، بنایی، مشاغل نظامی و...
ب - مشاغل در داخل منزل مانند خانه‌داری و کارهای مربوط به خانه.



مقاله‌های موضوعی

موقعیت کیفی زن و مرد در کتابهای دوره ابتدایی با استفاده از تصاویر و اسامی در پنج مقوله رده‌بندی شده است:

«مقوله اقتصادی» که شامل کشاورزی، دامداری، مشاغل فنی و صنعتی و... است.

«مقوله اخلاقی و خانوادگی» که شامل ارزشهای اخلاقی در خانواده و اجتماع و مسائل مربوط به روابط عاطفی و آموزش اعضای خانواده مانند برابری، برادری، پاکدامنی، احترام به پدر و مادر، رضایت والدین، استبداد والدین، موفقیت و پیروزی، جاه‌طلبی، فساد و... است.

«مقوله شناختی» شامل کسب دانش و یادگیری، حس کنجکاوی، اهمیت دانش، خلاقیت، اختراع، کشف، چگونگی مسائل علمی، روابط علت و معلولی و... است.

«مقوله مذهبی» شامل کلیه مسائل مذهبی، شخصیتها و آموزشهای مذهبی از جمله آموزش قرآن، راهنمایی و ارشاد، نماز، روزه، کمک به مستمندان، شهادت، پیامبران و ائمه و... می‌باشد.

«مقوله ملی و میهنی» که شامل مطالب مربوط به عشق و علاقه به میهن، دفاع از وطن، حفظ سنن ملی، شناخت شخصیتهای میهنی و انقلابی، حکام و پادشاهان، غرور و تعصب ملی، راهپیمایی و تظاهرات برای پیروزی انقلاب اسلامی، نوروز، سیزده بدر و... است.

تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به تصاویر مرد و زن در کتب درسی دوره ابتدایی

۱-۱- فارسی

بررسی تصاویر کتب فارسی دوره ابتدایی نشانگر آن است که درصد تصاویر مربوط به مردان در پنج پایه تحصیلی سه برابر درصد تصاویر مربوط به زنان می‌باشد. مقایسه درصد تصاویر زنان و مردان در هر یک از پایه‌های تحصیلی نشان می‌دهد که هر چه از پایه اول به

خانوادگی درصد تصاویر زنان یک و نیم برابر مردان می‌باشد.

۳-۱- علوم تجربی

در بررسی تصاویر کتب علوم تجربی در پنج پایه تحصیلی مشاهده می‌شود که درصد تصاویر مردان تقریباً سه برابر درصد تصاویر مربوط به زنان است، همچنین سهم تصاویر مردان در مقایسه با زنان در پایه سوم به نسبت سایر پایه‌های تحصیلی به حداکثر (چهار برابر) و در پایه پنجم به حداقل (حدود یک و نیم برابر) می‌رسد.

بررسی تصاویر در کتب فوق در خصوص مقولات اقتصادی، نشان می‌دهد که درصد تصاویر مربوط به مردان ۲۰ برابر درصد تصاویر زنان و در مقولات شناختی درصد تصاویر مردان حدود سه برابر درصد تصاویر زنان می‌باشد. و تنها در مقولات اخلاقی و خانوادگی درصد تصاویر زنان بیش از درصد تصاویر مردان است.

۴-۱- تعلیمات اجتماعی

بررسی تصاویر کتب تعلیمات اجتماعی در دوره ابتدایی حاکی از آن است که بیشترین درصد (۸۲/۴ درصد) تصاویر مربوط به مردان و بقیه مربوط به زنان است. به عبارت دیگر تصاویر مربوط به مردان نزدیک به پنج برابر تصاویر زنان می‌باشد که این تفاوت در پایه

پایه پنجم نزدیکتر می‌شویم از درصد تصاویر زنان کاسته و در مقابل بر درصد تصاویر مردان افزوده می‌شود. به طوری که در پایه پنجم، اکثریت قریب به اتفاق (۹۵/۷ درصد) تصاویر کتاب، مربوط به مردان است. به عبارت دیگر، هر چه پایه‌های تحصیلی بالاتر می‌رود، درصد تصاویر مردان نیز افزایش می‌یابد.

در کتب فارسی دوره ابتدایی نقش ارائه شده توسط مردان در مقولات اقتصادی، شناختی، مذهبی و ملی و میهنی به مراتب بیشتر از زنان منعکس شده و تنها در مقوله اخلاقی و خانوادگی نقش زنان بیش از مردان است. بیشترین تفاوت بین نقش مرد و زن در مقولات اقتصادی و مذهبی نمایان است و کمترین تفاوت میان نقش آن دو در مقوله ملی و میهنی می‌باشد.

۲-۱- ریاضی

بررسی تصاویر کتب ریاضی نشان می‌دهد که تصاویر مربوط به مردان حدود دو برابر تصاویر مربوط به زنان است. به علاوه در تمام پایه‌های تحصیلی نیز درصد تصاویر مربوط به مردان به مراتب بیشتر از تصاویر زنان می‌باشد.

بررسی تصاویر کتب ریاضی در خصوص مقولات پنجگانه نشان می‌دهد که درصد تصاویر مربوط به مردان در مقولات اقتصادی و شناختی به مراتب بیش از زنان، در زمینه‌های ملی و میهنی برابر و در زمینه اخلاقی و



➤ به طور کلی از بررسی «تصاویر» کتب درسی دوره ابتدایی می‌توان چنین نتیجه گرفت که کتب تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی به نسبت بیشتر و کتب ریاضی به نسبت سایر کتب کمتر دارای فضای مردانه است.

چهارم به حداکثر خود می‌رسد (۶/۵ برابر). لازم به ذکر است که درس تعلیمات اجتماعی برای پایه اول و دوم دوره ابتدایی تدریس نمی‌شود.

بررسی تصاویر کتب علوم اجتماعی با در نظر گرفتن مقولات پنجگانه نشان می‌دهد که در زمینه اقتصادی کلیه تصاویر، مربوط به مردان بوده و در سایر زمینه‌ها به جز زمینه اخلاقی و خانوادگی نیز درصد تصاویر مردان به مراتب بیشتر از درصد تصاویر مربوط به زنان می‌باشد که این تفاوت به ویژه در زمینه ملی و میهنی به نسبت بارزتر است.

۵-۱- تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی

بررسی تصاویر موجود در کتب تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی دوره ابتدایی گویای آنست که درصد تصاویر مردان بیش از پنج برابر درصد تصاویر زنان می‌باشد. مقایسه فوق در پایه‌های تحصیلی مختلف نشان می‌دهد که در همه پایه‌ها، درصد تصاویر مردان به مراتب بیش از درصد تصاویر زنان است، که این تفاوت در پایه چهارم به حداکثر (۱۴ برابر) و در پایه پنجم به حداقل (دو و نیم برابر) می‌رسد. قابل ذکر است که درس تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی در پایه اول دوره ابتدایی تدریس نمی‌شود.

در کتب تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی درصد تصاویر مربوط به مردان در تمامی زمینه‌ها بیش از درصد تصاویر مربوط به زنان است، این تفاوت در زمینه‌های اقتصادی، اخلاقی و خانوادگی کمتر و در زمینه مذهبی چشمگیرتر است (۲۲/۵ برابر). قابل ذکر است که برخلاف سایر کتب درسی، در کتب تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی حتی در زمینه اخلاقی و خانوادگی نیز درصد تصاویر مردان بیش از درصد تصاویر زنان است.

به طور کلی از بررسی تصاویر کتب درسی دوره ابتدایی می‌توان چنین نتیجه گرفت که کتب تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی به نسبت بیشتر و کتب ریاضی به نسبت سایر کتب کمتر دارای فضای مردانه است.

◆ تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به اسامی مرد و زن در کتب درسی دوره ابتدایی

۱-۲- فارسی

بررسی اسامی مربوط به مردان و زنان در کتب فارسی دوره ابتدایی نشانگر آنست که اسامی مردان بیش از چهار برابر اسامی زنان در این کتب به کار برده شده است. مقایسه درصد اسامی مردان و زنان در پایه‌های مختلف تحصیلی نشان می‌دهد که به طور کلی هر چه از پایه اول به پایه پنجم نزدیکتر می‌شویم بر درصد اسامی مردان افزوده و در مقابل از درصد اسامی زنان کاسته می‌گردد.

بررسی اسامی عام و خاص مردان و زنان در کتب فارسی بیانگر آنست که اسامی عام مردان دو برابر بیش از اسامی عام مربوط به زنان به کار برده شده است. در مورد اسامی خاص، این تفاوت به ۲۶۷ برابر می‌رسد. به طور کلی هر چه پایه تحصیلی بالاتر می‌رود بر درصد اسامی خاص مربوط به مردان افزوده می‌گردد. قابل توجه است که تنها در کتب فارسی پایه پنجم اسامی خاص مربوط به زنان (آن هم تنها دو مورد) به کار برده شده و در سایر پایه‌ها مطلقاً اشاره‌ای به اسامی خاص زنان نشده است.

بررسی اسامی عام زنان در پنج پایه تحصیلی دوره ابتدایی نشان می‌دهد که هر چه از پایه اول به پایه پنجم نزدیکتر می‌شویم از درصد اسامی عام زنان به نحو چشمگیری کاسته می‌شود.

بررسی اسامی موجود در کتابهای فارسی دوره ابتدایی در خصوص مقولات اقتصادی، اخلاقی و خانوادگی، شناختی، مذهبی و ملی و میهنی حاکی از آنست که به جز در مقوله اخلاقی و خانوادگی، در تمامی زمینه‌ها، اسامی مردان به مراتب بیشتر از اسامی زنان تکرار شده است که این امر به ویژه در زمینه مذهبی قابل ملاحظه می‌باشد (حدود ۲۵ برابر).

➤ بررسی اسامی در کتب تعلیمات اجتماعی در پایه‌های تحصیلی مختلف نشان می‌دهد که بیش از دو سوم

اسامی مربوط به مردان است. با توجه به داده‌های موجود هر چه بر پایه تحصیلی افزوده می‌شود، درصد اسامی مردان به نسبت زنان افزایش می‌یابد.

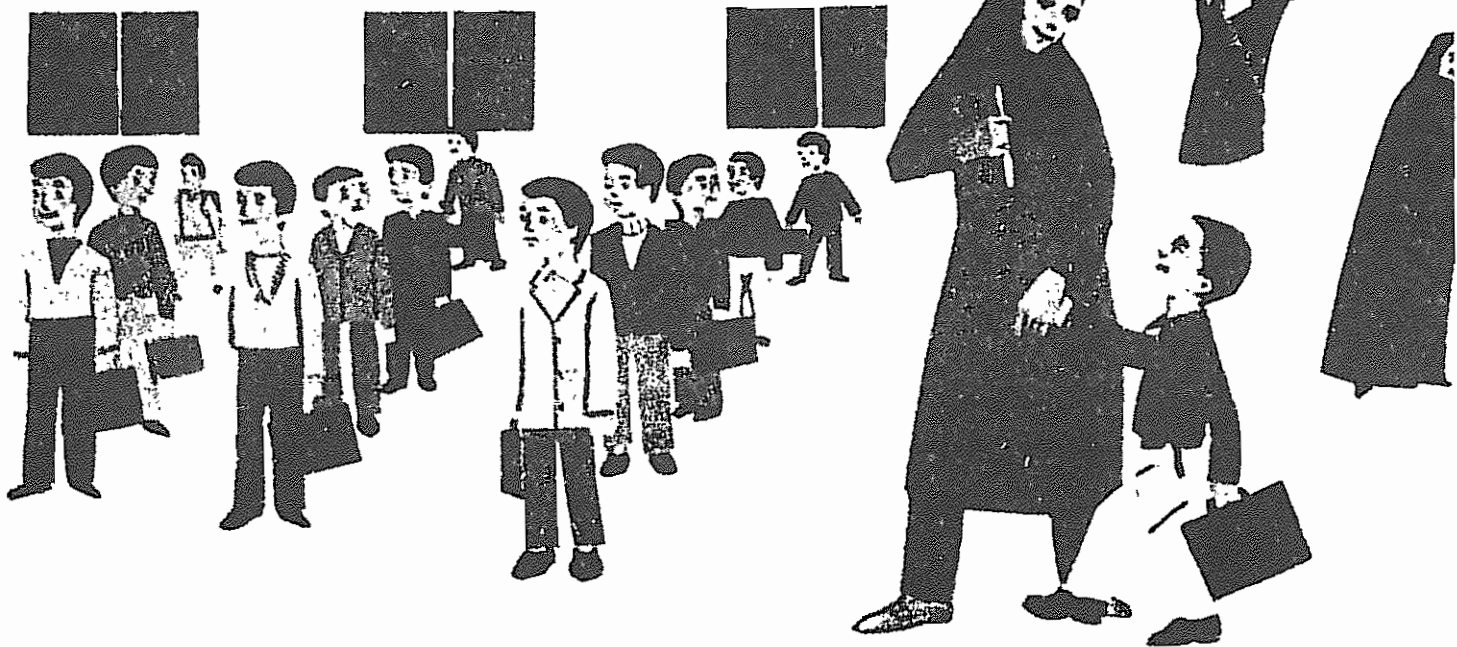
۲-۲- ریاضی

بررسی اسامی موجود در کتب ریاضی دوره ابتدایی نشان می‌دهد که درصد اسامی مردان نزدیک به دو برابر درصد اسامی زنان است. نکته قابل توجه آنست که در کتب ریاضی برخلاف کتب فارسی، تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان درصد اسامی مردان و درصد اسامی زنان به چشم نمی‌خورد. (از حداکثر ۳/۳ برابر تا حداقل ۱/۱ برابر).

بررسی اسامی عام و خاص مردان و زنان در کتب ریاضی بیانگر آنست که اولاً در این کتابها اشاره‌ای به اسامی خاص چه برای مردان و چه برای زنان نشده است. ثانیاً در خصوص اسامی عام، درصد اسامی مردان حدود دو برابر درصد اسامی زنان است که این تفاوت در میان پایه‌های مختلف از ۱/۲ برابر تا حداکثر سه برابر در نوسان است.

بررسی اسامی موجود در کتب ریاضی برحسب مقولات پنجگانه حاکی از آنست که اولاً در مقولات مذهبی و ملی و میهنی اشاره‌ای به اسامی مردان و زنان نشده و ثانیاً در زمینه‌های اقتصادی و شناختی درصد اسامی مردان بیش از درصد اسامی زنان و در مقابل در زمینه اخلاقی و خانوادگی درصد اسامی زنان بیش از درصد اسامی مردان می‌باشد.





۳-۲ - علوم تجربی

بررسی اسامی در کتب علوم تجربی دوره ابتدایی در پایه‌های تحصیلی مختلف بیانگر آنست که در مقابل هر هشت اسم مرد، تنها به یک مورد اسم زن اشاره شده است، از مقایسه پایه‌های تحصیلی در کتب مذکور مشاهده می‌شود که در پایه اول تحصیلی، اسامی مردان دو برابر اسامی زنان و در پایه دوم تحصیلی اسامی مردان سه برابر اسامی زنان می‌باشد. در پایه سوم این نسبت به حداکثر خود (۲۴ برابر) می‌رسد و در پایه‌های چهارم و پنجم این نسبتها به نحو قابل توجهی کاهش می‌یابد.

بررسی اسامی عام و خاص در کتب علوم تجربی نشانگر آنست که اولاً در این کتب اسم خاص به کار برده نشده است و ثانیاً درصد اسامی عام مربوط به مردان در کلیه پایه‌های تحصیلی به مراتب بیش از درصد اسامی عام مربوط به زنان می‌باشد. نکته قابل توجه آنست که در دو پایه دوم و پنجم هیچگونه اشاره‌ای به اسامی زنان نشده است.

بررسی اسامی مردان و زنان با توجه به مقولات پنجگانه در کتب علوم تجربی حاکی از آنست که اولاً اسامی به کار برده عمدتاً در زمینه شناختی بوده که نسبت اسامی مربوط به مردان در این مقوله ۵/۵ برابر اسامی مربوط به زنان می‌باشد. نسبت اسامی مردان در زمینه اقتصادی دو برابر اسامی زنان است.

۴-۲ - تعلیمات اجتماعی

بررسی اسامی در کتب تعلیمات اجتماعی در پایه‌های تحصیلی مختلف نشان می‌دهد که

بیش از دو سوم اسامی مربوط به مردان است. با توجه به داده‌های موجود، هر چه بر پایه تحصیلی افزوده می‌شود، درصد اسامی مردان افزایش و در مقابل درصد اسامی زنان کاهش می‌یابد.

در بررسی اسامی عام و خاص به کار برده شده در مورد زنان و مردان در کتب تعلیمات اجتماعی مشاهده می‌شود که اولاً سهم اسامی خاص به مراتب بیشتر از اسامی عام می‌باشد ثانیاً به جز در پایه سوم که درصد اسامی زنان و مردان تفاوت قابل توجهی با یکدیگر ندارند، در سایر پایه‌ها مطلقاً اشاره‌ای به اسامی عام مردان و زنان نشده است. به علاوه اکثریت قریب به اتفاق (بیش از ۹۵/۰ درصد) اسامی خاص به مردان اختصاص داشته است.

بررسی اسامی مردان و زنان در کتب تعلیمات اجتماعی گواه آنست که اولاً اسامی به کار رفته بیشتر در زمینه شناختی بوده و پس از آن مقوله ملی و میهنی بیشترین درصد اسامی به کار رفته را به خود اختصاص داده است که در این زمینه مطلقاً به اسامی زنان اشاره‌ای نشده است. پس از مقوله ملی و میهنی، بیشترین درصد اختلاف اسامی را مقوله مذهبی دارا می‌باشد (حدود ۵/۰ برابر).

۵-۲ - تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی

بررسی اسامی در کتب تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی در پایه‌های مختلف تحصیلی بیانگر آنست که درصد اسامی مردان پنج برابر درصد اسامی زنان است که این برتری در کلیه پایه‌ها به چشم می‌خورد. مقایسه اسامی زنان در

پایه‌های پنجگانه ابتدایی نشان می‌دهد که درصد اسامی زنان از پایه دوم به پایه سوم به بیش از دو برابر افزایش یافته و پس از آن به تدریج کاهش می‌یابد.

بررسی اسامی عام و خاص در کتب فوق نشان می‌دهد که درصد اسامی عام مردانه حدود دو برابر درصد اسامی عام زنانه است در حالی که اسامی خاص مربوط به مردان ۲۳ برابر اسامی خاص مربوط به زنان به کار برده شده است، مقایسه اسامی خاص در پایه‌های پنجگانه تحصیلی نشان می‌دهد که درصد اسامی خاص مربوط به مردان (۹۹/۸ درصد) در پایه پنجم به نسبت بیش از سایر پایه‌ها می‌باشد. در مقابل پایه دوم بیشترین درصد (حدود ۹۷/۰ درصد) اسامی عام مردانه را به خود اختصاص داده است.

بررسی اسامی در خصوص مقولات پنجگانه نشان می‌دهد که اولاً به جز در زمینه اخلاقی و خانوادگی، در بقیه مقولات اسامی مردان به مراتب بیش از اسامی زنان مورد استفاده قرار گرفته است؛ ثانیاً بیشترین تفاوت درصد اسامی به کار رفته مربوط به زمینه ملی و میهنی و کمترین تفاوت مربوط به زمینه اقتصادی است.

◆ تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به مشاغل مرد و زن در کتب درسی دوره ابتدایی

۱-۳ - فارسی

بررسی مشاغل زنان و مردان در کتب

➤ بررسی مشاغل زنان و مردان در کتب فارسی دوره اول ابتدایی حاکی از آن است که درصد مشاغل مردان حدود هفت برابر درصد مشاغل زنان است. مقایسه درصد مشاغل در پایه‌های مختلف تحصیلی کتب فوق بیانگر آن است که با بالا رفتن پایه تحصیلی از درصد مشاغل زنان کاسته و بر درصد مشاغل مردان افزوده شده است به طوری که در پایه پنجم تحصیلی «صد درصد» کل مشاغل مربوط به مردان است.

➤ هر گاه محتوای کتب درسی منعکس کننده واقعیات و ارزشهای موجود نبوده و جنبه ذهنی داشته باشند، از یکسو انتقال مفاهیم و دروس به دانش‌آموزان دشوار می‌شود و از سوی دیگر موجب سلب اعتماد آنان از نظام آموزشی و در نهایت از کل نظام اجتماعی خواهد شد.

مشاغل مردان و زنان متعلق به کتب تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی (۱۷/۵ برابر) و کمترین درصد اختلاف به کتب ریاضی (۴/۵ برابر) مربوط می‌شود.

بررسی نوع مشاغل مردان و زنان در کتب درسی مورد بررسی نشانگر آنست که آموزگاری تنها شغل خارج از منزل برای زنان عنوان شده در حالی که مشاغل خارج از منزل مربوط به مردان از تنوع به مراتب بیشتری برخوردار بوده است به طوری که ۲۷ نوع شغل را در بر می‌گیرد. از جمله مشاغل ذکر شده برای مردان می‌توان به مخترع، دانشمند، پزشک، نظامی، پاسدار، کشاورز، دامدار، آهنگر، ماهیگیر، راننده، پستچی، نانوا، نجار و... اشاره نمود، و این درحالی است که براساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۶۵، درصد زنان در مشاغل علمی، فنی و تخصصی در نقاط شهری کل کشور، شش برابر مردان (۶۰/۱ درصد زن در مقابل ۱۰/۹ درصد مرد) و در نقاط روستایی درصد زنان در این گروه شغلی تقریباً سه برابر مردان (۶/۲ درصد زن در مقابل ۲/۶ درصد مرد) بوده است.

تذکر: جداول آماری این پژوهش که به دلیل حجم زیاد مطلب از این مقاله حذف شده، در دفتر مجله موجود و برای علاقمندان قابل دسترسی است.

علی اسلامبولچی مقدم
ژینا جویه
فریبا زمانی
ناهید مکنون
حسن ملک
شیدا نبینی

۴ - ۳ - تعلیمات اجتماعی
بررسی مشاغل مردان و زنان در کتب تعلیمات اجتماعی حاکی از آنست که درصد مشاغل مردان هشت برابر درصد مشاغل زنان می‌باشد. مقایسه مردان و زنان در پایه‌های مختلف تحصیلی نشان می‌دهد که همواره درصد مشاغل مردان به مراتب از درصد مشاغل زنان بیشتر بوده و این اختلاف درصد در پایه پنجم به حداکثر خود می‌رسد (۲۲ برابر).

۵ - ۳ - تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی
بررسی مشاغل نامبرده در کتب تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی گویای آنست که در مقابل هر ده شغل مربوط به مردان، تنها یک شغل به زنان اختصاص داشته است. مقایسه مشاغل مربوط به مردان و زنان در پایه‌های تحصیلی مختلف نشان می‌دهد که درصد مشاغل مردان در تمامی پایه‌های تحصیلی بیشتر از درصد مشاغل زنان می‌باشد، به علاوه در پایه‌های دوم و چهارم تمامی مشاغل به مردان اختصاص می‌یابد.

بررسی مشاغل در کتب درسی دوره ابتدایی به تفکیک مشاغل خارج از منزل و مشاغل داخل منزل نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق مشاغل خارج از منزل (۸۹/۷ درصد) به مردان و تنها ۱۰/۳ درصد از آنها به زنان اختصاص داشته است، در مقابل کلیه مشاغل داخل منزل به زنان تعلق می‌یابد. مقایسه درصد مشاغل در کتب مختلف درسی حاکی از آنست که بیشترین درصد اختلاف بین

فارسی دوره ابتدایی حاکی از آنست که درصد مشاغل مردان حدود هفت برابر درصد مشاغل زنان است. مقایسه درصد مشاغل در پایه‌های مختلف تحصیلی کتب فوق بیانگر آنست که با بالا رفتن پایه تحصیلی از درصد مشاغل زنان کاسته و بر درصد مشاغل مردان افزوده شده است به طوری که در پایه پنجم تحصیلی صد درصد کل مشاغل مربوط به مردان است.

۲ - ۳ - ریاضی
بررسی مشاغل نامبرده در کتب ریاضی دوره ابتدایی نشان می‌دهد که درصد مشاغل مربوط به مردان حدود چهار برابر درصد مشاغل مربوط به زنان است. مقایسه درصد مشاغل مربوط به مردان و زنان در پایه‌های مختلف تحصیلی نشانگر آنست که اولاً درصد مشاغل مردان در تمامی پایه‌ها به مراتب بیشتر از درصد مشاغل مربوط به زنان بوده و ثانیاً در پایه سوم کلیه مشاغل به مردان اختصاص داشته است. به علاوه کمترین درصد اختلاف مشاغل مردان و زنان، مربوط به پایه پنجم است.

۳ - ۳ - علوم تجربی
بررسی مشاغل مردان و زنان در کتب علوم تجربی دوره ابتدایی بیانگر آنست که در مقابل هر نه شغل مربوط به مردان، یک شغل به زنان اختصاص یافته است. مقایسه مشاغل در پایه‌های مختلف تحصیلی نشان می‌دهد که درصد مشاغل مردان و زنان از پایه دوم به پایه پنجم تغییر محسوسی نکرده است.

انتظار برای انتشار آخرین اثر سیمین دانشور



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به سر می‌برد.

انتظار می‌رفت که این رمان تازه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب، به علاقمندان آثار دانشور عرضه شود، اما هنوز از انتشار آن خبری در دست نیست. شایان ذکر است که «سووشون» اثر مشهور دانشور برای پانزدهمین بار توسط انتشارات خوارزمی به زیر چاپ رفته است که شاید یکی از موارد نادر در تاریخ نشر ادبیات معاصر باشد.

همچنین مجموعه قصه «به کی سلام کنم؟» از سیمین دانشور برای ششمین بار توسط خوارزمی نشر شده است.

تازه‌ترین اثر نویسنده بزرگ معاصر، سیمین دانشور که «جزیره سرگردانی» نام دارد، در انتظار دریافت مجوز انتشار از سوی

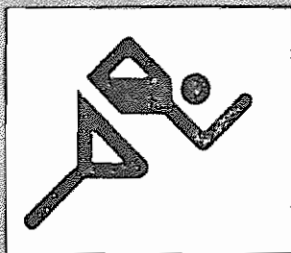
سومین مجموعه داستان منیر و روانی پور منتشر شد

از سوی انتشارات مروارید، سومین مجموعه داستان منیر و روانی پور با نام «سیریا، سیریا» نشر شد.

سیریا، سیریا شامل ۹ داستان است که حاصل آخرین سفر روانی پور به جزیره‌های هنگام و نشم است. آثار گذشته وی «تلیت» و «سنگهای شیطان»، «اهل غرق» و «دل فولاد» بوده است.



اولین المپیاد ورزشی دانشجویان سراسر کشور



روزهای ۲۹ و ۳۰ خرداد، مدیران و مسئولان تربیت بدنی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی برای بررسی مسائل فرهنگی، فنی و خدماتی این المپیاد در دانشکده عمران دانشگاه خواجه نصرالدین طوسی گرد هم آمدند. در این گردهمایی، قوه خاتلو، مدیر کل تربیت بدنی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، گزارشی از عملکرد ستاد برگزار در سال ۷۱ و ۷۲ بیان کردند و به مواردی از جمله تعیین اساتید ورزش دانشجویان، طرح ورزش همگانی دانشجویان، تدوین اساتید ورزش و آیین‌نامه حین‌التعلیم و اجرای مسابقات دانشجویی در کشورهای اسلامی برای خواهران و برادران در سال آتی و تشکیل انجمنهای ورزشی و آتی و تشکیل برون سرزی ورزش و اقدام در سه زمینه خانه دانشجوی المپیاد دانشجویی و مسابقات دانشگاهی اشاره کرد.

در این گردهمایی همچنین به طرح مسائل فرهنگی و فنی این دوره مسابقات پرداخته و تصمیماتی اتخاذ شد و در انتها قطعنامه‌ای در مورد مسائل ورزشی در سطح دانشگاهها قرائت شد و در آن از زحمات آقای دکتر مفرد و آقای دکتر معین قدرانی به عمل آمد.

از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی اولین المپیاد فرهنگی - ورزشی دانشجویان سراسر کشور از تاریخ ۲۹ تیرماه تا اول شهریور در تهران برگزار خواهد شد. در این مسابقات هفت هزار دانشجوی دختر و پسر از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور مسابقه خواهند داد، که دو هزار دانشجوی دختر در ۱۰ رشته ورزشی والیبال، هندبال، بسکتبال، شنا، ژیمناستیک، دو میدانی، آمادگی جسمانی، تیس روی میز، بدمینتون و شطرنج از تاریخ ۲۰ مرداد به مدت ۱۳ روز در سالنهای ورزشی تهران به عرصه رقابت خواهند آمد.

اولین المپیاد ورزشی دانشجویان گام مثبتی جهت ارتقای ورزش خواهران است تا در آینده نزدیک در سطح کشورهای مسلمان تواناییهای خود را به اثبات برسانند. در

فرزند چهارم، بدون امتیاز

بارداری و زایمان کارگران زن برای فرزند چهارم و بعد از آن از مرخصی استحقاقی کارگر کسر خواهد شد. همچنین هزینه نگهداری فرزندان کارگران زن در مراکز نگهداری، موضوع ماده ۷۸ قانون کار برای فرزند چهارم به عهده خود کارگر زن خواهد بود. براساس لایحه تنظیم خانواده و کنترل جمعیت جن بیمه برای فرزند چهارم و بعد از آن به صورت جداگانه تعیین و مطابق تعرفه تأمین اجتماعی از بیمه شده دریافت می‌شود. این لایحه وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، و فرهنگ و ارشاد اسلامی را موظف کرده که در حدود وظایف و مسئولیتهای خود در این زمینه برنامه‌هایی به اجرا برسانند.

کلیه امتیازهایی که در قوانین براساس تعداد فرزندان با عائله، پیش‌بینی و وضع شده است، در مورد فرزند چهارم و بعد از آن که پس از یک سال از تصویب قانون تنظیم خانواده و کنترل جمعیت متولد می‌شوند، قابل محاسبه و اعمال نخواهد بود و فرزندان که تا تاریخ مذکور متولد می‌شوند، کسب‌کنان از امتیازات مقرر برخوردارند.

مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ماه سال جاری در شور دوم خود، لایحه تنظیم خانواده و کنترل جمعیت را به تصویب رساند. این لایحه چگونگی استفاده از امتیازات پیش‌بینی شده در قانون کار و قانون تأمین اجتماعی را در نظر داشته است. مرخصی

کمیته بانوان انجمن فارغ التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف تشکیل شد.

۲- بررسی و تبیین نقش بانوان متخصص در فعالیتهای مثبت و سازنده اقتصادی - اجتماعی و تلاش در راستای احیای شخصیت حقیقی و حقوقی آنان

۳- بررسی مشکلات اشتغال بانوان فارغ التحصیل در رشته‌های تخصصی و تلاش در جهت جذب بیشتر آنان در مراکز مناسب

۴- تشویق بانوان فارغ التحصیل جهت ادامه تحصیل و کسب مدارج علمی بالاتر

۵- برقراری ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی فعال در مسائل زنان

اخیرا فارغ التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف اقدام به تأسیس انجمنی تحت عنوان «انجمن فارغ التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف» کرده‌اند.

این انجمن در چهارچوب اساتید خود به ایجاد بخش «بانوان فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی شریف» اقدام کرده است. این کمیته اهداف خود را به شرح زیر اعلام کرده است:

۱- ایجاد ارتباط بین بانوان فارغ التحصیل جهت تبادل نظر و کسب اطلاعات و تجربیات در زمینه‌های تخصصی آنان



◀ حمله به دفتر مجله «کیان»

بعد از ظهر روز جمعه، ۲۲ اردیبهشت ماه ۷۲، گروهی موتورسوار مقابل دفتر مجله کیان اجتماع کردند و ضمن دادن شمار به دفتر مجله حمله کردند.

مهاجمان پس از شکستن میزها و سنگلیها و شیشه‌ها و نوشتن شماره‌هایی روی دیوار، محل را ترک کردند. نیروهای انتظامی نیز که لحظاتی قبل از حمله از جریان مطلع شده بودند، در محل حاضر شدند و فرمانده نیروهای انتظامی منطقه شمال تهران در این زمینه با مسئولان مجله به مذاکره پرداخت و از آنان خواست جهت ثبت شکایت و رسیدگی قانونی به جریان حادثه به کلاتری منطقه مراجعه کنند. مسئولان «کیان» در پاسخ گفتند: «مهاجمان

اگرچه از روشهای غیرمنطقی برای ابراز مخالفت خود استفاده کردند اما آنها مقصر اصلی نیستند، مقصر اصلی محافل شناخته شده‌ای هستند که شرایط این گونه اعمال را فراهم می‌آورند. اتفاقاً این عمل هنگام ورود به دفتر مجله و مشاهده فضای موجود شکفت زده شدند، زیرا در دفتر «کیان» فقط کتابهای لغت و تفاسیر قرآن و منابع دینی و کتابهای فرهنگی وجود دارد.

پس از آن نمایندگان خیرگزاری جمهوری اسلامی برای تهیه عکس و خیر در محل حاضر شدند و با مدیر مسئول «کیان» به گفت‌وگو پرداختند. این خیر در روزنامه‌های صبح و عصر کشور به تناسب جو حاکم بر هر روزنامه منتشر شد.



◀ نمایشگاه بین‌المللی کتاب و مطبوعات برگزار شد.

ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب و دومین نمایشگاه بین‌المللی مطبوعات در ۱۲ اردیبهشت ماه سال جاری به مدت ۱۰ روز در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی برگزار شد.

در این دوره ۲۰ هزار مترمربع مساحت در اختیار نمایشگاه قرار گرفت که بیش از ۱۵۰۰ مؤسسه انتشاراتی، مطبوعاتی، مؤسسات خدمات نشر و مؤسسات اطلاع‌رسانی از داخل و خارج کشور حضور داشتند. در ششمین نمایشگاه کتاب حدود ۶۰ هزار عنوان کتاب از سوی ناشرین ارائه شده بود که از این تعداد حدود ۱۸ هزار عنوان به کتابهای ناشران داخلی و ۲۲ هزار عنوان به کتابهای خارجی اختصاص داشت.

روزی ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب

فروش مستقیم کتابهای خارجی با تخصیص ارز ۶۰ تومانی، تا سقف ۱۰ هزار تومان، در نظر گرفتن فرهای مستقل برای جوانان، فراهم کردن بازیدهای گروهی برای مراکز علمی به طور رایگان، ایجاد سرویسهای ویژه در چند نقطه از شهر

انتشارات ضیای سابر: شکوفه نورمحمدی

انتشارات ستاره: آفاق انصاری
انتشارات سحر: شهلا بودرجهری
انتشارات روش نو: نورالدخت مقری تهرانی
انتشارات نوآوران: مانگ سیما ملک
مجله داستیبا: فرانہ بهادری
مجله پرستاری و سامانی: منصوره نیک‌روش
مجله پرش: صدیقه زنهاری
مجله پیام هاجر: اعظم طالقانی
مجله زنان: شهلا شریعت

ششمین نمایشگاه و بازدیدکنندگان با وجود حضور چشمگیر مردم در نمایشگاه امسال، میزان فروش در بخش کتاب و مطبوعات به نسبت سالهای گذشته پایین بود. افزایش قیمت کتاب، عمده‌ترین دلیل کاهش خرید از سوی بازدیدکنندگان عنوان می‌شد. با آنکه در این نمایشگاه سعی شده بود ناشرین با کتابهای جدیدتری حضور داشته باشند اما میزان کتابهای جدید به تقاضای بازدیدکنندگان کم بود. در بخش کتابهای خارجی، فروش مستقیم کتاب، اگرچه بخشی از مشکلات سالهای گذشته از قبیل تاخیر ارسال کتابهای سفارش خریداران از سوی ناشرین را برطرف کرده بود اما عدم پیش‌بینی ناشرین خارجی در مورد میزان تقاضا برای بعضی از کتابها، مشکل دیگری را برای بازدیدکنندگان ایجاد کرده بود چرا که تیراژ پایین برخی کتابهای ارائه شده، امکان خرید را برای اغلب متقاضیان آن کتابها از بین می‌برد.

ششمین نمایشگاه، کتاب و مؤسسات انتشاراتی و مطبوعاتی

اهتمام برگزارکنندگان و تلاش کارگزاران ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران تماماً در این جهت بوده است که امکانات و تسهیلات مناسبی برای شرکت‌کنندگان و فضای فرهنگی مفید و شایسته‌ای برای دیدارکنندگان فراهم آید. اما بهیچ‌وجه بالایی گرفته‌ها، گفته عمده مؤسسات انتشاراتی و مطبوعاتی شرکت‌کننده محسوب می‌شد. از آنجا که این مؤسسات هیچ‌کدام تجاری نیستند و فقط در جهت فعالیتهای فرهنگی کار می‌کنند، انتظار دارند در این گونه موارد از مؤسسات تجاری تمیز داده

شوند. ناشرین کتاب و مجلات با اشاره به این نکته که حذف سوبسید در سال جدید مشکل‌ساز خواهد بود و ادامه کنار مشکل و حاشی در مواردی برای ناشرین کوچک و نوپا غیرممکن خواهد شد از مسئولین خواستند تا در خصوص کمکهای جنسی از جمله بخشودگی مالیاتین، در نظر گرفتن بیمه و تخفیف هزینه‌های پست، اقدامات جدی صورت گیرد. در غیر این صورت در سال جدید با افزایش قیمت، کاهش خرید و رکود بازار کتاب روبه‌رو خواهیم شد و این در حالی است که برخی از ناشرین در حال حاضر قادر به چاپ و یا تجدید چاپ تعدادی از عناوین خود نیستند و از تعداد کتابهای عنوان شده در نمایشگاه تعداد زیادی را به همین دلیل برای عرضه به همراه نداشتند. از طرف دیگر افزایش هزینه پست نیز موجب شده است که ناشرین تعدادی از مشترکین شهرستانی خود را از دست بدهند. علاوه بر آنچه گفته شد، در خصوص مطبوعات، می‌توان از نامناسب بودن مکان و تبلیغات کافی در زمینه حضور آنها در نمایشگاه نام برد. محل استقرار مطبوعات به گونه‌ای دور از چشم، آن هم با نشانه‌ها و علامتهایی اندک برای هدایت بازدیدکنندگان به سمت غرفه‌های مربوطه، نقص عمده نمایشگاه در این بخش به شمار می‌رفت. بخشی که خود هویتی کاملاً مستقل و جدا دارد. به گفته مؤسسات مطبوعاتی شرکت‌کننده، مطبوعات خود هویتی کاملاً مستقل و جدا دارد و حالا که مطبوعات را در کنار کتاب و در یک نمایشگاه قرار داده‌اند، خوب بود بر جنبه مطبوعاتی نمایشگاه و تبلیغ درباره آن، به اندازه کتاب توجه می‌شد اما آنچه از سوی شرکت‌کنندگان و بازدیدکنندگان به عنوان یک سؤال برپاسخ تا بیان نمایشگاه باقی ماند لغو برخی برنامه‌های جنسی از پیش اعلام شده در نمایشگاه بود. این برنامه‌ها که از سوی بعضی ناشرین به صورت رسمی در آغاز نمایشگاه اعلام شده بود پس از اجرای آن در برنامه، با ذکر این دلیل که مسئولان برنامه کسالت دارند، لغو اعلام شد. اما براساس بعضی اظهارات ظاهراً دلیل اصلی عدم برگزاری این برنامه‌ها از سوی مسئولین عدم توانایی آنها در برقراری امنیت جلسات بوده است.



اسکندر مقدونی از چهره‌های مشهور و شناخته شده تاریخ در جهان است. عشق به کشورگشایی و ولع و اشتیهای سیری‌ناپذیر وی برای دیدن نادیده‌ها و آنچه که در جهان وجود دارد، او را حتی به دنبال آب حیات در ظلمات کشانید.

شخصیت اسکندر برای بسیاری از حماسه‌پردازان و داستان‌سرایان ایرانی نیز منبع الهام و آفرینش آثار ادبی و ماندنی شد و کسانی چون فردوسی و نظامی درباره او داستانها نگاشتند. نظامی کتابی مستقل به نام «اسکندرنامه» به نظم کشید و دهها شاعر چون سعدی و حافظ و... در شعرهایشان از او یاد کرده‌اند.

فلسفه زندگی او را که انباشته از کبر و غرور و حرص و آز شدید برای جهانگیری و جهان پادشاهی بود می‌توان در یک بیت بیان کرد:

نخوام که جایی بود در جهان
که دیدار آن باشد از من نهان

بنا به گفته حکیم طوس، اسکندر در پی یکی از سفرهایش به شهر «هروم» می‌رود. فردوسی محل این شهر را در شمال شرقی آفریقا در حوالی زنگبار و کشور حبشه ذکر می‌کند. وی در حوالی این شهر با زنگیان روبه‌رو می‌شود. اصولاً فردوسی در داستانهای خود به امور خارق‌العاده و افسانه توجه دارد. او با اسب خیال اسکندر را از این سر دنیا به آن سر دنیا می‌برد و گاهی در جریان حوادث و تشریح وقایع و ترسیم آنها مبالغه می‌کند؛ فردوسی حتی جادوگری و نیروهای مافوق‌الطبیعه را نیز در شاهنامه وارد می‌کند و با طرح این‌گونه مطالب حوادث را هیجان‌انگیزتر جلوه‌گر می‌سازد. مثل مواجه شدن اسکندر با جادوی جادوگران در حوالی شهر «هروم».

شهر زنان و شگفتیهای آن

در شهر «هروم» فقط زنان زندگی می‌کرده‌اند. اداره کشور نیز به عهده زنان بوده است و هیچ مردی را به این شهر راه نمی‌داده‌اند و به واسطه رشادت و جنگاوری، زنان هروم برای تیراندازی و نبرد بهتر، پستان چپشان را از کودکی می‌بریده‌اند تا مانع کمان‌کشی و تیراندازی آنها نشود:

که آن شهر یکسر زنان داشتند
کسی را در آن شهر نگذاشتند
سوی راست پستان چو آن زنان
بسان یکی نار بر پرنیان

سفر اسکندر به شهر زنان

زهره نوروزی صحنه

برداشتی از شاهنامه فردوسی

سوی چپ به کردار جوینده مرد
که جوشن پیوشد به روز نبرد

اسکندر چون به نزدیک شهر زنان (هروم) می‌رسد، فیلسوفی خردمند را همراه نامه‌ای به عنوان «شاه ایران و روم» برای آنان می‌فرستد و خواهان باج و خراج می‌شود:

سر نامه از کردگار سپهر
کزویست بخشایش و داد و مهر
هر آنکس که دارد روانش خرد
جهان را به عمری همی بسپرد
شنید آنکه ما در جهان کرده‌ایم
سر مهتری بر کجا برده‌ایم
کسی کو ز فرمان ما سر بتافت
نهالی به جز خاک تیره نیافت
نخواهم که جایی بود در جهان
که دیدار آن باشد از من نهان
گر آیم مرا با شما نیست رزم
به دل آشتی دارم و رای بزم
اگر هیچ دارید داننده‌ای
خردمند بیدار خواننده‌ای
چو برخواند این نامه پندمند
بر آنکس که هست از شما ارجمند
بیندید پیش آمدن را میان
کزین آمدن کس ندارد زیان

در مورد مقام پادشاهی و رزمها و پیروزیهایی که اشاره کرده بودی باید بگویم که اگر به شهر هروم لشکرکشی کنی از بسیاری سپاه و نعل و پی اسبان ما، زمین را نخواهی دید. در شهر ما هزاران کوی و برزن وجود دارد و در هر کوی و برزنی هزاران زن جنگجو آمادهٔ رزمند. ما در تمام طول شب، زره و خفتان در برداریم و آمادهٔ نبردیم. اگر زنی از ما در هنگام جنگ، پهلوان نام‌آوری را از اسب به زیر اندازد و او را مغلوب کند ما تاجی زرین بر سرش می‌نهیم و مقام و مرتبهٔ او را بالا می‌بریم و بدان که اکنون در میان ما سی‌هزار زن تاجور وجود دارد که در روز جنگ مردی از گردنکشان و نام‌آوران به دست او برخاک افتاده است. تو مردی بزرگ و نام‌آور هستی. مگذار که بدنام شوی و دربارهٔ تو بگویند که تو به جنگ با زنان پرداختی و هنگام نبرد از دست آنان گریختی. این ننگ را مخر. زیرا تا دنیا باقی است داستان زشت تو کهنه نخواهد شد.

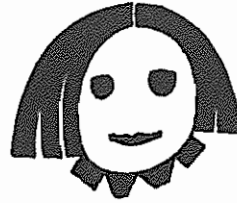
اگر می‌خواهی با سرداران روم به شهر هروم بیایی و آن را از نزدیک بینی باید با صداقت و راستی و مردم دوستی به اینجا قدم بگذاری، آنگاه ما با روی خوش مقدمت را گرامی خواهیم داشت و اگر به قصد دیگری بیایی آنقدر سپاه به جنگ تو می‌فرستیم که خورشید و ماه بر تو تیره گردد.

چو آن پاسخ نامه شد اسپری
زنی بود گویا به پیغمبری
اباتاج و با جامهٔ شاهوار
همی رفت با خوب رخ ده سوار
چو آمد خرامان به نزدیک شاه
پذیره فرستاد چندی به راه
زن نامبردار نامه بداد
پیام دلیران همه کرد یاد
سکندر چو آن پاسخ نامه دید
خردمند و بینا دلی برگزید
بدیشان پیامی فرستاد و گفت
که با مغز مردم خرد باد جفت
به گرد جهان شهریاری نماند
همان بر زمین نامداری نماند
که نه سر به سر پیش من کهنترند
وگر چه بلندند و نیک اخترند
مرا گرد کافور و خاک سیاه
همانست و هم بزم و هم رزمگاه

چون نامه به پایان رسید، دستور داد تا فیلسوف رومی آن را به شهر هروم ببرد و به او که مردی خردمند بود فرمان داد که برخوردار شایسته داشته باشد و سخنانی شیرین بر زبان آورد. وقتی قاصد اسکندر به نزدیک آن شهر می‌رسد، می‌بیند که ساکنانش همه زن هستند و در آنجا هیچ مردی نیست. پس از چندی لشگری از زنان به بیرون شهر می‌آیند و گرد آن مرد فیلسوف جمع می‌شوند. قاصد، نامهٔ اسکندر را برای آنان می‌خواند و آنها را از اندیشه و خواستهٔ اسکندر آگاه می‌کند. زنان دلیر آن شهر شورایی تشکیل می‌دهند و پاسخ نامهٔ اسکندر را چنین می‌نویسند که ای شهریار گردان فراز، زندگیست جاودان باشد. ما فرستادهٔ تو را پذیرفتیم و نامهٔ تو را خوب خواندیم.



آن گاه اسکندر می‌گوید که من با این لشکر مجهز برای جنگ و ستیز نیامده‌ام بلکه دوست ندارم که در جهان جایی باشد که من آن را نبینم. من اندیشه دیدار شهر شما را دارم و چون به خواسته‌ام دست یابم، اینجا چندان توقف نمی‌کنم و سپاهم را خواهم برد. فقط می‌خواهم زندگی و شکوه و بزرگی و شجاعت و سواری شما را ببینم و بدانم چگونه باردار می‌شوید و چه سان در این جهان بدون مرد زندگی می‌کنید و چون با مرگ تعدادتان کم می‌شود، چگونه زیاد می‌شوید:



بینم تا چیستان رای و فر
سواری و زیبایی و پای و پر
زکار زهستان بیرسم نهان
که بی‌مرد زن چون بود در جهان
اگر مرگ باشد فزونی زکیست؟
بینم که فرجام این کار چیست؟

و در آن جایگاه مهمان می‌کند. چون آن شب سپری می‌شود فردا به بازدید و دیدار شهر هروم می‌پردازد و راز زندگی زنان را جویا می‌شود.

زنان می‌گویند: «ما همه دوشیزگانی هستیم که بدون همسر زندگی می‌کنیم. و گرداگرد سرزمین ما دریای ژرفی است که برای خارج شدن از این شهر جز آن راهی وجود ندارد. از بین ما هر کس که تمایل به ازدواج داشته باشد، به سرزمینهای دور می‌رود و باید از این دریای ژرف عبور کند. حال چه دریا خوش و آرام باشد و چه طوفانی و سرد. وقتی شوهر کرد و بچه‌دار شد اگر دختر به دنیا آورد و آن دختر خلق و خوی زنانه داشته باشد و دریند رنگ و روی شود همان‌جا، جایگاه ابدی او خواهد بود و او را به اینجا راه نمی‌دهیم ولی اگر مردوش و دلیر و شجاع باشد او را به سوی هروم می‌فرستند.

اگر فرزند پسر باشد؛ او هم باید همان‌جا بماند و جایی در میان ما ندارد.

زچندین یکی را نبودست شوی
که دوشیزگانیم و پوشیده روی
زهر سو که آبی برین بوم و بر
به جز ژرف دریا نینی گذر
زما هر زنی کو گراید به شوی
از آن پس کس او را نینیم روی
بباید گذشتن به دریای ژرف
اگر خوش و گر نیز باریده برف
اگر دختر آیدش چون کرد شوی
زن آسا و جوینده رنگ و بوی
هم آن خانه جاوید جای وی است
بلند آسمانش هوای وی است
و گرمسرد و ش باشد و سرفراز
به سوی هرومش فرستند باز
و گر زو پسر زاید آنجا که هست
بباشد، نباشد بر ماش دست



فرستاده اسکندر این پیام را به زنان می‌رساند و آنها انجمنی می‌کنند و به او می‌گویند که برو و به اسکندر بگو که ما دوهزار زن را انتخاب کرده‌ایم که از هر صد نفر آنها ده نفر حامل تاجی از طلا هستند که بر آن گوهرهای فراوان کار گذاشته شده است و روی هم دویت تاج است که در خور و لایق شاه است. چون از دانایی و شکوه تو باخبر شده‌ایم، وقتی بیایی به استقبال می‌آییم و تاجهای مرصع را به تو پیشکش می‌کنیم. فرستاده باز می‌گردد و سخنهای خردمندانه زنان را به او می‌رساند. اسکندر در حالی که از کار زنان در شگفت مانده است، سپاه را حرکت می‌دهد اما دو منزل بیشتر جلو نمی‌رود که طوفان و بورانی شدید درمی‌گیرد و بسیاری از سرما و برف هلاک می‌شوند. پس از آن، ابر و دودی سیاه پدید می‌آید و آتشی برپا می‌شود که از گرمای آن، زره کتف سپاهیان را می‌سوزاند و از «نعل سواران» زمین شعله‌ور می‌شود.

بدین هم نشان تا به شهری رسید
که مردم به سان شیه تیره دید
فرو هشته لَفْج و برآورده کَفْج
به کردار قیر و شبه کَفْج و لَفْج
همه دیده‌هاشان به کردار خون
همی از دهان آتش آمد برون
بسی پیل بردند پیشش به راه
همان هدیه مردمان سیاه
بگفتند کین برف و باد دمان
زما بود کاملد شما را زبان
که هرگز بدین شهر نگذشت کس
تو را و سپاه تو دیدیم و بس

اسکندر چون از اسرار زندگی زنان شهر هروم آگاه می‌شود از آن شهر می‌رود.



کم و بیش ایشان همی بازجست
همی بود تا رازها شد درست
ببرسید هر چیز و دریا بدید
وزان روی لشکر به مغرب کشید

یادداشتها:



۱ - لفج: لب گنده و ستر

۲ - کَفْج: کف

مانند:

شاهنامه فردوسی، چاپ مسکو، اداره انتشارات دانش، ۱۹۶۶، جلد هفتم.

تصحیح متن به اهتمام (م. ن) عثمانوف

اسکندر یک ماه در آن شهر با آرامش می‌زید و از آنجا به طرف شهر زنان حرکت می‌کند و در یک بیشه خوش آب و هوا و زیبا و خرم متوقف می‌شود و بساط می‌گسترده. زنان وقتی آگاه می‌شوند که اسکندر به شهر هروم آمده آن تاجهای زر را با جامه‌ها و گوهرهای نایاب به او پیشکش می‌کنند و اسکندر با خوشحالی آنها پذیرا می‌شود



دومین نمایشگاه بین‌المللی گل و گیاه با حضور ۱۱۵ شرکت ایرانی و خارجی تولیدکننده گل و لوازم باغبانی و کشاورزی در ۲۴ اردیبهشت ماه سال جاری به مدت یک هفته در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار شد. ❀

در این نمایشگاه که به منظور بالا بردن سطح کمی و کیفی تولید گل و ارزیابی نحوه صادرات با وسعت ۱۰ هزار متر، در سه بخش گل و گیاه، عکاسی و نقاشی برگزار شده بود، حدود ۲۶ شرکت در بخش ادوات کشاورزی و باغبانی و ۸۹ شرکت در بخش گل و گیاه حضور داشتند. کشورهای هلند، سوئیس، فرانسه، ایتالیا، دانمارک، سوئد، انگلستان و آمریکا از کشورهای شرکت‌کننده در نمایشگاه بودند که جز هلند، دیگر کشورها با لوازم باغبانی و کشاورزی شرکت کرده بودند. در بخش عکاسی و نقاشی نیز حدود ۱۷۱ عکس و ۲۰۰ تابلو نقاشی از هنرمندان کشورمان با مضمونهای گل و طبیعت به نمایش گذاشته شده بود.

این نمایشگاه تا روز پایانی، حدود ۷۸۵ هزار نفر بازدیدکننده داشت که از این رقم حدود ۳۵۰ هزار نفر، بازدیدکنندگان بخش نقاشی نمایشگاه بودند. این بخش که تحت عنوان «گلستانه» در نظر گرفته شده بود و ۳۸ درصد آن را آثار زنان تشکیل داده بود از ویژگی خاصی نسبت به سال گذشته برخوردار بود. افزایش آثار ارائه شده و کیفیت بالای آثار نسبت به سال گذشته، نگاه تازه هنرمندان به گل و طبیعت، برپایی بخش ویژه آثار پیش‌کسوتان و استادان هنر نقاشی و بخش گل و مرغ (آثاری از مینیاتور)، از ویژگیهای عمده بخش نقاشی در دومین نمایشگاه بین‌المللی گل و گیاه تهران محسوب می‌شد.

گیاه
- لوح تقدیر به شرکت تعاونی زعفران‌کاران خراسان برای معرفی انواع زعفران
- لوح تقدیر به مهندس قدرت‌الله بهرامی برای تزئین سفره عقد
- لوح تقدیر به مؤسسه کشاورزی ابراهیمی برای پرورش کالادیوم

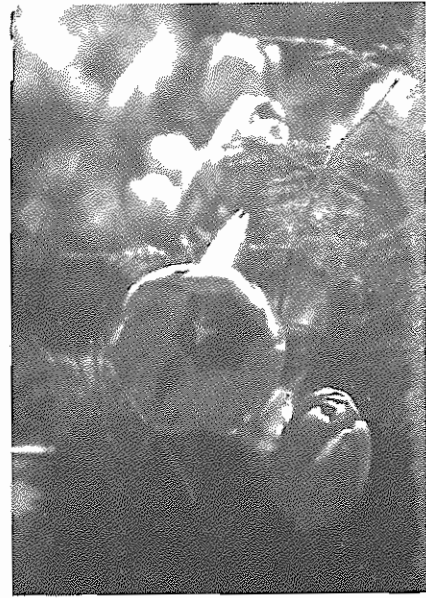
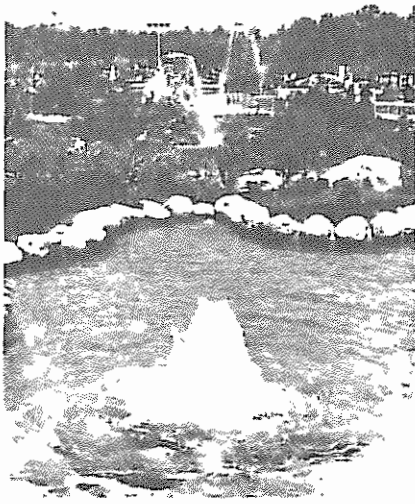


نظر هیئت داوران بخش نوآوری:

- لوح تقدیر به مؤسسه خانه گل (آقای غضنفری) برای ارائه انواع جدید گل‌های تزئینی آپارتمانی
- لوح تقدیر به مؤسسه گلشهر (فدک) برای استفاده از کامپیوتر در اطلاعات مربوط به

- لوح تقدیر به سازمان پارکها و فضای سبز اصفهان برای جمع‌آوری گیاهان وحشی جهت کاشت در فضای سبز
- لوح تقدیر به مؤسسه صالحین (آقای رحمانی) برای تولید انواع بن‌سای
- لوح تقدیر به مؤسسه گل‌فروشی خوشه (آقای نوری) برای تهیه دسته گل عروس





بخش دوم، عکاسی از گل و گیاه:
- لوح تقدیر و جایزه مخصوص نمایشگاه به آقایان «امیر سالاری»، «ابراهیم صافی» و «مسعود امیرلوی» برای عکس گلها و صخره، عکس گلخانه و عکس کپورچال از عکس درختها اثر «آقای محمد غفوری» نیز تقدیر شد.

بخش سوم، گیاه، گل و درخت در فرهنگ و آداب و رسوم مردم:
- لوح تقدیر و جایزه ویژه نمایشگاه به آقایان «جمشید بایرامی»، «رافی آوانسیان» و «آردوش مهدیخان عراقی» برای عکس بدون عنوان و عکس «در» از عکس نقش گل آقای «یدالله عبدی» نیز تقدیر شد.

نظر هیئت داوران بخش نقاشی

هیئت داوران به منظور قدردانی از حضور نقاشانی که آثار شایان توجه با قابلیت‌های بالا به نمایشگاه ارائه کرده بودند ۱۰ دیپلم افتخار به نفرات زیر اعطا کرد:

نظر هیئت داوران بخش عکاسی

هیئت داوران دوربین آثار ارائه شده، برنده مطلق اول، دوم و سوم را نتوانست انتخاب کند، به همین دلیل لوح تقدیر خود را به شکل گروهی، در سه بخش به برگزیدگان به شرح زیر اعطا کرد:

بخش اول، عکاسی از نخستین نمایشگاه بین‌المللی گل و گیاه تهران:
- لوح تقدیر به همراه یک ساک عکاسی و ۳۰ حلقه فیلم به «بابک کسمایی»

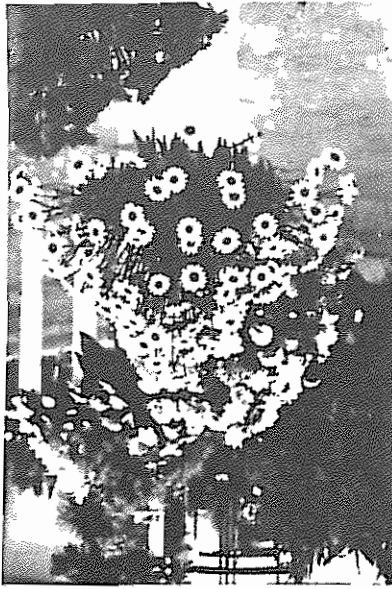
- لوح تقدیر به سازمان پارکها و فضای سبز مشهد برای ارائه گل‌های داوودی پیش‌رس
- لوح تقدیر به مجتمع کشاورزی گلیران برای ارائه مجموعه سوزن برگان
- لوح تقدیر به آقای اسدالله شریفی برای تکثیر آنتوریوم از طریق بذر (از دو ماهه تا هشت ماهه)

- لوح تقدیر به شرکت صحرا (آقای برخوردار) برای ارائه مجموعه شمعدانی‌های کم‌نظیر
- لوح تقدیر به شهر جدید هشت گرد برای ارائه گل خارج از فصل (داوودی گلدانی)
- لوح تقدیر به مؤسسه گلبار (آقای مخبری) برای انواع بنجامین جدید و بسته‌بندی گل صادراتی

- لوح تقدیر به خانم محبره - شهنواز و آقای دکتر نظام مافی برای ارائه بن‌سای و گل‌آرایی بسیار زیبا

هیئت داوران در بخش ارائه گلها و گیاهان زیبا به ۱۴ مؤسسه و در بخش لوازم باغبانی و کشاورزی به ۸ شرکت و سازمان لوح تقدیر اهدا کرد.





را به شش جایزه، به شرح زیر افزایش داد:
 - دیپلم برگزیده دوم، سه سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «محمود سمندریان»
 - دیپلم برگزیده دوم، سه سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «احمد و کیلی»
 - دیپلم برگزیده دوم، سه سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «محمدعلی بنی اسدی»
 - دیپلم برگزیده دوم، سه سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «ذبیح الله مختاری»
 - دیپلم برگزیده دوم، سه سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «محمدجواد نوبهار»
 - دیپلم برگزیده دوم، سه سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «مرتضی اسدی»

در خاتمه نمایشگاه، هیئت داوران برگزیده اول به معنای مطلق را نتوانست انتخاب کند به همین دلیل جوایز خود را به سه تن از نقاشان برگزیده، به شرح زیر اهدا کرد:

- دیپلم برگزیده اول و تندیس رویش گل و طبیعت در آثار آقایان نقاش «محمود معراجی»، «هادی جمالی» و «رضا لواسانی»

- دیپلم برگزیده و سکه بهار آزادی به «محمد نوید بازرگان»
 - دیپلم برگزیده و سکه بهار آزادی به «هما غفارزاده»
 - لوح برگزیده سوم، سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «شراره مخلدود»
 - لوح برگزیده سوم، سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «یدالله درخشانی»
 - لوح برگزیده سوم، سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «شیدا مرجی»
 - لوح برگزیده سوم، سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «مریم خزاعی»
 - لوح برگزیده سوم، سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «مینو اسعدی»
 - لوح برگزیده سوم، سکه بهار آزادی و گلدان یادبود به «ولی الله شاکری»

هیئت داوران با عنایت به توانمندی برگزیدگان نفرات دوم، سه جایزه این بخش

۱ - مرتضی دره باغی
 ۲ - رحیم مولانیان
 ۳ - مهرداد علی صداقت
 ۴ - حسن مشکین کام فرد
 ۵ - هما خوش بین
 ۶ - بهزاد سهرابی
 ۷ - ژیل کامیاب
 ۸ - پروانه یموت مقدم
 ۹ - مهدی محمدی
 ۱۰ - کبری ابراهیمی

هیئت داوران به پنج نفر از شرکت کنندگان در بخش گل و مرغ (آثاری از مینیاتور)، تقدیرنامه ویژه خود را به نفرات زیر اعطا کرد:

۱ - عبدالله باقری
 ۲ - ملیحه اکبری
 ۳ - شهناز کافی مرادی
 ۴ - سائیا حقیقی
 ۵ - فرزانه صادقی

لوح تقدیر و دیپلم برگزیده نیز به نفرات زیر اعطا شد:

- لوح برگزیده و سکه بهار آزادی به «سارا ایروانی»
 - دیپلم برگزیده و سکه بهار آزادی به «اکبر نیکان پور»
 - دیپلم برگزیده و سکه بهار آزادی به «آرمه فیتی شهیدی»

* مقاله حاضر متن سخنرانی خانم مهرانگیز کار است که در اولین سمینار مشارکت اجتماعی زنان ایراد شده است.

۵۹ زنان ایران که به خصوص در سالهای اخیر از همه سو مورد تکریم و تجلیل قرار گرفته‌اند و طبعاً حدود توقع و انتظارشان از آنچه بوده، فراتر رفته است؛ از اندیشمندان و سیاست‌گزاران انتظار دارند به هر شکل که ممکن و میسر است مواردی را که در قوانین کیفری نشان از نابرابری دارد مورد بازنگری قرار داده و تجدید نظر اساسی را تجویز کنند. به عبارت دیگر: «وقت اجتهاد است.»

آنچه در پی می‌آید پژوهشی بی‌طرفانه است که ضمن آن به جنبه‌های ارفاق‌آمیز قوانین نسبت به زنان بر حسب مورد اعتنا شده و به آن بها داده شده است. در این گفتار برای تشخیص دیدگاه قوانین کیفری ایران نسبت به زن، موقعیت او را در مواردی که مرتکب یکی از انواع جرایم می‌شود با موقعیت مردی که مرتکب همان جرم می‌شود، مورد مقایسه قرار می‌دهیم و در زمینه تحمل مجازات، برابریها و نابرابریهای مبتنی بر قانون را مشخص می‌سازیم. همچنین بنا به ضرورت امر، موقعیت زن را در مواردی که در جریان وقوع یکی از جرایم، متضرر می‌شود با موقعیت مردی که عیناً در شرایط همسان با او قرار می‌گیرد، مقایسه می‌کنیم و در زمینه «حقوق متضرر از

بعضی دیگری را رد می‌کنند و درست همین جاست که ما می‌توانیم به اجتهاد اعلم فقها امیدوار باشیم و برای یافتن آراء افضل به جستجو پردازیم.

۲ - قانونگذار که در این گفتار به کرات، مخاطب قرار می‌گیرد و نقطه نظرهایش مورد تحلیل یا انتقاد واقع می‌شود، مجامع و محافل قانونگذاری رسمی کشور است. پس از توضیح این دو نکته باید بگوییم که زن به لحاظ «زن بودن» نه تنها در ایران که در سراسر جهان همواره در جریان وقوع رفتارها و کردارها و گفتارهای مرتبط با «عفت عمومی»، بیش از مرد، زیر نگاه کنجکاو، سختگیر و خشن جامعه خود قرار دارد و در نتیجه اصل «برائت» در زندگی فردی و اجتماعی زن بسیار شکننده و آسیب‌پذیر است. زیرا گاهی فقط بر پایه یک شایعه، چیزی از اتهام هم ضعیفتر، اصل برائت در مورد او شکسته و مخدوش می‌شود و در این موقعیت «محکمه خانوادگی» یا «محکمه شفلی» و «محلله‌ای» بدون توجه به همه اصول و موازن حقوقی، او را غیابی محاکمه کرده و مورد مجازات قرار می‌دهد. زیر تأثیر این نوع مجازاتهای عشیره‌ای و قبیله‌ای که بازمانده عصر جاهلیت است، زن گاهی آبرو می‌بازد؛ گاهی جان می‌بازد و در هر حال آنچه مستند این قبیل احکام بی‌رحمانه قرار می‌گیرد، سنتهای نیرومند قبیله‌ای است که هنوز فرهنگ درخشان مبتنی بر اصل برائت بر آن

«خون بس»ها و «خون فصل»ها قربانی می‌شوند، توجه نشان دهند. اینک، ابتدا مواد عمومی قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۰ (موضوع کتاب اول این قانون)، که دربرگیرنده عموماً و مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی، چگونگی شکل‌گیری جرایم و حدود مسئولیت جزایی نیز هست از حیث برابریها و نابرابریها بررسی می‌شود و یک یک مواد قانونی از نظر می‌گذرد. ❁

برابری در عموماً
کتاب اول / باب اول
در مواد عمومی آمده است:

«هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود.» (ماده ۲).

«قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد...» (ماده ۳).

قانونگذار در مواد یازده گانه این باب که عموماً است به دقت برابری زن و مرد را مراعات کرده است و همان‌گونه که مواد ۲ و ۳ روشنگر آن است، برای مجرم شناخته شدن، عامل «جنسیت» مطرح نیست. در این باب به طور کلی نابرابری مشاهده نمی‌شود.

برابری در مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی

جایگاه زن در قوانین کیفری ایران

کتاب اول / باب دوم
مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۲ پنج قسم اعلام شده است:

- ۱ - حدود
- ۲ - قصاص
- ۳ - دیات
- ۴ - تعزیرات
- ۵ - مجازاتهای بازدارنده

راجع به نحوه نگرش قانون نسبت به زن در جریان وقوع جرایمی که مشمول مجازات حدود، قصاص، دیات، و تعزیرات می‌شود

چیره نشده و شاید در جهت این چیرگی، کوشش و تلاش هم نشده و نمی‌شود.

بگذریم که درد، بسیار عمیق و جانکاه است و اشارت دارد بر این ضرورت که چون اصل برائت در مورد زن تا بدین حد شکننده و آسیب‌پذیر است، جای آن دارد تا از طرفی دیدگاه قوانین کیفری نسبت به زن تلطیف و تعدیل شود و از طرف دیگر سیاست‌گزاران امور فرهنگی، راههایی برای مبارزه با محاکمات سستی و محلله‌ای و بومی پیدا کنند و به خصوص نسبت به وجه‌المصالحه قرار گرفتن دخترکانی که در

جرم» نیز برابریها و نابرابریها را گزارش می‌دهیم.

واضح است که از برابریها، به لحاظ آنکه دربرگیرنده آرمان شیفتگان آزادی و برابری است، تندو بی‌وقفه در می‌گذریم و فقط روی نابرابریها که بازنگری و سخت کاری می‌طلبد، مکث می‌کنیم. پیش از ورود به گفتار به توضیح دو نکته می‌پردازیم:

۱ - دین مبین اسلام مجموعه‌ای از آیات قرآنی و سنت و آرای فقها را شامل می‌شود و می‌دانیم که فقها در زمینه مسایل مختلف، دیدگاهها و نظرات گوناگونی دارند که



در جای خود سخن می‌گوییم. در اینجا فقط به اشاره این نکته اکتفا می‌کنیم که در مجازاتهای بازدارنده، قانونگذار نسبت به زن و مرد یکسان و برابر نگریده است.

برابری در مقررات ناظر بر جرایم کتاب اول / باب سوم

مقررات و احکام ناظر بر شروع به جرم، شرکا و معاونین جرم، تعدد جرم و تکرار جرم به زن و مرد مجرم یکسان می‌نگرد. بنابراین از ماده ۱ تا ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی اثری از نابرابری در حقوق یا مجازاتها دیده نمی‌شود.

ظهور نابرابری در حدود مسئولیت جزایی

کتاب اول / باب چهارم

قانون مجازات اسلامی در نخستین ماده قانونی از باب چهارم که حدود مسئولیت جزایی را مشخص می‌کند، بی‌آنکه صریحاً به عامل «جنسیت» پرداخته باشد، حدود مسئولیت جزایی زنان را بسیار وسیعتر از مردان تعیین کرده است و از این حیث، «ماده ۴۹» قانون مجازات اسلامی، مصوب مجلس شورای اسلامی، آغازگر نابرابریهای جنسیتی در قوانین کیفری جاری است:

«ماده ۴۹ - اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء قانون اصلاح و تربیت اطفال

● مهرانگیز کار

می‌باشد.»

«تبصره ۱» از همین ماده قانونی اضافه می‌کند: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.»
ظاهراً الفاظ ماده قانون مورد بحث و «تبصره ۱» آن به نابرابری اشارتی ندارد، اما حد بلوغ شرعی که آغازگر دوران مسئولیت جزایی است در دختران و پسران متفاوت است.

«تبصره ۱» از «ماده ۱۲۱۰» قانون مدنی: «سن بلوغ در پسر پانزده سال قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.»

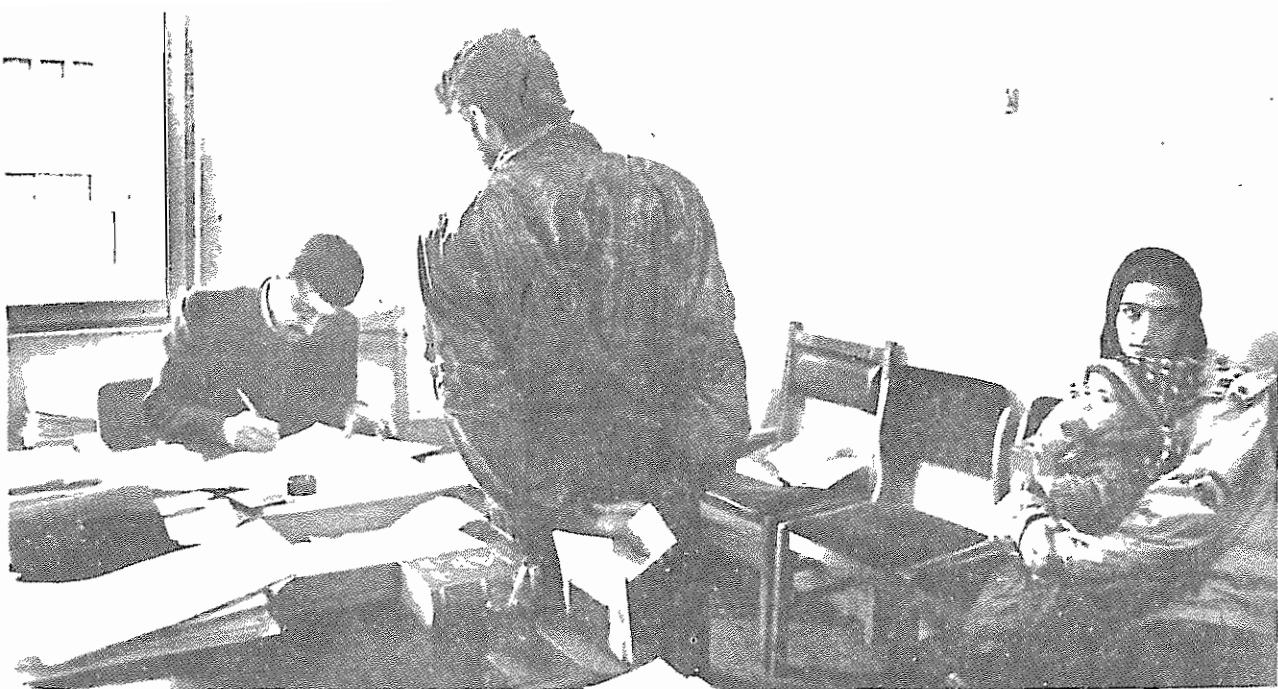
➤ چون اصل برائت در مورد زن بی‌نهایت شکننده است، جای آن دارد که دیدگاه قوانین کیفری نسبت به زن تلطیف و تعدیل شود و نیز راههایی برای مبارزه با محاکمات

سنتی، محله‌ای و بومی پدید آید به خصوص باید نسبت به و- المصالحه قرار گرفتن دخترکانی که در «خون بس»ها و «خون فصل»ها قربانی می‌شوند، توجه نشان دهیم.

➤ ماده ۲۶۲ می‌گوید: «زن حامله که

محکوم به قصاص است، نباید قبل از وضع حمل، قصاص شود و پس از وضع حمل، چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد، باید به تأخیر بیفتد تا خطر مرگ از طفل برطرف گردد.»





مجازات اسلامی تلقی کرده و حد قذف را که عبارت است از ۸۰ تازیانه نسبت به شهود که عموماً و یا سه نفر آنها زن هستند مقرر داشته است.

نابرابری در مجازات به نفع زنان
 کتاب دوم / باب اول - اقسام حد زنا
 «ماده ۸۲» قانون که اعلام می‌دارد: «حد زنا در موارد زیر قتل است» بدون توجه به محصن یا غیر محصن بودن زنا، غالباً شخص زانی، یعنی مرد را، مشمول مجازات قتل قرار داده است. بدین نحو:

الف - زنا با محارم نسبی
 ب - زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است

ج - زنا غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است
 د - زنا با زن عتق و اگره که موجب قتل زانی اگره‌کننده است

بنابراین بندهای «ب و ج و د» صراحتاً حد قتل را بر زانی، یعنی مرد، روا داشته بی‌آنکه زانیه را مشمول آن قرار دهد. این موقعیت نابرابر که مفید به حال زنان است در بند «ب» و «ج» جایز اهمیت است.

برابری در مجازات رجم (سنگسار)
 کتاب دوم / باب اول - اقسام حد زنا
 «ماده ۸۳» قانون مجازات، حد زنا را در مواردی رجم اعلام کرده است. این موارد نسبت به زن و مرد یکسان است و در «مواد ۸۳ تا ۹۰» نابرابری مشاهده نمی‌شود.

جهات ارفاقی نسبت به زن در مرحله اجرای حد زنا

نابرابری در ارزش شهادت کتاب دوم / باب اول

راههای ثبوت زنا در دادگاه «اقرار» و «شهادت شهود» است. در زمینه «اقرار»، شرایط صحت و نحوه اقرار، نسبت به زن و مرد یکسان است. اما در مواردی که زنا در دادگاه با شهادت شهود ثابت می‌شود دیدگاه سببی بر نابرابری قانون آشکار می‌شود. زیرا برای اثبات زنا به شهادت زنان بسیار کم بها داده شده است که «مواد ۷۴ و ۷۵ و ۷۶» قانون بدان صراحت دارد.
 «ماده ۷۴ - زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم، با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می‌شود.»

«ماده ۷۵ - در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می‌شود.»

«ماده ۷۶ - شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام شهادت یک مرد عادل، زنا را ثابت نمی‌کند بلکه در مورد شهود مذکور، حد قذف طبق احکام قذف جاری می‌شود.»

در «ماده ۷۶» قانونگذار نه تنها شهادت زنان را به تنهایی مردود دانسته است، بلکه شهادت زنان را به انضمام شهادت یک مرد عادل مشمول مجازات حد قذف در مورد شهود (اعم از زن و مرد) تشخیص داده است. بنابراین زن شهادت‌دهنده نه تنها شهادتش فاقد ارزش و اعتبار است، بلکه طبق این ماده قانونی مجازات هم می‌شود. قانونگذار شهادت زن را تحت شرایط این ماده قانونی به مفهوم نسبت دادن زنا به شخص دیگری، مشمول «ماده ۱۳۹» قانون

بنابراین مسئولیت جزایی دختران، شش سال زودتر از پسران شروع می‌شود. این نابرابری فاحش باعث می‌شود تا چنانچه یک پسر ۱۴ ساله مرتکب جرم شود، به موجب «ماده ۴۹» قانون مجازات اسلامی، مبری از مسئولیت جزایی شناخته شود، ولی عمل مجرمانه یک دخترک نه ساله، او را هم‌پایه بزرگسالان، مشمول مقررات جزایی قرار می‌دهد و این طفل که طبق شرط مندرج در «تبصره ۱» از «ماده ۱۲۱» قانون مدنی بالغ است مانند بزرگسالان، محکوم به تحمل مجازات در حدود جرم ارتکابی است.

بررسی کتاب اول از قانون مجازات اسلامی را با این نتیجه‌گیری پایان می‌بریم که حدود مسئولیت جزایی در قوانین کیفری «مبنای جنسیتی» دارد و نسبت به زنان از دیدگاه نابرابری نگریسته است.

کتاب دوم / حدود

«حدود» یکی از اقسام پنجگانه مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی است که تعریف قانونی آن چنین است: «حد، به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است.» (ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی)

برابری در مجازات

کتاب دوم / باب اول - حد زنا
 مواد ۶۳ تا ۶۷ که به تعریف و موجبات حد زنا و میزان حد زنا می‌پردازد، زن و مرد را در موقعیت یکسان قرار می‌دهد و برابری حاکم است.

طبق ماده ۲۰۹، هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد، محکوم به قصاص است، لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل، نصف دیه مرد را به او بپردازد.

کتاب دوم / باب اول - اقسام حد زنا در مرحله اجرای حد، شرایط جسمانی زن و همبستگی حیات او با حیات فرزندی که در شکم دارد یا فرزند شیرخوار در نظر گرفته شده است. به طوری که «ماده ۹۱» دستور می‌دهد:

«ماده ۹۱ - در ایام بارداری و نفاس زن، حد قتل یا رجم بر او جاری نمی‌شود، همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد، کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود، حد جاری نمی‌شود، ولی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود، حد جاری می‌گردد.»

و در تکمیل آن، «ماده ۹۲ و ۹۳» این‌گونه مقرر می‌دارد:

«ماده ۹۲ - هرگاه در اجرای حد جلد بر زن باردار یا شیرده، احتمال بیم ضرر برای حمل و یا نوزاد شیرخوار باشد اجرای حد تا رفع بیم ضرر به تأخیر می‌افتد.»

«ماده ۹۳ - هرگاه مریض یا زن مستحاضه، محکوم به قتل یا رجم شده باشند حد بر آنها جاری می‌شود ولی اگر محکوم به جلد باشند اجرای حد تا رفع بیماری و استحاضه به تأخیر می‌افتد. تبصره - حیض مانع اجرای حد نیست.»

نابرابری در کیفیت اجرای حد زنا کتاب دوم / باب اول

در کیفیت اجرای حد، برابری حاکم است و حد در مورد زن و مرد محکوم با شرایط یکسان جاری می‌شود مگر در مفاد «مواد ۱۰۰ و ۱۰۲»، که قانون بدین شرح است:

«ماده ۱۰۰ - حد جلد مرد زانی، باید ایستاده و در حالی اجرا گردد که پوشاکی جز ساتر عورت نداشته باشد. تازیانه به شدت به تمام بدن وی، غیر از سر و صورت و عورت، زده شود. تازیانه را به زن زانی در حالی می‌زنند که زن نشسته و لباسهای او به بدنش بسته باشد.»

«ماده ۱۰۲ - مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن می‌کنند آنگاه رجم می‌نمایند.»
بدان گونه که گذشت، به نظر می‌رسد که نابرابری در کیفیت اجرای حد زنا نسبت به

زن و مرد در «مواد ۱۰۰ و ۱۰۲» قانون، با قید پوشش زنان ارتباط دارد. ولی در هر حال این دو ماده به وجود نابرابری در کیفیت اجرای حد گواهی می‌دهد.

نابرابری در ارزش شهادت کتاب دوم / باب دوم - حد لواط

در این باب به زن در جای مفعول توجه نشده است و لواط وطی انسان مذکر است که «حد» بر فاعل و مفعول، هر دو جاری می‌شود. نظر به اینکه این جرم و مجازات مرتب بر آن شامل حال زنان نیست موضوع را فقط از جهت نابرابری زن و مرد در نقشی که برای اثبات لواط دارند مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

«مواد ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹»، بی‌اعتباری ارزش شهادت زنان را در ثبوت لواط بدین نحو پذیرفته است:

«ماده ۱۱۷ - حد لواط با شهادت چهار مرد عادل که آن را مشاهده کرده باشند ثابت می‌شود.»

«ماده ۱۱۸ - با شهادت کمتر از چهار مرد عادل، لواط ثابت نمی‌شود و شهود به حد قذف محکوم می‌شوند.»

«ماده ۱۱۹ - شهادت زنان به تنهایی یا ضمیمه مرد، لواط را ثابت نمی‌کند.»

نابرابری در شناخت عمل مجرمانه کتاب دوم / باب سوم - مساحقه

«مساحقه» همجنس‌بازی زنان است با اندام تناسلی. (ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی)

در موضوع «مساحقه» که جرم به فعل دو زن بستگی دارد و در جریان تحقق جرم، اساساً جنس مذکر غایب است، موضوع فقط در یک ماده قانونی حامل نابرابری است. زیرا آنچه در «ماده ۱۳۴» قانون مجازات، جرم شناخته شده؛ در مورد مشابه نسبت به مردانی که مرتکب نوع مشابه آن می‌شوند جرم نیست.

«ماده ۱۳۴ - هرگاه دو زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند، بدون ضرورت، برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیر می‌شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در

مرتبه سوم، به هر یک صد تازیانه زده می‌شود.»

چنانچه رفتاری مشابه این نوع رفتار توسط مردان واقع گردد، عمل مجرمانه محسوب نمی‌شود.

نابرابری در مجازات به نفع زنان کتاب دوم / باب چهارم - قوادی

«قوادی عبارتست از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط.» (ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی).

«ماده ۱۳۸ - حد قوادی برای مرد ۷۵ تازیانه و تبعید از محل به مدت ۳ ماه تا یکسال است و برای زن فقط ۷۵ تازیانه است.»

بدین ترتیب در جرم مشابه، برای مرد مجرم مجازات سنگینتری تعیین شده است.

نابرابری در ارزش شهادت برای ثبوت جرم قوادی

«ماده ۱۳۷ - قوادی با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود.»

بنابراین قانونگذار، اساساً شهادت زن را فاقد ارزش و اعتبار اعلام کرده است.

برابری در مجازات کتاب دوم / باب پنجم - قذف

«قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگری.» (ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی)

حد قذف برای مرد و زن یکسان است و «مواد ۱۳۹ تا ۱۴۹» ناظر بر آن، موردی از نابرابری را گزارش نمی‌دهد.

نابرابری در شناخت عمل مجرمانه در قذف به نفع زنان

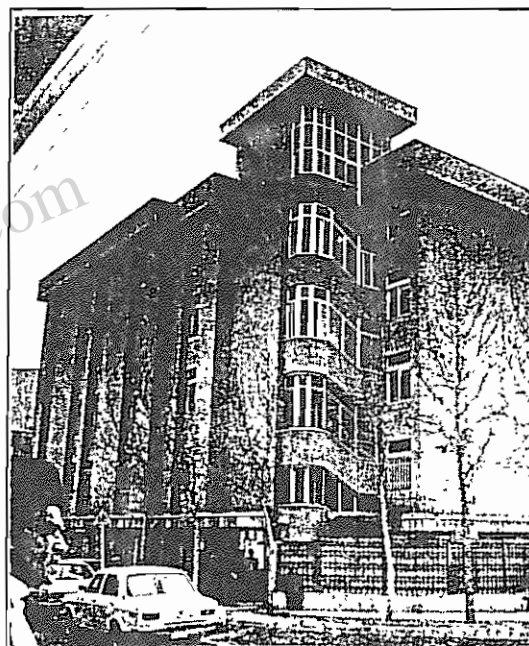
«ماده ۱۵۰» مقرر می‌دارد: «هرگاه مردی، همسر متوفی خود را قذف کند و آن زن جز فرزند همان مرد وارثی نداشته باشد، حد ثابت نمی‌شود. اما اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد داشته باشد، حد ثابت می‌شود.»

بنابراین قانونگذار تحت شرایطی اجرای حد قذف را منحصرأ در حق مردی که همسر متوفی خود را قذف کند به منظور حفظ

حرمت زن متوفی اجازه داده است و به بخشی از ورثه او حق مطالبه حد می‌دهد. این مراعات در موارد مشابه شامل حال شوهر متوفی و ورثه او در شرایطی که زن، سرهر متوفی را قذف کرده باشد، نمی‌شود. وجود «ماده ۱۵۰» نشانه‌ای است از دیدگاه نابرابر قانونگذار به نفع زنان که قذف را فقط نسبت به زن متوفی عمل مجرمانه اعلام کرده است.

نابرابری در سقوط حد قذف
«ماده ۱۶۱ - حد قذف در موارد زیر ساقط می‌شود:

- ۱ - ...
- ۲ - ...
- ۳ - ...



۲ - هرگاه مردی زنش را پس از قذف، عیاد شد.»

این نابرابری خاص، درخور توجه است. زیرا مورد خاصی در مورد سقوط حد نسبت به زنی که شوهرش را قذف کرده باشد و به نحوی حد از او ساقط گردد نمی‌شناسیم، جز در عموماًت قضیه.

نابرابری در مجازات حد قذف

«ماده ۱۴۹ - هرگاه خوشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حد می‌شوند. تبصوه: اگر پدر یا جد پدری، فرزندش را قذف کند تعزیر می‌شود.»

این تخفیف در مجازات فقط برای پدر و جد پدری شناخته شده و شامل حال مادری که فرزند خود را قذف کند نگردیده است.

نابرابری در ارزش شهادت در اثبات قذف

طبق مفاد «ماده ۱۵۳ - قذف با دو بار اقرار یا با شهادت دو مرد عادل اثبات می‌شود.»
بنابراین شهادت زن در اثبات قذف، فاقد اعتبار است.

برابری در مجازات

کتاب دوم / باب ششم - حد مسکر
زن و مرد چنانچه محکوم به حد مسکر شوند میزان حد نسبت به هر دو یکسان است و شرایط اثبات جرم نیز نسبت به هر دو یکی است.

«خوردن مسکر موجب حد است...»
«ماده ۱۶۵ قانون مجازات اسلامی»

نابرابری در ارزش شهادت اثبات حد مسکر

«ماده ۱۷۰ - در صورتی که طریق اثبات شرب خمر شهادت باشد، فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود.»
بنابراین شهادت زن در اثبات جرم شرب خمر نیز بی‌اعتبار است.

نابرابری در کیفیت اجرای حد مسکر

«ماده ۱۷۶ - مرد را در حالی که ایستاده باشد و برشاکمی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و زن را در حالی که نشسته و لباسهایش را به بدن او بسته باشند، تازیانه می‌زنند.»
به نظر می‌رسد که این نابرابری نیز ناشی از قید پوشش برای زنان است.

برابری در میزان مجازات محاربه و افساد فی الارض

کتاب دوم / باب هفتم
«هرکس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می‌باشد.»
«ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی»

«مواد ۱۸۳ تا ۱۹۶» این باب عموماً از حیث تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض، از حیث راههای ثبوت جرم و مجازات مترتب بر آن از دیدگاه برابر به زن و مرد مجرم نگاه می‌کند.

نابرابری در ارزش شهادت

ثبوت جرم محاربه و افساد فی الارض شهادت زنان در اثبات جرم محاربه و افساد فی الارض بی‌اعتبار است زیرا در «ماده ۱۸۹» یکی از راههای ثبوت جرم، شهادت فقط دو مرد عادل اعلام شده است.

برابری در میزان مجازات

کتاب دوم / باب هشتم - حد سرقت
«مواد ۱۹۷ تا ۲۰۳» این باب عموماً از حیث تعریف جرم و مجرم، میزان حد، راههای ثبوت جرم و شرایط اجرای حد نسبت به زن و مرد برابری را مراعات کرده است.

«سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی.» (ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی)

نابرابری در ارزش شهادت

در ثبوت سرقت

در خصوص یکی از راههای ثبوت سرقت «بند ۱ / ماده ۱۹۹»، شهادت دو مرد عادل را کافی دانسته است. بنابراین در مرحله ثبوت سرقت نیز شهادت زنان بی‌اعتبار است.

بررسی کتاب دوم از قانون مجازات اسلامی را با این نتیجه‌گیری پایان می‌دهیم

که: قانونگذار در میزان مجازاتها و حدود در غالب موارد زن و مرد را از دیدگاه برابر مورد توجه قرار داده و در کیفیت اجرای حد گاهی به لحاظ وضعیت جسمانی زن در شرایط بارداری و شیردهی، تسهیلات قائل شده و گاهی نحوه اجرای حد را برای زن و مرد دوگونه تعیین نموده است که احتمالاً ناشی از قد پوشاک برای زنان است.

در تمام مباحث کتاب دوم، شهادت زنان برای ثبوت جرم در بیشتر موارد فاقد اعتبار است. در مواردی هم که به آن بها داده می‌شود، دو زن شاهد در جای یک مرد قرار می‌گیرند، آن هم به شرط وجود مردان شاهد دیگری که به موضوع شهادت دهند!

کتاب سوم - قصاص

«قصاص، کیفری است که جانی به آن محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد.» (ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی)

نابرابری در حقوق مدعی و مجازات

باب اول - قصاص نفس
«مواد ۲۰۹ و ۲۱۰» از قانون مجازات

اسلامی که راجع به مجازات قتل عمد است گزارشگر نابرابری است.

«ماده ۲۰۹» مقرر می‌دارد: «هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد، محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل، نصف دیه مرد را به او بپردازد.»

«ماده ۲۱۰» مقرر می‌دارد: «هرگاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگری را بکشد، قصاص می‌شود و اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول، زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد.»

این دو ماده ظاهراً حاکی از آن است که ولی یا اولیای دم زن مقتول حق دارند مانند اولیای دم مرد مقتول، قصاص قاتل را مطالبه کنند. اما عمل قصاص مشروط بر آن است که یک دوم دیه مرد مقدماً به قاتل پرداخت شود تا قصاص واقع گردد. بنابراین با آنکه ظاهراً قانونگذار در مورد قتل عمد از دیدگاه برابر، مجازات قاتل را مشخص کرده است و قاتل را اعم از آنکه خون مردی را ریخته باشد یا جان زنی را گرفته باشد، محکوم به قصاص نموده است. اما شرطی که قصاص مستلزم انجام آن شده است می‌تواند در عمل مانع قصاص گردد زیرا عملاً در بیشتر موارد قصاص مرد جانی که زنی را کشته به تعویق می‌افتد و خاک سرد زمان، اولیای دم را از اصرار بر قصاص که با پرداخت پول قابل توجهی ملازمه دارد، باز می‌دارد.

بدین سان می‌توان نتیجه گرفت که قانونگذار از یک سو قیمت جان زن را نصف جان مرد قرار داده است که به تنهایی نابرابری در حقوق اولیای دم یعنی زیان دیدگان از وقوع جرم را در بردارد و از دیگر سو، قصاص را موکول به پرداخت یک دوم دیه مرد به جانی نموده است که این شرط هم به طور غیرمستقیم از شدت و قوت مجازات قصاص می‌کاهد و عملاً نابرابری در تحمل مجازات را نسبت به مردی که به عمد زنی را کشته است، روا می‌دارد. زیرا چنانچه مرد مسلمانی به عمد مرد مسلمان دیگری را بکشد، وقفه در مجازات محکوم به قتل عمد ایجاد نمی‌شود و در صورت اصرار اولیای دم، اجرای حکم قصاص موکول به پرداخت دیناری به قاتل نیست.

برابری در شناخت جرم و طرح شکایت
قصاص نفس
سایر مواد قصاص نفس مبتنی بر برابری

است و قانونگذار نسبت به زن و مرد در مقام ولی دم و مجرم، نابرابری روا نداشته است شرایط قتل عمد، وصف اکراه در قتل عمد، شرکت در قتل عمد، شرایط قصاص، شرایط دعوی قتل و راههای ثبوت قتل نسبت به زن و مرد یکسان است.

نابرابری در ارزش شهادت
قصاص نفس

در قتل عمد نیز شهادت یکی از راههای ثبوت جرم است.
طبق «ماده ۲۲۷»:

«الف - قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود.

ب - قتل شبه عمد یا خطا، با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت می‌شود.»

بنابراین شهادت زن در ثبوت قتل نیز یا به کلی فاقد اعتبار است یا به شدت ضعیف و بی‌ارزش است.

نابرابری در ارزش سوگند
قصاص نفس

علاوه بر آن در مبحث «قسامه» که یکی دیگر از راههای ثبوت قتل شناخته شده است، چنین آمده است:

«ماده ۲۴۳ - مدعی ممکن است مرد یا زن باشد و در هر حال باید از وراثت فعلی مقتول محسوب شود.»

«ماده ۲۴۸ - در موارد لوث، قتل عمد با پنجاه قسم ثابت می‌شود و قسم خورندگان باید از خویشان و بستگان نسبی مدعی باشند و در مورد آنها رجولیت شرط است.»
قانونگذار سپس در «تبصره ۲» همین ماده قانونی تأکید می‌کند:

«تبصره ۲ - چنانچه تعداد قسم خورندگان کمتر از پنجاه نفر باشند، هر یک از قسم خورندگان مرد می‌تواند بیش از یک قسم بخورد بنحوی که پنجاه قسم کامل شود.»

قانونگذار سرانجام و هنگامی که از حضور قسم خورندگان مذکور به کلی ناامید می‌شود، در «تبصره ۳» اجازه می‌دهد: «چنانچه هیچ مردی از خویشان و بستگان نسبی مدعی برای قسامه وجود نداشته باشد، مدعی می‌تواند پنجاه قسم بخورد هرچند که زن باشد.»

در واقع قانونگذار که احتمال لوث خون مقتول را نزدیک می‌بیند، قسم مدعی زن را

در قسامه می‌پذیرد که این نوع برخورد هرچند نسبت به دو تبصره قبلی تعدیل شده است، اما نمی‌تواند از مصادیق برابری در دیدگاه قوانین کیفری نسبت به زن مدعی (زیان دیده از جرم و جنایت) محسوب شود.

نابرابری در حقوق مدعی
کتاب سوم / باب اول - کیفیت استیفای
قصاص

در «ماده ۲۵۸» قانون مجازات اسلامی نابرابری در حقوق مدعی (ولی دم) به گونه دیگری تکرار شده است:

«هرگاه مردی، زنی را به قتل رساند؛ ولی دم، حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد و در صورت رضایت قاتل می‌تواند به مقدار دیه، یا کمتر یا بیشتر از آن،

گاهی فقط بر پایه یک شایعه، چیزی از اتهام هم ضعیفتر، اصل برائت در مورد زن شکسته و مخدوش می‌شود و

در این موقعیت «محکمه خانوادگی» یا «محکمه شغلی» و «محلله‌ای» بدون توجه به همه اصول و موازین حقوقی او را محاکمه کرده و مورد مجازات قرار می‌دهند.

شهادت زنان در اثبات جرم
محرابه و افساد فی الارض بی‌اعتبار
است زیرا در ماده ۱۸۹ یکی
از راههای ثبوت جرم، شهادت فقط
دو مرد عادل اعلام شده است.

مصالحه نماید.»

در این ماده قانونی به نابرابری در حقوق مدعی (ولی دم) چنان تأکید شده است که صاحب خون زن مقتول، گاهی مجبور می‌شود رضایت قاتل را به مقدار دیه جلب کند!

شرایط ارفاقی در کیفیت استیفای
قصاص

قانون مجازات اسلامی در کیفیت استیفای قصاص برای زن حامله، قایل به جهات ارفاقی شده است.

«ماده ۲۶۲ - زن حامله که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل، قصاص شود و پس از وضع حمل، چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد باید به تأخیر بیفتد تا خطر مرگ از طفل برطرف گردد.»

نابرابری در حقوق مدعی

کتاب سوم/باب دوم - قصاص عضو
«قطع عضو یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب مورد مجننی علیه می‌تواند با اذن ولی امر، جانی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصاص نماید...» (ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی)

قانونگذار در «ماده ۲۷۳» در قصاص عضو، زن و مرد را برابر اعلام می‌کند. این ماده قانونی در عمل مفهومی درست نقطه مقابل الفاظ ارائه می‌دهد. این چنین:

«ماده ۲۷۳ - در قصاص عضو، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می‌شود، مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده، ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می‌تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد.»

در این ماده قانونی، برابری فقط در حد الفاظ است و مدعی، یعنی زنی که از جنایت جانی زیان دیده است چنانچه دیه عضوی از او که ناقص شده، یک سوم یا زاید بر یک سوم دیه کامل، یعنی دیه یک مرد باشد، قصاص موقوف به پرداخت یک دوم دیه آن عضو به مرد جانی است.

به بحث پیرامون کتاب سوم از قانون مجازات اسلامی که با مصادیق برجسته‌ای از نابرابریها درآمیخته است، پایان می‌دهیم با این نتیجه‌گیری کلی که زن در مقام مدعی و صاحب خون و همچنین در مقام شاهد و قسم‌خورنده، در موقعیت بسیار متزلزل و ناپایداری قرار دارد که متأسفانه نسبت به جان او به نوعی قیمت‌گذاری شده است که این نوع قیمت‌گذاری نهایتاً به تأخیر یا توقف در اجرای حکم قصاص و نابرابری در مجازات جانی می‌انجامد.

کتاب چهارم - دیات

«دیه، مالی است که از طرف متاراع برای جنایت تعیین شده است.» (ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی)

«دیه، مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیای ذم او داده می‌شود.» (ماده ۲۹۴ همان قانون)

نابرابری در حقوق مدعی

کتاب چهارم / دیات

«مواد ۲۹۷ و ۳۰۰ و ۳۰۱» قانون تأکیدی است بر نابرابری زن و مرد در مقام مدعی و زیان‌دیده از جرم و جنایت. زیرا «ماده ۲۹۷» دیه قتل مرد مسلمان را یکی از امور ششگانه ذیل همان ماده تعیین کرده است و «ماده ۳۰۰» دیه قتل زن مسلمان، خواه عمدی و خواه غیرعمدی، را نصف دیه مرد مسلمان اعلام داشته و «ماده ۳۰۱» تصریح کرده که دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد، در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است.

در مبحث دیات، به طور کلی مواد قانونی در شکل ظاهری، اصل را برابری زیان‌دیده از جرم و جنایت (مدعی یا مجنی علیه) اعلام می‌کنند، اما در واقع چون مبنای محاسبه یعنی «دیه» همان ضابطه‌ای است که قانونگذار در مبحث قتل نفس مقرر داشته، لذا در تمام موارد «دیات» که با موضوع دیه کامل مرد یا دیه کامل زن، که یک دوم دیه کامل مرد است برخورد می‌کند، نابرابری مشهود است. به مواد قانونی از مبحث دیات که حاوی این نابرابری است توجه نمایید:

«ماده ۳۶۸ - هرگاه کسی موی سر یا صورت مردی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید، عهده‌دار دیه کامل خواهد بود و اگر دوباره بروید نسبت به موی سر ضامن ارش است و نسبت به ریش ثلث دیه کامل را عهده‌دار خواهد بود.»

«ماده ۳۶۹ - هرگاه کسی موی سر زنی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید، ضامن دیه کامل زن می‌باشد و اگر دوباره بروید عهده‌دار مهرالمثل خواهد بود و در این حکم فرقی میان کوچک و بزرگ نیست.»

توجه می‌دهد که دیه کامل زن، یک دوم دیه کامل مرد است.

«ماده ۴۳۵ - قطع دو بیضه دفعتاً دیه کامل و قطع بیضه چپ، دو ثلث دیه و بیضه راست، ثلث دیه دارد.»

«ماده ۴۴۱ - از بین بردن بکارت دختر با انکست که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن، مهرالمثل نیز دارد.»

در «مواد ۲۷۰، ۲۷۹» قانون مجازات

اسلامی نیز که موضوع قطع آلت جنسی مطرح است، چون نسبت دیه بر پایه دیه کامل مرد یا زن تعیین می‌شود، نابرابری در حقوق زیان‌دیده مانند سایر موارد یادشده فوق همچنان باقی است.

«ماده ۴۷۸ - هرگاه آلت رجولیت مرد از محل ختنه‌گاه یا بیشتر قطع شود، دیه کامل دارد و کمتر از ختنه‌گاه به نسبت مساحت ختنه‌گاه احتساب می‌گردد و به همان نسبت از دیه پرداخت خواهد شد.»

«ماده ۴۷۹ - هرگاه آلت زنانه کلاً قطع شود، دیه کامل دارد و هرگاه یک طرف آن قطع شود، نصف دیه دارد.»

در «ماده ۴۸۳» قانون مجازات اسلامی که به دیه نوعی جراحی اختصاص دارد، نابرابری در حقوق مدعی و مجنی علیه مشاهده می‌شود.

«ماده ۴۸۳ - هرگاه نیزه یا گلوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتی که مجنی علیه مرد باشد، دیه آن یک‌صد دینار و در صورتی که زن باشد، دادن ارش لازم است.»

توضیح: تعیین ارش به عهده دادگاه است و مانند «دیه» میزان معینی ندارد.

تنها مورد برابری در مجازات دیه

کتاب چهارم / باب یازدهم

تنها ماده قانونی که مجازات دیه را برای جانی در نظر می‌گیرد و فرقی در حکم مذکور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست موضوع «ماده ۴۸۴» قانون مجازات است که مقدار دیه جنایتی را که باعث تغییر رنگ پوست یا تورم می‌شود، تعیین می‌کند. به تبع این برابری در مجازات، برابری در حقوق مدعی هم تأمین می‌شود.

برابری در حقوق مدعی

کتاب چهارم / باب دوازدهم - دیه سقط جنین

در مبحث سقط جنین، «ماده ۴۸۷» دیه سقط جنین را مادامی که روح در جنین پیدا نشده است، در تمام مراحل در مورد پسر و دختر یکسان تعیین می‌کند. (بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵)

ظهور نابرابری در حقوق مدعی

دیه جنین

اما در «بند ۶ ماده ۲۸۷» دیه جنین که روح در آن پیدا شده است، اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبه باشد سه ربع دیه کامل خواهد



بود.

بنابراین به محض پیدا شدن روح در جنین، نابرابری آغاز می‌شود. زیرا دیه جنین سقط شده، اگر پسر باشد دوبرابر دیه یک زن است. به تبع این نابرابری مجازات جانی تغییر می‌کند.

نابرابری در ارزش خبرگی زن و مرد
در فصل دیه بینایی، قانونگذار در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه چنین دستور می‌دهد:

«ماده ۴۵۹ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه با گواهی دو مرد خبره عادل یا یک خبره مرد و دو زن خبره عادل به اینکه بینایی از بین رفته و دیگر برنمی‌گردد یا اینکه بگویند امید به برگشت آن هست ولی مدت آن را تعیین نکنند، دیه ثابت می‌شود و....»

این ماده قانونی حکایت از آن دارد که قانونگذار حتی برای گواهی و نظریه زن خبره که در زبان رایج به کارشناس تعبیر می‌شود و متکی به دانش و تجربه بوده و واجد صلاحیت علمی و فنی است، بهایی قایل نیست و گواهی او را تا میزان نصف ارزش گواهی یک مرد خبره و همسپراز او ارزیابی می‌کند، آن هم مشروط بر اینکه «عادل» باشد.

در اینجا نه تنها نابرابری در حقوق فردی زن محقق شده است، بلکه توجه به علم تجربه زن «خبره» نیز موکول بر حضور و تأیید یک خبره مرد در کنار دو زن خبره عادل گردیده است که مبتنی بر نابرابری است.

کتاب چهارم را با این نتیجه‌گیری به پایان می‌رسانیم که اصل و منشأ نابرابری در مجازات، نحوه محاسبه دیه زن و مرد است که قانونگذار صریحاً دیه زن را یک دوم دیه مرد اعلام کرده و به تبع آن سایر دیات هم به زیان زن تعیین شده است و متضمن تضییع حقوق زن در جایگاه مدعی و مجنی علیه می‌باشد. زیرا در همه احوال این حکم جاری است:

چنانچه دیه عضوی از زن که ناقص شده یک‌سوم یا زائد بر یک‌سوم دیه کامل (یعنی دیه یک مرد) باشد، قصاص موکول به پرداخت یک‌دوم آن عضو به مرد جانی است!

تجزیرات

«تجزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واکذار شده است از قبیل حبس و

جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد.» (ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی)

برابری در حقوق و مجازات

در قانون تعزیرات از «ماده ۱ تا ۹۰» که تحت عناوین جرایم ضدامنیت داخلی مملکت، در سوء قصد و توهین به مقامات سیاسی، جرایم برضد آسایش عمومی و سکه قلب، جعل و تزویر، محو یا شکستن مهر و سرقت نوشتجات از اماکن دولتی، فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین، غضب عناوین و مشاغل، تخریب اموال دولتی، تقصیرات وزرا و مأمورین دولتی، امتناع از انجام وظایف قانونی، تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت، جرایم نسبت به مأمورین دولت و هتک حرمت اشخاص و اجتماع و تباخی برای ارتکاب جرایم طبقه‌بندی شده، برابری حاکم است.

دیدگاه ارفاق‌آمیز و حمایت خاص از زنان در جرایم تعزیراتی

در «مواد ۹۰ و ۹۱ و ۹۷ و ۹۸» در جرایم علیه اشخاص و اطفال، زنان بدین گونه مورد حمایت‌های خاص قرار گرفته‌اند: «ماده ۹۰ - هرکس زن حامله را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری که موجب سقط حمل می‌گردد بنماید به سه الی شش ماه حبس محکوم خواهد شد.»

«ماده ۹۱ - اگر زن حامله برای سقط جنین به طیب و یا قابله مراجعه کند و طیب هم عالماً و عامداً مباشرت به اسقاط جنین بنماید، دیه جنین به عهده اوست و اگر روح در جنین دمیده شده باشد باید قصاص شود و اگر او را به وسایل اسقاط جنین راهنمایی کند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود.»

«ماده ۹۷ - هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد و یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگر غیر از مادر طفل قلم دهد به شش ماه الی سه سال حبس محکوم خواهد شد و اگر مسلم شود که طفل مزبور مرده بوده مجازات مقصر تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود.»

«ماده ۹۸ - اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند، امتناع کند به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد.»

برابری در مجازات در جرایم برضد

عفت و اخلاق عمومی و تکالیف خانوادگی تعزیرات

«مواد ۱۰۱ و ۱۰۲» که مشخصات جرایم بر ضد عفت و اخلاق عمومی را متذکر می‌شود برای زن و مرد مجرم، مجازات برابر تعیین کرده است.

«ماده ۱۰۱ - هرگاه مرد و زنی که بین آنها علته زوجیت نباشد، مرتکب عمل منافی عفت غیر از زنا، از قبیل تقبیل یا مضامعه شوند، به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود.»

«ماده ۱۰۲ - هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس عمل دارای کیفر نسبی باشد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد.»

یک نابرابری خاص در مجازات‌های تعزیراتی نسبت به زنان

در بحث جرایم بر ضد عفت و اخلاق عمومی، تبصره ذیل «ماده ۱۰۲» قانون تعزیرات، خاص زنان است و مجازات زنان در صورت تخلف مشخص شده است:

«تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به تعزیر

تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.»
برای پوشش مردان دستورالعملی خاص سراغ نداریم اما قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند، مصوب ۶۵/۱۲/۲۸ و سپس آیین‌نامه اجرایی آن مصوبت ۶۸/۳/۲۰، موضوع جرم بودن پوشاک و آرایش نامناسب را به عموم سرایت داده است.

متأسفانه ضوابط برای تشخیص دقیق جرایم منکراتی، با وجود این همه قوانین و آیین‌نامه‌ها، هنوز دقیقاً مشخص نشده است و ابهام در ضوابط، طبعاً امنیت قضایی زنان را که در موقعیت حساستری از لحاظ کرداری و رفتاری قرار دارند، به ویژه هنگام برداشتهای فردی از موارد مبهم، به شدت آسیب‌پذیر می‌سازد.

یک نابرابری خاص در مجازاتهای تعزیراتی نسبت به مردان

مردان نیز وفق «ماده ۱۰۵» قانون تعزیرات، با جرم و مجازات خاصی روبه‌رو هستند که در مورد زنان نظیر ندارد. طبق مفاد این ماده قانونی، هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد و یا از تأدیة نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید، دادگاه می‌تواند او را به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم نماید.

حمایتهای خاص از زنان مجرم در جرایم تعزیراتی

«مواد ۱۵۱ و ۱۵۲» از قانون تعزیرات که خاص جرایم ناشی از رانندگی است برای زنان بارداری که به علت تصادف، زودتر از موعد طبیعی وضع حمل یا سقط جنین می‌کنند علاوه بر مجازات راننده خاطی، حق مطالبه دیه را محفوظ داشته است.

مجازاتهای بازدارنده

«مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن.» (ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی)

در این موارد انواع مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی و تخفیف مجازات و تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط زندانیان و به طور کلی همه احکام قانونی و مقررات مرتبط با آن نسبت به زن و مرد یکسان است و کمترین نابرابری به چشم نمی‌خورد.

برابری در دادخواهی قانون آیین دادرسی کیفری

تظلم و دادخواهی، از جمله حقوق اولیه همه افراد به شمار می‌رود تا از حوادث نامطلوب که از اختلاف بین افراد یا تجاوزات ناشی می‌شود در امان باشند. دین اسلام کوشش برای حل اختلافات را از واجبات اجتماعی برشمرده است.

«از خدا بترسید و به اصلاح اختلافات میان خود پردازید.» (آیه یک /سوره انفال)
قانون اساسی جمهوری اسلامی در «اصل ۳۴» مقرر داشته است:

«دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کسی می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.»

بنابراین قانونگذار از دیدگاه برابری به همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، حق داده است تا در صورت لزوم «دادخواهی» کنند و تظلم نمایند، اما دادخواهی تابع قوانین و مقرراتی است که تشریفات دادرسی را مشخص می‌سازد. روشهای دادرسی کیفری، اصول شناخته شده‌ای است که در جهان امروزی به آن عمل می‌شود و در پناه آن انسانها از امنیت قضایی بهره‌مند هستند. در کشور ما دادخواهی در زمینه امور کیفری تابع تشریفات و مقرراتی است که در قانون آیین دادرسی کیفری بدان توجه شده است. آیین دادرسی کیفری یا اصول محاکمات جزایی عبارت است از ترتیبات و قواعدی

که وضع شده برای کشف و تحقیق جرایم و تعیین مسئولیت مجرمین بر حسب مقررات قانونی.

آن‌گونه که گذشت استفاده از این ترکیبات و قواعد برای زنان در مقام شاکی یا متهم محدودیت ایجاد نکرده است. فقط در بررسی قانون آیین دادرسی کیفری نکاتی در ارتباط با موضوع گفتار دریافت شده است که به اختصار از آن نکات سخن می‌گوییم.

یک تذکر لازم: گفته شد که در امر مهم و حساس دادخواهی در مراجع قضایی، دیدگاه قانون آیین دادرسی کیفری و تشریفات و ترتیبات مربوط به دادرسی نسبت به زن و مرد در مقام شاکی و متهم یکسان است و در مواد و تبصره‌های قانون آیین دادرسی کیفری نگاه قانونگذار مبتنی بر نابرابری نیست اما نظر به اینکه قوانین موضوعه در مرحله اجرا در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و بسیار اتفاق می‌افتد که اجرای یک ماده یا تبصره از قوانین کیفری ایجاب می‌کند تا در خصوص موضوع خاصی به قوانین حقوقی هم توجه کامل بشود (مانند تبصره ذیل «ماده ۴۹» قانون مجازات اسلامی که در بحث راجع به آن معلوم شد اجرای تبصره مزبور موکول به اجرای دقیق «تبصره ۱» از «ماده ۱۲۱۰» قانون مدنی است). لذا نابرابریهایی که در سایر قوانین به زیان زنان وجود دارد (از قبیل نابرابریهای ناظر بر قوانین خانواده، طلاق، امور حسبی و...) در موارد خاصی جایگاه زن را در مقام دادخواه در دادرسیهای کیفری متزلزل و حتی بی‌اعتبار می‌سازد.

مثال: وقتی مردی به قتل می‌رسد، چنانچه از او فرزندان صغار به جا مانده باشد؛ مادر صغار به لحاظ محرومیت از حق «ولایت» بر فرزندان نمی‌تواند از طرف صغار به خونخواهی پدر آنها علیه جانی برخیزد و طرح شکایت کند. دادخواهی او در محاکم



کیفری موقعی پذیرفته می‌شود که قیّم بر فرزندان صغیر خود باشد. در حالی که اگر زنی به قتل برسد و از او فرزندان صغیر به جا مانده باشد، پدر با استفاده از حق ولایت قهری که در هر حال بر فرزندان خود دارد می‌تواند از طرف صغار به خونخواهی مادر آنها علیه جانی برخیزد و در صورت محکومیت جانی به پرداخت دیه، پدر صغار می‌تواند سهم الارث صغار از دیه را بابت خون مادرشان دریافت نماید.

در هر حال نابرابری ناشی از ولایت پدر بر فرزندان که در مباحث حقوق خانواده به شدت مطرح است، در دادرسیهای کیفری هم تسری می‌یابد و به نحوی که گذشت در مواردی زن در زمینه دادخواهی و تظلم با نابرابری و مشکل مواجه می‌شود.

بنابراین موارد نابرابری را فقط در صورت ظاهری مواد و تبصره‌های قوانین کیفری نباید جستجو کرد. بلکه توجه همه جانبه به نابرابریها، مستلزم بررسی موارد در حین دادرسی نیز هست که چنانکه گذشت گاهی زن را در مقام شاکی (مدعی) یا متهم، گرفتار حرمان می‌سازد.

نابرابری در ارزش و اعتبار شاهد
«ماده ۷۶» قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد:

«برای حضور در معاینات و تحقیقات محلی از اهل محل، شهود تحقیق دعوت می‌شود و در موارد فوری مستنطق می‌تواند کلیه اشخاصی را که محل وثوق هستند دعوت نماید. در مورد نسوان، زنان شوهردار برای حضور در معاینات محلی دعوت می‌شوند.»

بنابراین قانونگذار در حالی که تحقیق در اطراف کشف جرم بدان حد از فوریت و اهمیت است که مستنطق کلیه اشخاصی را که محل وثوق هستند برای انجام تحقیقات محلی دعوت می‌کند؛ برای زنان، سواى محل وثوق بودن، شرط خاص دیگر نیز قایل شده که عبارت است از اینکه زن دعوت شده حتماً «شوهردار» باشد!

این شرط اضافی که دقیقاً بار جنسیتی دارد، نابرابری آشکاری است که قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً بدان اشاره کرده است.

حمایتهای خاص از زنان در مرحله اجرای حکم
آیین دادرسی کیفری نه تنها مجموعه‌ای

است از ترتیبات کشف جرم و تشریفات دادخواهی و تظلم، بلکه اجرای احکام جزایی نیز در چارچوب شرایط و ملاحظات مندرج در آن میسر می‌شود.

«ماده ۴۸۴» قانون آیین دادرسی کیفری در «بندهای ۲ و ۳» سفارش کرده است که به لحاظ مراعات زنان حامله و مادران، احکام قابل اجرا فوراً به موقع اجرا گذاشته نشود. بدین نحو:

«ماده ۴۸۴ - در موارد ذیل احکام قابل اجرا فوراً به موقع اجرا گذاشته نمی‌شود: ۱ -

۲ - در مورد زنان حامله یا زنانی که تازه وضع حمل کرده‌اند تا سه ماه بعد از وضع حمل

۳ - در مورد زنانی که اطفال رضیع خود را شیر می‌دهند تا زمانی که طفل آنان به سن دو سال برسد ولی این در مواردی است که اجرای مجازات ضروری به طفل برساند.»

در تکمیل «ماده ۴۸۴» آیین نامه راجع به اجرای حکم اعدام، مصوب سال ۱۳۰۷ در «ماده ۳» سفارش کرده است: «هرگاه محکوم به اعدام زن حامله باشد یا زنی باشد که تازه وضع حمل کرده اجرای حکم اعدام تا چهل روز بعد از وضع حمل به تعویق می‌افتد - توضیح اینکه مدت فوق با توجه به ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری به سه ماه تبدیل شده است.»

از طرف دیگر در جهت تکمیل حمایتهای خاص در ترتیب اجرای احکام «ماده ۴۸۸» قانون آیین دادرسی کیفری دستور می‌دهد: «طفل رضیع را از مادری که محکوم به حبس یا تبعید شده، جدا نمی‌کنند مگر اینکه مادر بخواهد که طفل را به پدر یا اقربای دیگر او بپارد.»

نابرابری در تصدی مسئولیتهای قضایی
حیف است از دیدگاه قانون آیین دادرسی کیفری سخن به میان آید و غیبت زنان در مقام قاضی و بازپرس و دادیار و... ناگفته بماند. غیبت جنس زن در جریان محاکمات جزایی و در دادرسیهای کیفری باعث شده تا بخشی از دیدگاههای نابرابر قوانین کیفری نسبت به زن که حاوی نابرابریهای جنسیتی است توسط قضات مرد در شکلهای گوناگون از طریق اضافاتی بر گزارشها و آرا و قرارها و کیفرخواستها و اظهارنظرها توجیه هم بشود. این نقصان در جریان عمل و اجرا بسی مضر و بازدارنده

است.

در یک جمع‌بندی، دیدگاه قوانین کیفری ایران نسبت به زن چنین خلاصه می‌شود:

۱ - در زمینه شرایط سنی که مسئولیت کیفری موکول به آن است دیدگاه قوانین نسبت به زن نابرابر است. پسران در پایان پانزده سالگی مشمول قوانین کیفری شناخته می‌شوند و دختران در پایان نه سالگی.

۲ - در زمینه مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی و ترتیبات مربوط به تخفیف مجازات و تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط، دیدگاه قوانین کیفری نسبت به زن و مرد فاقد جنبه‌های نابرابری است و در مواردی از اجرای احکام جزایی، زن مشمول حمایتهای خاص قرار گرفته است که عمده‌تاً به لحاظ مراعات وضع جنین یا کودک شیرخواره است.

۳ - در زمینه مجازات حدود، صرف‌نظر از برخی از تفاوت‌های جزئی، دیدگاه قوانین کیفری نسبت به زن و مرد یکسان است.

۴ - در زمینه قصاص، اعم از قصاص نفس یا قصاص عضو، که موضوع تعیین دیه دارای نقش اساسی می‌شود؛ نابرابری مشهود است.

۵ - در زمینه دیات نیز نابرابری برپایه ضابطه تعیین دیه، که دیه زن را یک دوم دیه مرد تعیین کرده است، در تمام موارد تحقق می‌یابد.

۶ - در زمینه تعزیرات، موارد نابرابری کمتر به چشم می‌خورد جز در موضوع حجاب که خاص زنان است. اما در این بخش از جرایم، لازم است ضوابط روشنی برای تشخیص جرایم مرتبط با عفت عمومی که در زبان رایج شهری از آن تحت عنوان عام «منکراتی» نام برده می‌شود، با دقت نظر مشخص گردد.

در حال حاضر هنوز جزئیات مطلب روشن نیست و گاهی زنان نمی‌دانند استفاده از کدام نوع آرایش و زیور آلات و غیره جرم است و کدام جرم نیست. امنیت قضایی در پرتو تعیین دقیق مشخصات رفتار مجرمانه میسر می‌شود

۷ - در زمینه ارزش شهادت زنان برای اثبات جرم و ارزش سوگند آنان در مقام مدعی، گویی دیدگاه قوانین کیفری ایران، زن را هرگز در جایگاه شاهد صادق نمی‌پذیرد.

۸ - غیبت زنان قاضی در کلیه مراحل رسیدگی در محاکم جزایی مضر است و تفسیر قوانین را به نفع زنان متهم یا شاکی غیرممکن می‌سازد.



اولین نمایشگاه آثار خوشنویسی زنان کشور به همت انجمن خوشنویسان در «موزه رضا عباسی» از ۲۸ اردیبهشت تا ۱۶ خرداد برپا شد. گفتنی است که قرار بود این نمایشگاه در زمستان ۷۱ برگزار شود که بنا به علل مختلف به اواخر بهار سال جاری موکول شد. البته بیم آن می‌رفت که این نمایشگاه برپا نشود اما تشکیل آن به امید ارائه حرکت‌های گروهی و تلاش بیشتر زنان کشور قابل تقدیر است. ■

در این نمایشگاه تعداد ۶۷ اثر خوشنویسی از ۳۲ هنرمند زن به عنوان بخشی از فعالیتها و تلاشهای هنری زنان کشور در معرض دید عموم قرار گرفت که در مجموع این حرکت در نوع خودش ستودنی است. استفاده از قلمهای مختلف، از ریز تا درشت (خفی و جلی) در فرمهای

شکسته و نسخ و ثلث، خط دوم اطلاق می‌شود و این مسئله در اذهان خوشنویسان در مرتبه دوم قرار گرفته است به همین جهت توجه کافی به این امر مبذول نمی‌شود. تا بدان حد که در این نمایشگاه به عنوان نمونه هیچ موردی از خط نسخ و ثلث دیده نمی‌شود. در حالی که این خطوط از نظر قابلیت گرافیکی از اسکان بالایی برخوردارند، اما ناخواسته مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند.

لازم به یادآوری است که در نقاشی خط و رنگ‌نویسی که به مدد فرمهای جدید و با استفاده از قابلیت‌های گرافیکی خطوط و رنگ انجام می‌گیرد در جهت ایجاد فضاها و فرمهای نو چیزی مشهود نیست و تابلوها با همان فرمهای همیشگی قلمهای درشت در کنار کتابت یا چلیپا در کنار هم ارائه شده است که این امر مهمترین نقیصه این رویکرد هنری است و زمینه این پرسش را فراهم

قلمها، از ریز و درشت، از خطوط مختلف بهره گرفته است. اند گرایش بیشتر به سمت خط نستعلیق بود که شاید به جهت حضور نوعی ملامت و دوری از خشکی رازگونه‌ای است که در این خط وجود دارد و با طبع زنان هماهنگی بیشتری دارد.

به عبارتی دیگر، توجه زنان چه در گذشته و چه در حال به قلمهای کتابت و مشقی، درخور توجه است که با تواناییهای فیزیکی ایشان هماهنگ است. اما در میان آثار شرکت داده شده، با آثاری روبه‌رو می‌شویم که تمایل به قلمهای درشت، تأثیر اساتید این فن را با خود دارند نظیر «اله خاتمی» و «صغری حسینی» که فرمهایی همانند مهرهای دوره قاجاری نیز در آنها دیده می‌شود. گفتنی است که استفاده از قلمهای مختلف در اجرای بخشی از یک اثر از دیدگاه کارشناسی در مقایسه با خوشنویسی و اجرای یک اثر با یک قلم

پروین حیدری‌نسب

نگاهی به اولین نمایشگاه زنان خوشنویسی

موزه رضا عباسی . ۲۸ اردیبهشت الی ۱۶ خرداد

می‌کند که آیا به راستی زنان خوشنویس ما در این زمینه برای «سیاه مشق» قابلیت ندارند؟ آیا نباید به ارتباط رنگ با موضوع فکر کنند؟ و این در حالی است که بین زنان شرکت‌کننده در این نمایشگاه تعدادی دانشجوی رشته‌های هنری نظیر گرافیک نیز شرکت داشته‌اند.

در بسیاری از آثار تمایل به «تذهیب» بودن اثر هست و می‌دانیم که از موارد اساسی در کار خوشنویسی این مرز و بوم همانا هماهنگ بودن آرایش کار، ارتباط خوشنویسی، تذهیب، نوع کاغذ و... است. در حال حاضر، شاید به دلایل مادی، اکثریت تذهیب کاران صرفاً از فرمهای تکراری ختایی با رنگهای تند و بدون

واحد در آثار قدما، بسیار حائز اهمیت است و چه بهتر بود زنان خوشنویس، این نکته را رعایت می‌کردند زیرا توجه به این امر نشانگر تواناییهای خوشنویسی است.

از طرفی دیگر، در آثار شکسته نستعلیق که در بعضی آثار ارائه شده مانند مورد اول گرایش زیادی به قلمهای درشت و بهره‌گیری از شیوه‌ی یکی از اساتید معاصر در آن به چشم می‌خورد. در حالی که در خط شکسته، قابلیت ایجاد فضاها و فرمهای تازه این امکان را به خوشنویس می‌دهد که شجاعانه‌تر دست به آفرینش بزند، که در این مورد به قابلیت‌های کمتری برمی‌خوریم. شاید چون همان‌گونه که در انجمن خوشنویسان مرسوم است، به قلمهای

مختلف رایج خوشنویسی معاصر و ارائه آثار به نحو نسبتاً مطلوبی به نمایش درآمده بود. لازم به یادآوری است که اطلاق کلمه «اولین» بر این نمایشگاه لازمه چشم‌پوشی از بعضی نقایص و کاستیهاست اما به هر حال نمی‌توان خشت اول را کج نهاد، بلکه باید در فرصتهای آتی از تکرار کمبودهای نمایشگاه حاضر کاست.

در برپایی این نمایشگاه، دو مقوله قابل گفتگو است:

- آثار ارائه شده

- تبعات جنبی نمایشگاه

آثار ارائه شده:

در آثار ارائه شده به نمایشگاه، تمامی



ظرافتهای مرسوم در کار تذهیب، استفاده می‌کنند. در حالی که، هماهنگ بودن کار مهمتر از افزایش کار است. همچنین مواردی نظیر طلااندازی، دندان موشی، قطعه‌بندی سنتی، استفاده از کاغذهای ابر و بادی ظریف و ملایم و کار بر حاشیه متن در آثار ارائه شده دیده نمی‌شود. در حالی که در ارتباط با کار تذهیب، از زنان هنرمند این رشته توقع بیشتری می‌رود.

البته در میان آثار به نمایش درآمده، تابلوهای خوبی نظیر کار «دولو قاجار» که در آن هماهنگی خوشنویسی با تذهیب و تشعیر کاملاً رعایت شده، به چشم می‌خورد. ذکر این نکته نیز لازم است که فقدان مشق نظری و عملی و همچنین بی‌توجهی به خطوط قدما در چهره بسیاری از آثار ارائه شده به نمایشگاه دیده می‌شود. آیا جای آن نبود که در میان کارهای ارائه شده یکی دو نمونه از آثار زنان خوشنویس مربوط به قرون گذشته به نمایش گذاشته شود؟ در حالی که آثار چند تن از زنان خوشنویس گذشته ایران در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود.

در یک جمع‌بندی کلی، باید گفت برپایی این نمایشگاه به عنوان اولین حرکت جمعی گروهی از زنان خوشنویس ایران، خود قابل تقدیر است اما برای توجه بیشتر و بهتر به امر خوشنویسی در میان زنان و همچنین برای پربراری نمایشگاه‌هایی که در آینده تشکیل می‌شود، پیشنهاد می‌شود که:

- ۱- برای تنوع بیشتر در امر خوشنویسی بهتر است زنان هنرمند این رشته در تمامی قلم‌های ریز و درشت دست به تجربه و آفرینش بزنند.
- ۲- در پیروی از تجارب و استفاده از خطوط قدما بهتر است امر آفرینش با نگرش نوین همراه باشد.

اما در حاشیه برپایی نمایشگاه نکاتی دیگر از جمله عدم حضور تعدادی از پیشکسوتان این رشته درخور تأمل است: نظیر «مینا بهدادفر» و بسیاری از زنان خوشنویس شهرستانی، در حالی که حضور بسیاری از نوآمدگان این فن در نمایشگاه به روشنی حس می‌شود. همچنین در خصوص بروشور نمایشگاه باید گفت که در آن نام هیچیک از شرکت کنندگان نیامده بود گویا نوعی شتاب‌زدگی در تهیه و ارائه آن دیده می‌شد، در حالی که با توجه به امکانات انجمن آیا بهتر نبود در تهیه بروشور این نمایشگاه از امکانات بالفعل انجمن استفاده شود؟!

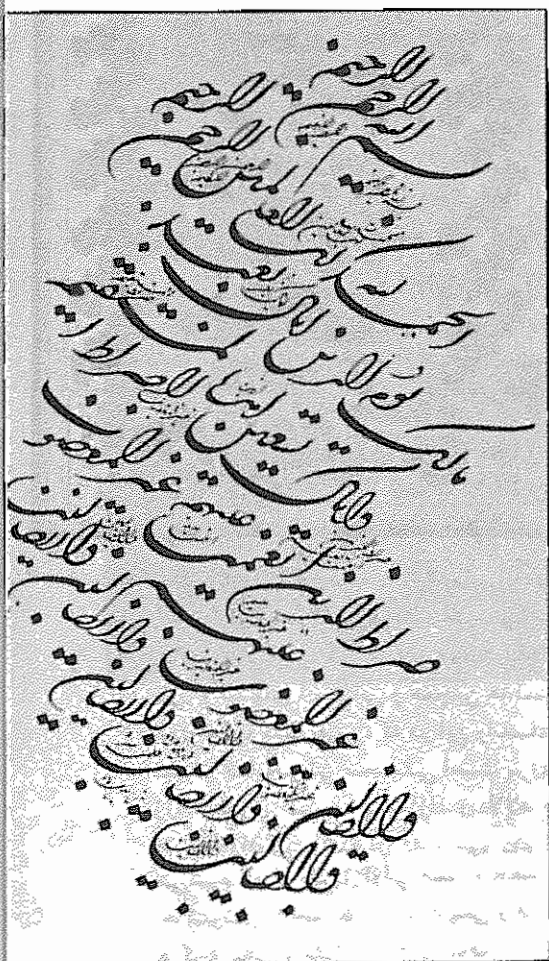
اما نکته دیگر حضور سخنرانی همیشگی انجمن آقای «دکتر الهی قمش‌ای» است که در شرایط بد سالن به تشریح «کم بودن یک دنده زنان» و باقی قضایا پرداختند. حق این بود که برای افتتاح چنین نمایشگاهی از وجود زنان هنرمند و با دانش این فن که خوشبختانه تعدادشان کم نیست استفاده می‌شد و به قول معروف فضای حرفه‌ای حفظ می‌شد.

تبعات جنبی نمایشگاه:

شکی نیست که گسترش روزافزون فعالیتهای زنان کشور در عرصه‌های مختلف به منظور بازیابی جایگاه واقعی خویش در مشارکتهای اجتماعی، همانا نشانه‌هایی از رشد فکری این نیمه پیکر اجتماع است. زنان با تمامی مشکلات موجود هیچ وقت از پا نایستاده‌اند و پا به پای مردان به ارائه قابلیت‌ها و تواناییهای خود همت می‌گمارند. پس از انقلاب به علت فضای ایجاد شده و یا اهمیت دادن به بعضی درون‌نگریها، گرایش به هنرهای سنتی از جمله هنر خوشنویسی، تذهیب، مینیاتور و... نسبتاً به شاخه‌های هنری رشد روزافزونی داشته است. خصوصاً هر چندگاهی ما شاهد انعکاس فعالیتهای اجتماعی - هنری زنان کشور در رسانه‌های گروهی هستیم.

در بروشور نمایشگاه نام تعدادی از زنان خوشنویس مربوط به قرون گذشته آمده که هر کدام دارای مقام شاخصی در عرصه خوشنویسی بوده‌اند، اما از سوی دیگر ان واقعت را نمی‌توان نادیده گرفت که زنان به دلیل فشارهای اجتماعی چه در گذشته و چه در حال حاضر، نتوانسته‌اند قابلیت‌های نهفته خود را نشان بدهند. در کنار این مسئله، سؤالی وجود دارد:

اینکه اعتلای هنر خوشنویسی معاصر در چیست؟ آیا در رشد ناگهانی این هنر بعد از انقلاب نوعی افتادن به ورطه فرمالیسم و کپی‌برداری شاگردان از روی دست اساتید این فن مطرح نیست؟ و سرانجام با طرح این قبیل سؤالات وظایف اصلی هنر خوشنویسی معاصر زیر سؤال نخواهد رفت؟ باری، بحث اساسی این نیست که هنر خوشنویسی را به یکباره رها کنیم و تنها به گرایشهای هنر معاصر دلخوش باشیم، بلکه بحث اساسی بر سر ایجاد فضاهای جدید و بهره‌گیری از فرمهای نوین با تکیه بر سنتهای رایج و استفاده از آنها است. اصولاً نگاهی به کارنامه انجمن خوشنویسان در خصوص





دوازدهمین شماره فصلنامه

نچوا:
به جای سکوت

اندیشه:
الگوی اندیشه دینی در حاکمیت سودان: گفت‌وگو با دکتر حسن ترابی
دینداری و خردورزی: عبدالکریم سروش
همگرایی مسیحیت و علوم جدید در قرن بیستم: استفان.ن. بوسهارد
نقش ابن خلدون در تحول اندیشه اسلامی: محسن مدیر شانه‌چی
مطهری و نظریه فطرت: احمد نراقی

از چیزهای دیگر:
جریانات و مباحث فکری معاصر عرب: فروغ جهانبخش
تازه‌های کتاب
گزارشی از ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران
لیخند شکوفه و میاهوی بهار
علم و تکنولوژی در جهان اسلام
خبرهای فرهنگی و هنری ایران و جهان

ادبیات:
رمزهای ادبی ترک و هندو: آن ماری شیمیل، ترجمه مریم خوزان
شرق اندوه: م. مقدادی
شعر
همراه (داستان): مرتضی مردیبا

هنر:
«آنتیگون» وارث رنج «اودیپ»: رضا ثمری

چاپ آثاری از این‌گونه ما را تنها با چاپ آثار تکراری معاصرین رویه‌رو می‌سازد، به عبارت دیگر چاپ آثار شبیه به هم، با کیفیت نازل و قیمت‌های آن چنانی و همچنین هدفمند بودن چاپ کتب نفیس، که در این وانفسای نشر و کتابخوانی محملی است برای زران‌دوزی کتاب بازان و دلالان و سردمداران این رشته از کار، خود باعث می‌شود که به طریق اولی هنر ارجمند خوشنویسی تا حد یک عنصر تزینی و فاقد هرگونه پیامی و نشانی از قرن حاضر پایین بیاید.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که کلک جادویی خوشنویسان قدیم در حیطه خوشنویسی آثار جاویدان از خود بجای گذاشته و از میان آنان خوشنویسانی چون «میرعماد» و «رشید» در کتابت و مشقی و «میرزا غلامرضای اصفهانی» در حیطه سیاه مشق و کتیبه‌نویسی به راستی آثار ارزنده‌ای دارند که درخور تحقیق و بررسی فراوان است.

«کیان» گامی نو در راه

پاسداری از کیان فرهنگی

کرم شکلات

بهناز صفایی



در فصل گرما، دسر کرم شکلات یکی از بهترین خوراکیها برای پذیرایی است. با کمترین خرج و آسانترین شیوه، کرم شکلات زیبا و خوشمزه‌ای تهیه می‌شود.

کرم شکلات

♦ مواد مورد نیاز:

شیر	نیم لیتر
شکلات	۱۰۰ گرم
نشاسته	۴۰ گرم
شکر	۸۰ گرم
نشکافه	چهار قاشق چایخوری
خامه	یک چهارم لیتر



تصویر یک

طرز تهیه:

۱ - شکلات را رنده می‌کنیم و کنار می‌گذاریم (تصویر یک). پنج قاشق غذاخوری شیر سرد را در ظرفی می‌ریزیم و نشاسته را کاملاً در آن حل می‌کنیم.
۲ - باقی مانده شیر را در یک ظرف با حرارت ملایم داغ می‌کنیم. شکر، نشکافه و نصف شکلات رنده شده را به آن اضافه می‌کنیم. مایع را آرام آرام هم می‌زنیم تا مواد درون آن کاملاً حل شود. (تصویر دو)

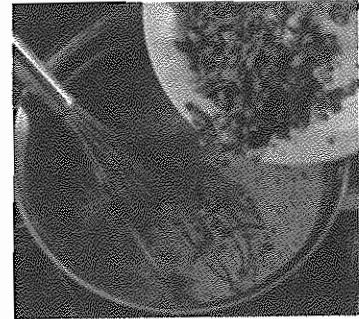
پایه ایتالیایی

☞ در این روزهای گرم، شما حداقل روزی دوبار با تقاضای بستنی از سوی بچه‌ها مواجهید. از سوی دیگر مرتب از طریق رسانه‌ها پیام احتمال آلوده بودن بستنیهای موجود در بازار را دریافت می‌کنید. پس آستین بالا بزنید و درست کردن بستنی را یاد بگیرید. بچه‌ها و حتی بزرگترها حتماً بستنی محصول دست شما را بیشتر از بستنیهای بازار خواهند پسندید. ☞

بستنی ایتالیایی با سس آلبالو

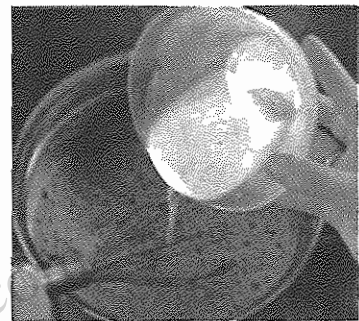
مواد مورد نیاز:

کمپوت	۱۵۰ گرم
لیموترش تازه	یک عدد
وانیل	یکدوم قاشق چایخوری
خلال بادام	کمی
تخم مرغ	دو عدد
شکر	چهار قاشق غذاخوری
شیر	یک چهارم بطری



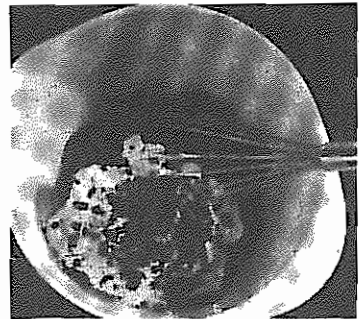
تصویر دو

۳ - پس از آن که مواد بالا کاملاً در شیر حل شد، مخلوط نشاسته و شیر را همزمان با هم به آن اضافه می‌کنیم. باید کاملاً مراقب باشید که مایه ته نگیرد. (تصویر سه)



تصویر سه

۴ - پس از آن که همه مواد کاملاً در شیر حل شد، مایه را درون ظرف دیگری بریزید و بگذارید خنک شود. در حین خنک می‌شود باز هم آن را هم بزنید که فقط روی آن نبندد و در ضمن زودتر هم خنک شود.



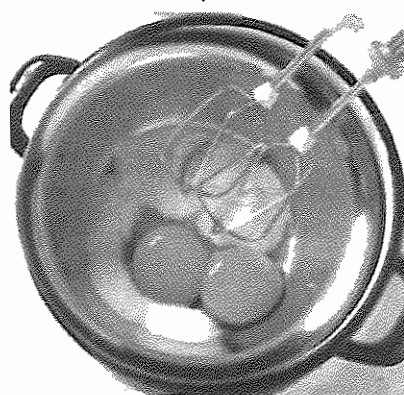
تصویر چهار

۵ - خامه را با همزن دستی خوب بزنید و همراه باقی مانده شکلات رنده شده، داخل مایه‌ای که آماده کرده‌اید بریزید و با همزن دستی خوب بزنید. (تصویر چهار)

۶ - آن گاه مایه را داخل ظرفهای مورد نظرتان بریزید. روی آنها را با کاغذ آلومینومی بپوشانید تا رویه نبندد و به مدت یک ساعت در یخچال بگذارید. سپس آن را از یخچال درآورد و طبق سلیقه خودتان، رویش را با خامه و اندکی رنده شکلات تزئین کنید.



۲ - بقیه شیر را به مایه اضافه می‌کنیم و دوباره به هم می‌زنیم تا خوب غلیظ شود. سپس مایه را داخل ظرف مناسبی می‌ریزیم و در فریزر می‌گذاریم. (تصویر دو)



طرز تهیه:

۱ - زرده تخم مرغها و دو قاشق شکر را در یک کاسه می‌ریزیم و با همزن برقی یا چنگال خوب به هم می‌زنیم. در یک قابلمه آب روی گاز می‌گذاریم تا آب آن جوش بیاید. سپس کاسه را درون آب جوش قرار می‌دهیم و مایه داخل آن را مرتب به هم می‌زنیم تا مایه کاملاً سفید و شکر کاملاً حل شود. (تصویر یک)



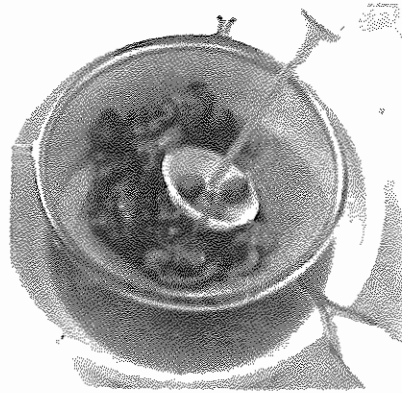


www.iran-archive.com



۵ - مخلوط را از صافی رد می‌کنیم تا فقط شهد آن باقی بماند. (تصویر پنجم)
 ۶ - بستنی را با قاشق گرد داخل ظرفهای مناسب می‌گذاریم. سس را روی آن یا کنار آن می‌ریزیم و با مقداری خلال بادام آن را تزئین می‌کنیم.

بستنی ایتالیایی اکنون آماده پذیرایی است.



۴ - کمپوت آلبالو را در صافی می‌ریزیم تا آب آن برود. بعد آن را در ظرف می‌ریزیم و دو قاشق شکر روی آن ریخته، آب لیموترش، وانیل و دو قاشق غذاخوری آب داخل آن می‌ریزیم و مخلوط را به مدت ده دقیقه با حرارت کم می‌جوشانیم تا به صورت شهد غلیظی در آید. (تصویر چهارم)



۳ - از همان ابتدا که مایه را درون فریزر می‌گذاریم هر ده دقیقه یکبار آن را هم می‌زنیم تا یخ نبندد و مانند بستنی کش بیاید (تصویر سه)

گل آرایشی ژاپنی

گلدانی ساده و کوچک برای خانه

محبوبه شهناز

همانطور که در شماره‌های پیشین اشاره شد، با کمترین هزینه می‌توان منظره‌ای از طبیعت را به خانه آورد. مثلاً از گلدانهای ساده و بدون نقش، به ویژه گلدانهای گلی، می‌توان بهترین استفاده را کرد.

برای یادگیری گل‌آرایی ژاپنی ابتدا از تزئین گلدانهای ساده و کوچک شروع کردیم که شامل چهار سبک است. سبک (الف) و (ب) را قبلاً گفتیم. اینک سبک (ج):

موارد مورد نیاز:

۱- یک ظرف و یا گلدان کوچک مسطح که به مقدار کافی گنجایش آب داشته باشد. (حداقل چهار سانتیمتر عمق داشته باشد).

۲- کنزا

۳- قیچی باغبانی

۴- دو شاخه گل. توجه داشته باشید که اگر از گل مرکب مانند شببو، میمون، گلایل یا لیلیوم استفاده کنید، یک شاخه کافی

است و از این شاخه می‌توان به جای سه شاخه استفاده کرد.

۵- سه شاخه تزئینی مطابق ذوق و سلیقه خودتان

طرز آرایش گلدان

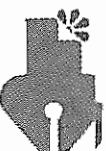
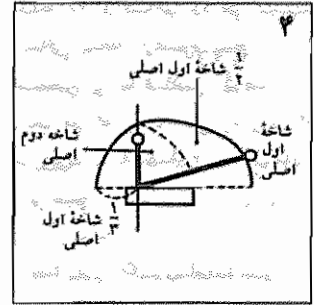
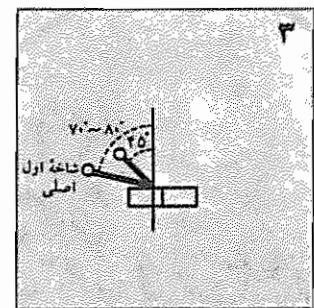
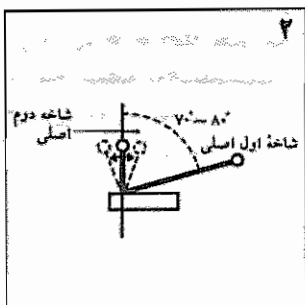
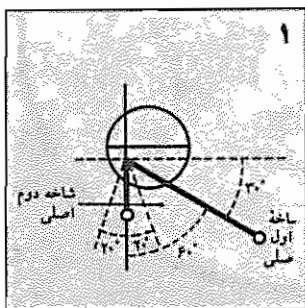
ابتدا کنزا را در یک گوشه ظرف (راست یا چپ) می‌گذاریم و اولین شاخه گل را که باید بلندتر از بقیه و یک برابر نیم قطر یا درازای ظرف باشد، انتخاب می‌کنیم. این گل، شاخه اول اصلی (Subject) است و طوری روی کنزا قرار می‌گیرد که حداقل ۷۰ تا ۸۰ درجه به طرف پایین افق و ۳۰ درجه به طرف راست (اگر کنزا مانند طرح سه در سمت چپ ظرف باشد) متمایل باشد ولی به هر حال سر شاخه رو به بالا قرار گیرد.

دومین شاخه که شاخه دوم اصلی (Object) است و طول آن یک‌سوم شاخه اول می‌باشد، انتخاب می‌کنیم و در سمت چپ شاخه اولی طوری قرار می‌دهیم که در حدود ۴۵ درجه به طرف جلو (طرح سه) و

۲۰ درجه به طرف راست یا چپ (طرح یک)، مطابق با سمتی که کنزا قرار دارد، متمایل شود. بدین ترتیب کار اساسی این گلدان انجام شده است. حال برای آرایش آن از شاخه‌های فرعی (Fillers) کمک می‌گیریم.

اولین شاخه فرعی را باید از جنس گل اصلی و کوتاهتر از آن انتخاب کنیم و آن را طوری روی کنزا قرار دهیم که سر آن متمایل به وسط ظرف باشد. دومین شاخه تزئینی که از جنس شاخه دوم اصلی است بین دو شاخه اصلی و کوتاهتر از شاخه دومی و در سمت چپ آن قرار می‌گیرد و قدری متمایل به جلو می‌باشد.

بدین ترتیب گلدان شما برای قرار دادن در گوشه‌ای مناسب آماده است. ضمناً اگر باز هم نیازی به گل اضافی احساس کردید، می‌توانید از برگ و شاخه‌های دیگر نیز استفاده کنید به شرط آن که هیچ یک از شاخه‌ها و گلها بیش از یک‌سوم شاخه اول اصلی نباشد و از محیط ظرف بیرون نیاید.



تحول در مینیاتور

پای صحبت سودابه بهارلو

فیروزه شریفی



کمال‌الملک با دیدن تابلوها متعجب می‌شود و می‌پرسد که نقاشیهای ایرانی آنجا چه می‌کنند؟ به او پاسخ می‌دهند که رامبراند از نقاشیهای ایرانی الهام گرفته است.»

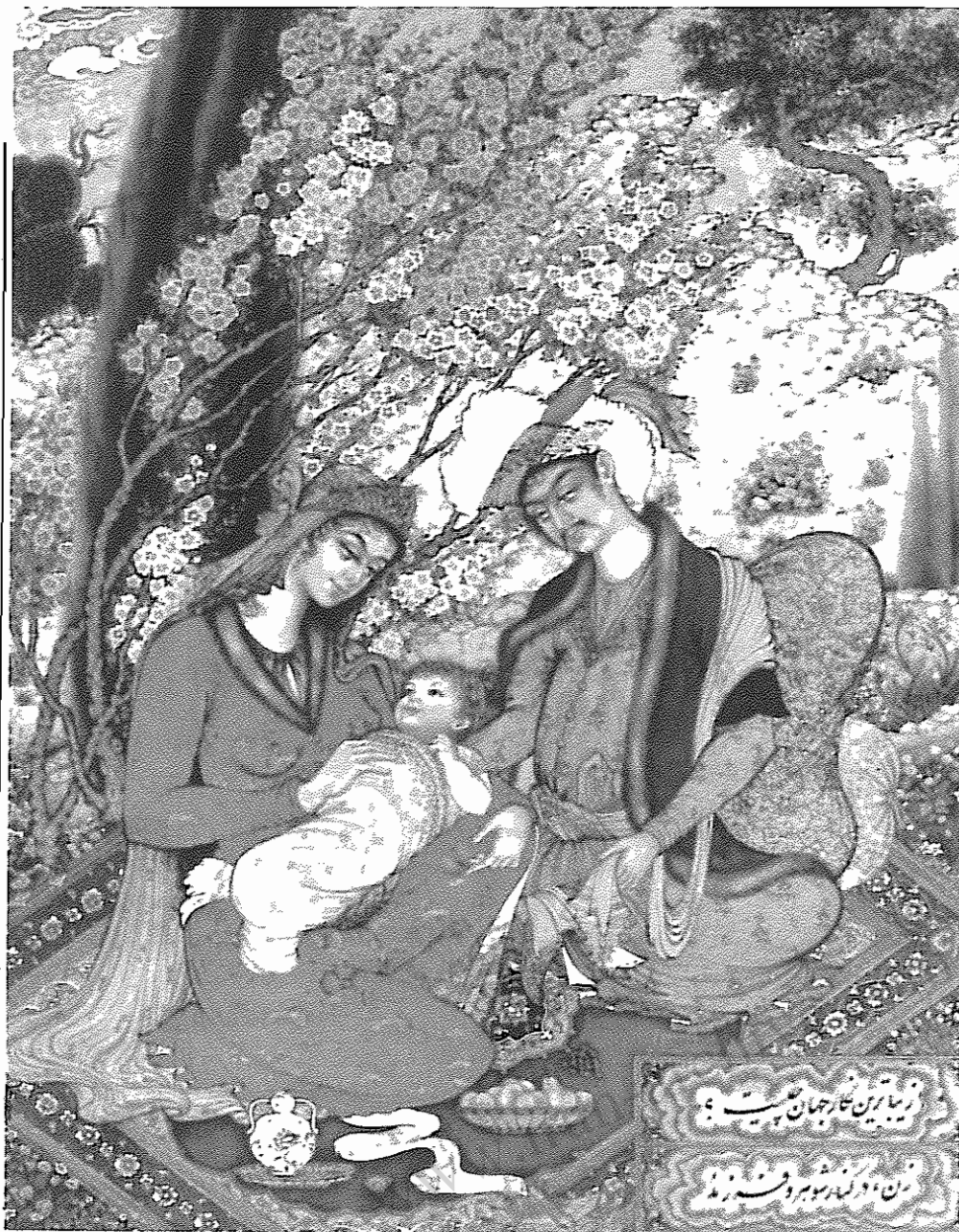
«سودابه بهارلو» این نکته را بهترین پاسخ به آنهایی می‌داند که هنر غرب را برتر می‌دانند، آن هم تحت شرایطی که خود غرب از شرق متأثر بوده است.

بهارلو شاگرد «استاد مطیع»، پس از سالها نقاشی و گذراندن دوره شش ساله تعلیم نزد استاد، در سال ۶۷ موفق به اخذ مدرک استادی در رشته مینیاتور و تذهیب می‌شود و از همان سال در هنرستان کمال‌الملک و مرکز هنرهای تجسمی تدریس مینیاتور را آغاز می‌کند و در آتلیه شخصی خود شاگردان زیادی را به تعلیم می‌گیرد. او در نمایشگاههای متعددی شرکت کرده است و آثارش اخیراً در بیروت و سوریه نیز به نمایش گذاشته شده است. ❦

نقش می‌آفریند آن زمان که می‌اندیشد، قلم به دست می‌گیرد و به رنگ می‌زند. هر چه بیشتر دقت کنی بیشتر می‌بینی. گویی در هر قدم دریچه‌ای تازه به رویت می‌گشایند و به دنیایی تازه می‌روی. با خودش که صحبت کنی می‌گوید: «این، از ویژگیهای مینیاتور ایران است.» مینیاتور، این هنر اصیل ایرانی آنقدر ظرافت و دقت طلیده است که به حق می‌توان گفت:

خیز تا بر کلک آن نقاش جان افشان کنیم
کاینهمه نقش عجب در گردش پرگار داشت

سالها شاگردی کرده است و امروز استاد است. استادانش را ارج می‌گذارد و از آنها، نکته‌ها نقل می‌کند. وقتی از نقاشی ایرانی سخن به میان می‌آید، از کمال‌الملک نقل قول می‌کند: «وقتی کمال‌الملک به ایتالیا سفر می‌کند به منزل رامبراند می‌رود، اتاقی را نشان می‌دهند که پر از نقاشیهای ایرانی است.



● با او درباره مینیاتور صحبت می‌کنیم:

○ مینیاتور به معنی «کوچک» واژه‌ای و بعد خاورشناسان در قرن ۱۹ استفاده کردند و بعد در زبان فارسی نیز مصطلح شد. در حقیقت هر چیز کوچک را «مینیاتوری» می‌گویند و نقاشی قدیم ایران را که در زبان فارسی صورت‌نگری و... می‌گفته‌اند، به دلیل ظرافت «مینیاتور» نام گذاشتند. گرچه نقاشی ایران منحصر به تصاویر ریز نقش نبوده است اما به غلط مینیاتور را به طور کلی به نقاشی قدیمی ایران اطلاق کردند.

● غیر از ظرافت، ویژگی دیگر نقاشی ایرانی چیست؟

○ نقاشی ایران با ادبیات ارتباط زیادی دارد. نقاش ایرانی از شعر و داستان زیاد الهام می‌گیرد و این ویژگی عمده نقاشی ایران است. در حقیقت نقاشی در کنار سخنوری رشد می‌کند و همراه با آن دستخوش تغییرات می‌شود. یعنی زمانی که ادبیات فارسی از مسیر خود منحرف می‌شود نقاشی نیز دچار تغییراتی می‌شود.

● چه عاملی نقاشی را با ادبیات تا این حد مرتبط کرده است؟

○ شاید به این دلیل که شاعر، نویسنده و نقاش ایرانی، با یک دید و یک نظر به جهان باقی نگاه کرده‌اند و هدف هر دو، یکی بوده است. هدف چیزی جز رسیدن به حقیقت و خالق نبوده است. آنها در این راه زیبایی‌ها را دیده‌اند و به کار گرفته‌اند. همانطور که شعر دارای وزن و قافیه است نقاشی نیز به نوعی دیگر دارای وزن و قافیه است. شاعر با واژه‌ها می‌گوید و نقاش با رنگ.

● یعنی رنگ در نقاشی، واژه است در شعر؟

○ رنگ واژه نیست اما معنی خاص آن شعر با کار مورد نظر را می‌دهد. مثلاً رنگ‌ها در تابلوی مجلس رزم یا مجلس بزم متفاوت می‌شود. در یک تابلوی بزم رنگ‌ها همه روشن و شاد است و در یک مجلس رزم به عکس. رنگ‌های مینیاتور اغلب لطیف است و رنگ‌های خیلی لطیف برای «زن»،

عنوان مینیاتور نام می‌بریم چقدر قدمت دارد؟

○ مینیاتورهای حاضر که ما آنها را به نام «هنر مغولی» می‌نامیم از عصر مغول به جای مانده است. در سبک‌های مختلف آوایل دوره مغول عناصری دیده می‌شود که به تدریج و به فاصله یک قرن، مینیاتورسازی مشهور ایران را به وجود آورده است و سبک‌های خارجی به تدریج تغییر یافته و سبکی به وجود آمده که کاملاً ایرانی است. «تیمور لنگ» بعد از فتح و ویرانی شهرهای ایران، صنعتگران و هنرمندان را جمع می‌کند و به سمرقند، پایتخت خود، می‌برد. در این شهر مخصوصاً در زمان جانشینان او در هرات، مینیاتورسازی به منتهی درجه ترقی خود می‌رسد. بعد از او پسرش «شاهرخ» و بعد از شاهرخ پسرش «بایسنقر»، بیش از پدر، مشوق و

حامی هنرمندان و صنعتگران می‌شود و کتابخانه بزرگی در هرات به نام «فرهنگستان صنعت» ایجاد می‌کند که چهل نفر از بزرگترین نقاشان و خوشنویسان و صحافان را جمع کرده و عصر طلایی مینیاتورسازی ایران به نام «مکتب هرات» ظاهر می‌شود. بعد از شاهرخ و بایسنقر، سلطان حسین «بایقرا» و وزیر معروفش، «میرعلی شیر»، شاعر نامی، مشوق و حامی صنعت بودند به گونه‌ای که بزرگترین نقاشان در آن زمان، از جمله «کمال‌الدین بهزاد»، در دربار او زندگی می‌کردند. از شاگردان بهزاد، استاد بزرگ «آقاسیرک» و «شیخ زاده خراسانی» را می‌توان نام برد. «بهزاد» که اعجوبه زمان و استاد هنر نام گرفت، سبک جدیدی «در مینیاتورسازی ایجاد کرد و صنعت را در کلیه جزئیات به منتهی درجه کمال رساند. در زمان شاه «اسماعیل



صفوی» و بعد شاه «طهماسب» که بهزاد نقاش دربار بود، مکتب هرات همچنان ادامه داشت اما نه به ریزی عصر مغول بلکه کمی درشت‌تر. از معروفترین مجموعه‌های نقاشی مینیاتور ایران، نسخهٔ مصور «خمس نظامی» است که اکنون در موزهٔ بریتانیاست. این کتاب به وسیلهٔ نقاشان مشهور دربار، برای شاه «طهماسب صفوی» تهیه شد که نام «آقاسیرک»، «سلطان محمد»، «میرزا علی»، «مولانا مظفر علی» و «میرسیدعلی» معروفترین نقاشان آن دوره در زیر مینیاتورها ثبت شده است.

● مینیاتور هرات در مقایسه با مینیاتور مغولی از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

○ در مینیاتور هرات برخلاف مینیاتور مغولی، نرمی و لطافت بیشتری احساس می‌شود. شخصیتها در این دوره به مراتب طبیعت‌تر هستند و نقاشان تمایل زیادی به داستانهای ایران باستان نشان داده‌اند. رنگها نیز از تنوع بیشتری برخوردار شده‌اند، ضمن اینکه در آمیزش رنگها تناسب نیز کاملاً مشهود است. نقاشی در دورهٔ صفوی یک حالت کاملاً ایرانی دارد. نقاشی این دوره فاقد سایه است. یعنی همه چیز، چه در روز و چه در شب، زیر نور یک دستی دیده می‌شود. در این دوره پرسپکتیو (دورنما) وجود ندارد. آنچه در جلو وجود دارد، به اندازهٔ چیزی است که در پشت قرار گرفته است. در این دوره نقاشی «پرتره» مرسوم می‌شود که باعث می‌شود صفحات مصور کم‌کم از شلوغی سابق خارج شود.

● غیر از هرات و مغول چه سبک‌هایی در مینیاتور وجود دارد؟

○ غیر از هرات و مغول، مکتب تبریز، قزوین، شیراز، اصفهان و بخارا از سبک‌های مهم مینیاتور به شمار می‌روند. مکاتب نامبرده همگی تحت تأثیر شرایط اقلیمی و زمان منطقهٔ خود، ویژگی‌هایی به مینیاتور داده‌اند که به نام همان منطقه شهرت پیدا کرده‌اند. مثلاً مکتب اصفهان نزدیک به آداب و رسوم اصفهانی است. شیراز، قزوین و...

● در کارتان پیرو کدامیک از مکاتب هستید؟
○ مکتب هرات.

● چرا؟

○ به نظر من مکتب هرات یکی از زیباترین و پرمعناترین مکتب‌های مینیاتور است. گرچه خیلیها در آن دخل و تصرف کرده‌اند، هنوز زیبا و با اصالت مانده است.

● بعضیها معتقدند مینیاتور یک نقاشی قدیمی است و دیگر کاربرد ندارد نظر شما چیست؟

○ مینیاتور تنها نقاشی اصیل ایرانی است که منحصر به فرد است و متعلق به ما ایرانیهاست. در حقیقت مینیاتور ثروتی است برای ما و کشور ما باید قدرش را دانست. قدیمی بودن مینیاتور دلیلی برای بی‌ارزش شدن آن نیست. به عکس، قدمتش حکایت از اصالت و ارزش آن می‌کند. در دنیا آنچه قدیمی است و اصالت دارد، بالارزش است و حفظ می‌شود. آیا صحیح است تحت شرایطی که دنیا، نقاشی ما را دوست دارد و به آن بها می‌دهد، ما خودمان آن را بی‌ارزش کنیم. وقتی یک اروپایی به ایران می‌آید، به دنبال اصالت‌های ایرانی می‌گردد؛ به دنبال فرش ایران، نقاشی ایران، صنایع دستی ایران. ما با وجود این آثار هویت پیدا می‌کنیم.

● بعضی از نقاشان مینیاتور با تغییراتی در قواعد طراحی مینیاتور، مثل شکستن کادر و خارج از کادر کار کردن، معتقدند که تحول جدیدی در مینیاتور به وجود آورده‌اند. نظر شما چیست؟

○ ببینید من در مکتب خود سعی کردم ایده‌های جدید داشته باشم. در مینیاتور می‌شود به سبک و سلیقهٔ امروز کار کرد و حوادث امروزی را نشان داد اما باید در نظر داشت که مینیاتورداری اصالتی است که نباید در نوآوری از دست برود. کارهایی مثل شکستن کادر و خارج از کادر رفتن، نوآوری نیست. بعضی از کارها شاید در حد یک کاردستی باشد تا نوآوری. می‌بینم کارهایی را که کسی کرده‌اند خارج از کادر برده‌اند و بلای بی‌سر مینیاتور آورده‌اند که جای تأسف دارد. البته جا دارد از استادانی مثل «استاد فرش‌چیان» که صاحب سبک و سلیقه‌ای قابل تحسین شده‌اند، نام برد اما مواردی هم وجود دارد که جز تأسف احساس دیگری را حداقل در بین کسانی که حرفه‌ای کار می‌کنند،

بر نمی‌انگیزد.

● صحبت از ایده‌های جدید در کارهایتان شد. بفرمایید ایده‌ها را در کار چگونه به کار گرفته‌اید؟

○ در حال حاضر طرح‌هایی دارم که برای سال آینده آماده خواهند شد و ترجیح می‌دهم امروز دربارهٔ آنها صحبت نکنم اما کسانی که کار را با دید فنی دیده‌اند، معتقدند تحول جدیدی در مینیاتور به وجود آمده است. کارها جدید است و با کارهای قبلیم کاملاً متفاوت. اما موردی را که به عنوان یک پدیدهٔ نو در مینیاتور به کار گرفته‌ام و می‌توانم برای شما بگویم طرحی است با نام «زن چیست»، که در این طرح برای اولین مرتبه «بچه» وارد مینیاتور شده است. چون تا پیش از این کار تقریباً بچه در مینیاتور ایران وجود نداشت و این یک پدیدهٔ تازه محسوب می‌شود.

● اخیراً سفری به بیروت و سوریه داشته‌اید. لطفاً از سفرتان بگویید؟

○ در بهمن ماه گذشته، به دعوت دولت بیروت و سوریه، با هماهنگی وزارت ارشاد، نمایشگاهی از آثار نقاشان ایرانی برگزار شد که به اتفاق خانمی دیگر در آن شرکت کردم. این نمایشگاه به منظور آشنایی هنرمندان بیروت و سوریه با هنرمندان زن ایرانی بود.

● نتیجهٔ سفر چه بود؟

○ بسیار خوب. زمانی که به بیروت و سوریه رفتیم، بازدیدکنندگان ابتدا از دیدن ما بسیار تعجب کردند. وقتی کارها را می‌دیدند، می‌گفتند کپی است، عکس است، عکس‌های قدیمی را در قاب کرده‌اند به اینجا آورده‌اند. برای آنها اصلاً قابل تصور نبود که زن ایرانی غیر از محیط خانه، فعالیت دیگری هم داشته باشد و این نمایشگاه باعث شد تا مردم بیروت و سوریه با واقعگرایی بیشتری راجع به ایران، هنر ایرانی و زن ایرانی برخورد کنند.

● در پایان سفر، برخوردشان چگونه بود؟

○ همان‌طور که گفتم ابتدا برخوردها بوی نابوری و تعجب داشت اما با حوصله‌ای که به خرج دادیم و توضیحی که دربارهٔ تک تک تابلوها داده شد، آرام آرام با ما

➤ نقاشی ایران با

ادبیات ارتباط زیادی دارد. نقاش ایرانی از شعر و داستان زیاد الهام می‌گیرد و این ویژگی عمدهٔ نقاشی ایران است.

➤ بازدیدکنندگان در

نمایشگاه بیروت و سوریه اصلاً تصور نمی‌کردند که زن ایرانی بتواند خارج از محیط خانه، فعالیت دیگری هم داشته باشد.



➤ رنگهای مینیاتور

اغلب لطیف است. رنگهای خیلی لطیف برای «زن» مخصوصاً «زن شاد» استفاده می‌شود و هر چه زن جوانتر باشد، رنگها لطیفتر است.

➤ در مینیاتور

می‌شود به سبک و سلیقهٔ امروز کار کرد و حوادث امروزی را نشان داد اما باید در نظر داشت که مینیاتور دارای اصالتی است که نباید در نوآوری از دست برود.





دوست شدند و باورمان کردند. با هنرمندان زیادی آشنا شدیم فرزندان شهدای لبنان به دیدنمان آمدند و اطلاعاتی درباره چگونگی تدریس نقاشی و مینیاتور در ایران گرفتند. ما را به محافل هنری دعوت کردند. با استادان دانشگاه آشنا شدیم. با خبرنگاران گفت‌وگو کردیم. شاید آنقدر تأثیر داشتیم که بهترین زن هنرمند بیروت در مقابل یکی از کارها ایستاد و با صدای بلند گریست. وقتی علت را جویا شدم پاسخ داد: «تا امروز فکر می‌کردم نقاشم و امروز فهمیدم که من هیچی نیستم».

● هنرمندان زن آنجا را در مقایسه با ایران چگونه دیدید؟
○ در بیروت با چند هنرمند زن برخورد داشتیم اما در سوریه اصلاً هنرمند زن نبود.

● در نمایشگاه چند تابلو داشتید؟
○ حدوداً ۳۰ کار با خود برده بودم که مجموعه‌ای بود از مینیاتور، رنگ روغن و قلم زنی.

● رنگ روغن هم کار کردید؟
○ سالها پیش از مینیاتور، رنگ روغن کار کرده بودم.

● چند سال است نقاشی می‌کنید؟
○ ۳۰ سال است. نقاشی را از ۱۲ سالگی شروع کردم. به خوبی به یاد دارم که اولین کارم را یک خارجی حدود سی هزار تومان خرید و از آن به بعد خارجیها برایم سفارش آوردند و کار کردم.

● تا امروز چند تابلو کار کرده‌اید؟
○ اگر تابلوهای رنگ و روغن را حساب نکنم، چون دقیقاً نمی‌دانم، حدود ۱۳ تابلو مینیاتور کار کرده‌ام، به اضافه ۲۰ طرحی که در حال حاضر دارم.

● کارها چقدر طول کشیده است؟
○ بستگی داشته. شش ماه، شاید هم بیشتر. مثلاً کاری از «لیلی و مجنون» دارم که تا حالا فقط شش ماه است که روی خود شعر کار می‌کنم تا قسمتهای مناسب را برای به تصویر کشیدن شعر پیدا کنم. اغلب اوقات شبها بیدار مانده‌ام تا کار را به جایی برسانم.

● خسته نشده‌اید؟
○ خسته می‌شوم اما نقاشی را دوست دارم. شاید ساعتها پای کار

نسته‌ام و از اطرافم بی‌خبر مانده‌ام اگر غذایی هم روی اجاق داشته‌ام به کلی از خاطرم رفته است.

● فکر می‌کنید که یک نقاش خوب می‌تواند یک همسر خوب باشد؟

○ نقاش خوب بودن در کنار همسر خوب بودن، کار را بسیار مشکل می‌کند. البته این نیست که نشود. می‌شود اما سخت است. سخت از این نظر که در هر دو برای خوب بودن به زمان نیاز داری و این زمان محدود است. روز کار کردن، عصر کار کردن و شب موقع استراحت باز هم کار کردن دیگر رمت نمی‌گذارد، حالا خودتشان حساب کنید.

● فرزند دارید؟
○ سه پسر و یک دختر.

● آنها هم به نقاشی علاقه دارند؟

○ دخترم با تمام مشکلاتی که در راه مادرش بود و دیده است، راه خودش را انتخاب کرده است. ۱۷ سال دارد و حدوداً یک سال است که نقاشی را خیلی جدی نزد استاد «خرمی نژاده» آغاز کرده است. به آینده او امیدوارم.

● موقعیت مینیاتور را در حال حاضر چگونه می‌بینید؟

○ متأسفانه در حال حاضر آن طور که باید و شاید به این هنر توجه نمی‌شود. هنرمند را ارج نمی‌گذارند. اگر وضع به این منوال پیش رود و هنرمندان قدیمی از صحنه خارج شوند، مینیاتور صدمه خواهد دید. شاگردان من اغلب از دانشجویان دانشگاه هستم و متأسفانه ابتدایی‌ترین مسایل و اطلاعات را در رابطه با کار نمی‌دانند. حتی طرز قلم گرفتن را هم بلد نیستند. گاهی اوقات سؤالاتی می‌کنند که بسیار متعجب می‌شوم مثلاً اینکه رنگ سفید را چگونه باید استفاده کرد. می‌گویند استادان دانشگاه برای دادن این اطلاعات خیلی وقت نمی‌گذارند و این بی‌توجهی نسبت به دانشجویان بسیار حیا است. از هرکدام از این دانشجویان، می‌شود استاد ساخت و آینده را تامین کرد اما به این ترتیب کمتر می‌شود امیدوار بود. مخصوصاً وقتی دیده می‌شود که بعضی افراد از موقعیتهایی سوءاستفاده می‌کنند و کارهای کپی را در خارج به نمایش می‌گذارند و هنر را به ابزغال می‌کشاند.



معرفی کتاب

مکاشفه حوا

حجازی، خاطره
تهران
انتشارات روشنگران
۱۳۷۱
۵۵ صفحه
۸۰۰ ریال

این دفتر شامل ۳۱ قطعه شعر است و با طرح مجید روشن بر روی جلد در دوهزار نسخه چاپ شده است. برخی از عناوین این مجموعه عبارت است از: پاهای تو را می‌جوئد، مدال بزرگ، از چشم ایرانی، راه گردان، سبب سرزمین من و...

حجازی ۱۷ قطعه از اشعار خود را در این مجموعه، مکاشفه نامیده است. «مکاشفه ۱۳» چنین است:

کلاغها خواندند،
خورشید دیدم،
ظهر هم رسید.
اما من...
پشت پنجره سترون،
در انتظار روزم.
نمی‌آیی؟

اندوه زن بودن

حجازی، خاطره
تهران
روشنگران
۱۳۷۱
۸۳ صفحه
۵۰۰ ریال

این دفتر شامل ۱۵ قطعه شعر است و با طرح روی جلد هامون در سه هزار نسخه به چاپ رسیده است. برخی از عناوین این دفتر عبارت است از: چه خوشبختی تو!، نمی‌خواهم به مرگ بیندیشم، به دنبال یک زندگی نرم، ترکه‌های ترد و...
فسمتی از یکی از اشعار این دفتر چنین است:

ولی در زندگی لحظه‌ای هست
که مثل مرگ می‌آدم را می‌گیرد
و پلک ظفره به کاری نمی‌آید.
- باید دید. -
ماهی می‌داند

که در دام تضاد
تنها خودش را زخمی می‌کند؛
با این همه، سرشت ناباوری،
تقلات.

«اندوه زن بودن» نام یکی از اشعار این دفتر است که شاعر به جلال آل‌احمد تقدیم کرده است. در صفحه آغازین کتاب این قطعه به نقل از آل‌احمد آمده است:

«... دور و برت را بیا، پراست
از غم. غم جوان بودن. غم نان. غم
از دست رفته‌ها. غم آینده. غم
عمرهای تلف شده. غم آرزوهای
برباد رفته. غم زن بودن. غم
بیسکارتی، غم تنهایی... و غم
بزرگتری که غم بود و نبود
است...»

برگ و باد

افروز، افسانه
تهران
روشنگران
۱۳۷۱
۷۲ صفحه
۱۰۰۰ ریال

این دفتر شعر شامل ۳۰ قطعه شعر است. طرح روی جلد آن از ضیا، کیوان است و در دو هزار نسخه به چاپ رسیده است. برخی از عناوین این دفتر عبارت است از: برگلوی صاف آسمان، سیاره تو، پیش از این، وصله، جز شب، فریب و...

فسمتی از شعر از برگ تا آتش چنین است:
تا سرود آشنایی را بیندیشد
شاخه‌ای خم شد
با نوار پیچک پوسیده‌ای به تن
لابلای برگهای سرخ
«برگ برگم را به آتش هدیه خواهم کرد
رنگ رنگ گرمشان را
در حریق روشن پاییز خواهم سوخت.

یک روز دیگر

و جدی، شاداب

تهران
روشنگران
۱۳۷۱
۱۳۰ صفحه
۱۲۰۰ ریال

این دفتر شامل ۵۸ قطعه شعر است و بیشتر آنها سبنا بلند است. کتاب با طرح ضیا، کیوان بر روی جلد، در سه هزار نسخه به چاپ رسیده است. برخی از عناوین این دفتر عبارت است از: حتی، در حاشیه شعر فروغ، دریافت، شبدرهای عشق، صدای باران، و...
فسمتی از شعر «یک روز دیگر» در این دفتر چنین است:

برگی دگر در باد.
در را به روی شهر می‌بندم.
در را به روی شب
که می‌آید به سوی کوزه‌ها آرام.
آنگاه

در خالی خلوت،
به لحظه‌های خرد گشته
زیر آوار ندامتهای سنگین
خیره می‌مانم.

حرفی برای

هیچکس
حمیدی، مهناز
تهران
روشنگران
۷۸ صفحه
۱۰۰۰ ریال

این دفتر شامل ۴۹ قطعه شعر است و با طرح آبدین آغداشلو بر روی جلد در دوهزار نسخه به چاپ رسیده است. بیشتر این قطعات کوتاه است و مجموعه کارهای شاعر را از سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۸ در برمی‌گیرد. برخی از عناوین این دفتر عبارت است از: تنهایی، جنگل جنگل است، بل، آنتی‌گونه، مادران قهرمان، می‌آیم چون یک شبح، آسمان، بر آب و...

اولین شعر این دفتر چنین است:
گیس تنهایی را
می‌بافم
می‌بافم

و شب همینطور در من قد می‌کشد
قد می‌کشد
در هزار آینه ویران
گیس تنهایی را
می‌بافم من با درد
و گره‌ای می‌زنم بر انتهایش
کور کور

داستانهای شرقی

یورسنار، مارگریت
ترجمه لیلیا ارجمند
تهران
روشنگران
۱۳۷۱
۱۳۱ صفحه
۱۳۰۰ ریال

این کتاب مجموعه ده داستان کوتاه است که در سه هزار نسخه به چاپ رسیده است.

مارگریت یورسنار (۱۹۸۷-۱۹۰۳)، اهل فرانسه است و نام اصلی وی «مارگریت کرایانکور» است. او یونان شناس برجسته‌ای بود و آثار متعددی را بر پایه فرهنگ یونان و روم باستان به وجود آورد. یورسنار، شاعر، داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس موفقی بود و در رمان مدرن نیز تبحر بسیاری داشت. آثار وی تاکنون به زبانهای مختلفی ترجمه شده و خانم ارجمند برای اولین بار آثار او را به فارسی برگردانده است.

متن اصلی «داستانهای شرقی» اولین بار در سال ۱۹۳۸ به چاپ رسید و سپس در سال ۱۹۹۰ بار دیگر چاپ شد. نویسنده در چاپ دوم کتاب تصحیحات بسیاری از نظر سبک انجام داده است. کتاب با شرح حال مختصری از نویسنده آغاز می‌شود و سپس مقدمه نویسنده بر چاپ دوم کتاب می‌آید. داستانهای کوتاه این کتاب به طور کلی ریشه در تمدن و افسانه‌های شرقی دارد و برخی از عناوین آنها عبارت است از: چگونگی وانگ، فونجات یافت، لبخند مارکو، شیر مرگ، آخرین عشق شاهزاده چنگیز، مردی که برپهای دریایی را دوست داشت، و...

وقتی پدر ظرف می شوید و

خود را در خانه و همچنین محل کار به نحو احسن انجام دهند و طبیعی است که احساس نگرانی می کنند، مگر اینکه ببینند مادرشان به خوبی از عهده وظایفش برمی آید.

شواهد نشان می دهد که وقتی مادری متکی به خود و قادر است، دختر نیز در مورد تواناییهای خود شناخت بیشتری می یابد. این گونه دختران، تمایل بیشتری به

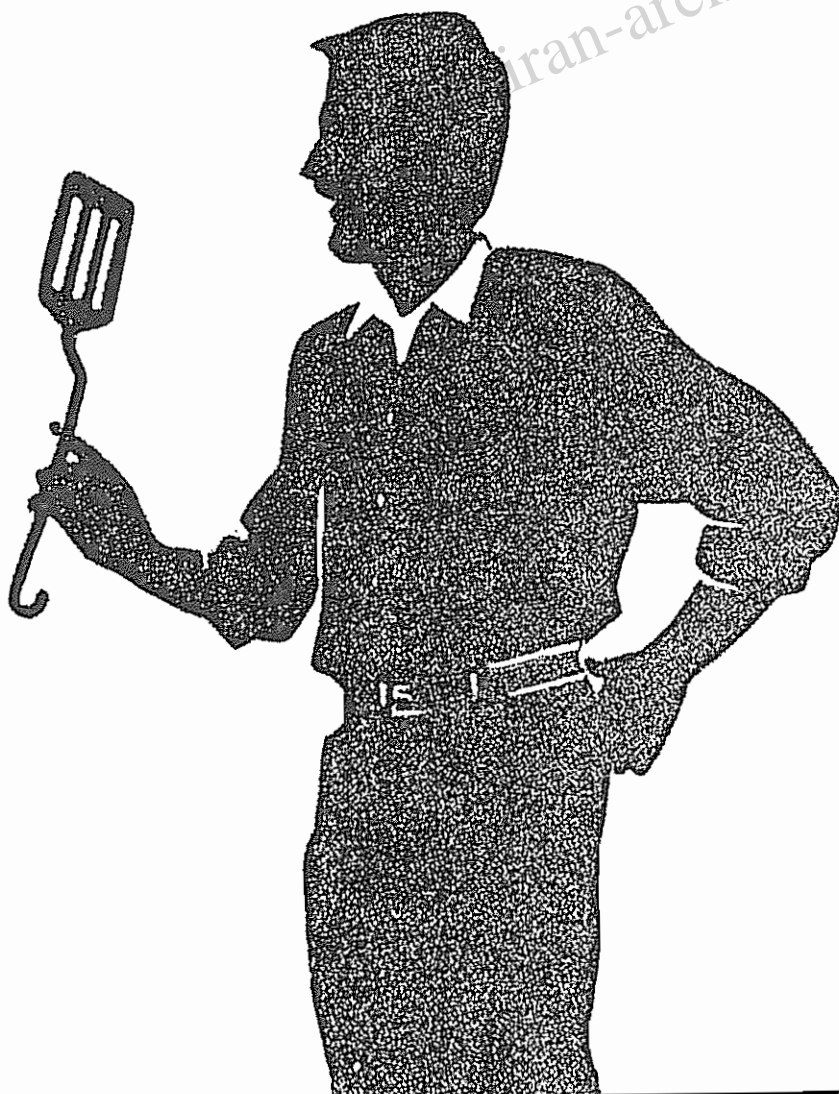
چقدر از آن لذت می برد. مادری که الگوی خوبی از یک زن شاغل ارائه می دهد به ویژه روی دختر بچه اش اثر مثبتی می گذارد. غالباً دیده می شود که بعضی دخترها در مورد تواناییهایشان درک نادرستی دارند و نمی توانند تصور مثبتی از آینده در ذهنشان پرورانند. آنها به درستی متوجه می شوند که امروزه نقش زنان بسیار پیچیده و دشوار است و از آنها انتظار می رود که وظایف

«هدی» آنوقتها که کوچکتر بود خیلی دوست داشت ادای روانشناسها را درآورد. روی صندلی من می نشست و من مریض او می شدم. من به او می گفتم: «من با دخترم این مشکل را دارم اما او به حرف من گوش نمی کند.» و او می گفت: «نه، من از این مشکل خوشم نمی آید. یک چیز دیگر بگو.» علاقه او به این بازی برای من که خودم روانشناس بودم چندان عجیب نبود. هدی فقط می خواست ادای آنچه را که می دید، درآورد. درست مثل وقتی که کفشهای مرا می پوشید و در اتاقهای رژه می رفت.

راستی تا حالا به کارهای بچه های مدرسه دقت کرده اید؟ طوری کیف مدرسه شان را از این دوش به آن دوش می اندازند انگار که چیزهای مهمی را حمل می کنند. آنها واقعاً چیز آنچنان مهمی ندارند که لازم باشد همراهشان ببرند ولی می خواهند کیفی شبیه پدر و مادرشان داشته باشند. وقتی از مدرسه برمی گردند، به جای آنکه بازیهای بچه گانه بکنند، ادای کارهای بزرگترها را درمی آورند. به عروسکشان می گویند: «من الان باید بروم سرکار. سعی کن وقتی من نیستم، بچه خوبی باشی!»

کارشناسان معتقدند مشاهده مادری که هر روز سر کار می رود، تأثیرات فراوانی بر دید کودک به جهان پیرامونش دارد. کودکان در مورد اینکه چطور مادر به سر کار می رود نتیجه گیریایی می کنند که دقیقاً حاصل شیوه برخورد و نحوه صحبت مادران در مورد کارشان است. ❧

پسر بچه ها و دختر بچه ها به نحوه فعالیت های مادرشان توجه زیادی دارند، آنها کاملاً حس می کنند که مادرشان چقدر به انجام وظایف شغلیش اهمیت می دهد یا



مادر پنچر گیری می کند...

تحصیل در مقاطع بالا نشان می‌دهند و در محیطهای کار نیز موفقیت‌های بیشتری کسب می‌کنند.

مشاهده مادری که بیرون از خانه کار می‌کند و پدری که در انجام امور خانه مشارکت می‌کند، به کودکان می‌آموزد که در زندگی آینده، انتخابهای فراوانی در پیش رو دارند. کودکی که مادر و پدرش هر دو شاغلند و مادر، شب شام می‌پزد و پدر برای او قصه می‌خواند تا بخوابد، کمتر احتمال دارد زندگی مشترکی را شروع کند که تمایزات جنسی بدان تحمیل می‌شود.

دکتر «لوتین هافمن»، روانپزشک دانشگاه میشیگان، برای بررسی تأثیر کار مادران شاغل بر کودکان، لیستی از مشاغل و فعالیت‌های گوناگون تهیه کرد و از تعدادی کودک پرسید: چه کسی می‌تواند این کارها را انجام دهد؟ کودکانی که مادران شاغل داشتند بیشتر از کودکان دیگر، زنان را در انجام فعالیت‌های گوناگون توانا می‌دیدند؛ آنهم نه فقط در مورد کارهای معمولی بلکه در انجام کارهایی مثل رانندگی کامیون یا کوهنوردی.

● احساس رضایت خود را منتقل کنید:

همیشه یادتان باشد که شما مهم‌ترین الگوی کودکان هستید و خیلی ساده می‌توانید دریابید که آنها چه چیزهایی را از شما فرا می‌گیرند. همه متفق‌القولند که عامل مهم در ارائه الگوی خوب این نیست که شما چه قدر درآمد دارید بلکه مهم این است که چه احساسی در مورد شغل‌تان دارید. اصل قضیه این است که آیا مادر از امکاناتی که فراهم آورده،

راضی هست یا نه. یک کارگر ساده با یک جراح مغز در این متغیرهای مهم همانند هم هستند. بچه‌ها درک چندانی از تفاوت‌های موقعیت‌های شغلی ندارند. اما مطمئناً می‌فهمند که آیا مادرشان احساس خوبی درباره شرایط زندگی‌اش دارد یا نه. هر چقدر که شما بیشتر درباره جنبه‌های مثبت شغلی‌تان با او حرف بزنید، تأثیر مطلوب‌تری روی او می‌گذارید. شما خیلی ساده می‌توانید برای او توضیح دهید که بیرون از خانه عده‌ای محتاج کار شما هستند و کار کردن یعنی «مفید واقع شدن». این مفهومی است که بچه به راحتی آن را درک می‌کند. حتی بد نیست اگر گاهی او را با خود به سر کارتان ببرید تا از نزدیک ببیند که شما کجا و چگونه کار می‌کنید. حتی یک لحظه هم به فکرتان خطور نکند که کودک شما به این که شما کجا می‌روید، چه می‌خورید و با چه کسانی معاشرت می‌کنید، توجهی ندارد. مشاهده آنچه که شما در طول روز در بیرون از خانه انجام می‌دهید به او دیدی واقعی از نقشی بجز «مادر بودن» شما می‌دهد و تصویر آینده خود را نیز روشن‌تر می‌بیند.

«کتی» خلبان هواپیماست، او در پرواز اخیرش، دختر هشت ساله‌اش را همراه خودش برده بود. او می‌گفت: «داری را با خودم بردم تا حداقل بفهمد که او هم توانایی‌های زیادی دارد و بعدها می‌تواند کارهای مورد علاقه‌اش را انتخاب کند. من حتی وقتی در درسهایش به او کمک می‌کنم، سعی می‌کنم ارتباط میان آنها و شغل‌های آینده‌اش را درک کند. مثلاً وقتی اشکالات ریاضی‌اش را رفع می‌کنم، برایش توضیح می‌دهم که خودم چگونه در کارم از قواعد ریاضی استفاده می‌کنم. این کار به او

کمک می‌کند تا بفهمد که ریاضی استفاده‌های بسیار ملموسی دارد.»

بچه‌هایی که محل کار پدر و مادرشان را دیده‌اند و مدت کوتاهی ناظر انجام کارهای آنها بوده‌اند، نظری واقع بینانه درباره چگونگی انجام هدفی مورد نظر به دست می‌آورند. آنها می‌فهمند که کارهای زیادی هست که باید انجام شود و اگر کسی بخواهد، فرصتهای زیادی هست که می‌تواند از آنها بهره‌گیرد و اینکه کارها با شعبده‌بازی انجام نمی‌شود.

استقلال، درس دیگری است که بچه‌ها می‌توانند از مشاهده مادری که در عمل فرد موفقی است، فرا بگیرند. آنها به شدت تحت تأثیر رفتار بزرگ‌ترها هستند. وقتی مادر صبح زود از خواب برمی‌خیزد و از خانه بیرون می‌رود تا به کارهای مردم برسد، کودک این پیام مهم را دریافت می‌کند که انگیزه‌ای برای زندگی داشتن و اتکالی به خود برای ادامه زندگی لازم است.

«پروت» تعریف می‌کرد که پسرش از همان ۱۳ سالگی هم بچه مقاومی بود، حتی در برابر فشارهای گروه هم سن و سال خودش. او می‌گفت: «چون من سر کار می‌رفتم، نمی‌توانستم صبحها او را به مدرسه برسانم و او خودش با اتوبوس به مدرسه می‌رفت. بچه‌های مدرسه گاهی سربه سرش می‌گذاشتند. ولی او خیلی راحت با این مسئله برخورد می‌کرد و می‌گفت که کار آنها مسخره است که عرضه ندارند خودشان تنهایی مدرسه بیایند!»

البته شاغل بودن مادر همیشه هم جالب و رضایت‌بخش نیست. ارائه الگوی خوب نیز به معنای پنهان کردن مشکلات زندگی و دشواریهای شغلی نیست. یادتان باشد که

➤ مشاهده مادری که خارج از خانه کار می‌کند و پدری که در انجام کارهای خانه مشارکت دارد، به کودکان می‌آموزد که انتخابهای فراوانی در زندگی پیش رو دارند.

➤ کودکی که مادرش شاغل است و پدرش هم شاغل است و هم شبها برای او قصه می‌خواند، کمتر احتمال دارد زندگی مشترکی را شروع کند که تمایزات جنسی بدان تحمیل شود.

➤ بچه‌هایی که محل کار پدر و مادرشان را دیده‌اند، نظری واقع بینانه دربارهٔ چگونگی انجام هدفی مورد نظر به دست می‌آورند.

حال بنچرگیری ماشین. همچنان که تعداد مادران شاغل هر روز افزایش می‌یابد، تعداد چنین کودکانی نیز رو به فزونی است. خوب است که کودک بیند وقتی پدر و مادر هر دو از راه می‌رسند، پدر نیز در تنظیم امور خانه با مادر سهیم می‌شود.

«جین» که وکیل دعاوی است، می‌گوید: «من فکر می‌کنم پسر که اغلب جارو زدن پدرش را تقلید می‌کند، با این تفکر رشد می‌کند که انجام همهٔ کارهای خانه فقط وظیفهٔ زن نیست و دختر هم می‌فهمد که باید با مردی وصلت کند که سهمی از کارهای خانه و مراقبت از کودک را به عهده بگیرد. آنها به راحتی درک می‌کنند که برای یک نفر دشوار است که همهٔ مسئولیتهای زندگی را به تنهایی به عهده گیرد.»

تجربهٔ جین، منحصر به فرد نیست. وقتی مادر و پدر وضع همدیگر را درک کنند و از زندگی‌شان رضایت داشته باشند، الگوهای مورد قبول فرزند خود می‌شوند. آمار نشان می‌دهد که دختران زنان شاغل، بسیار بیشتر از دختران دیگر، از مادرشان به عنوان الگوی مورد قبولشان یاد می‌کنند.

مادری می‌گفت روزی معلم از همهٔ مادران دعوت کرد که در جلسه‌ای شرکت کنند. بعد از خاتمهٔ بحث و گفتگوها، معلم از تک تک بچه می‌پرسد که «قهرمان» آنها کیست؟ او می‌گفت: «وقتی دختر ۱۳ ساله‌ام از من نام برد، من بهتره شدم. و وقتی دخترم گفت: «امان، من می‌دانم که تو خیلی کار می‌کنی، می‌دانم که برای ما چقدر زحمت می‌کنی. من دلم می‌خواهد مثل تو باشم، از شدت هیجان گُر گرفته بودم.»

احسن کنار بیاید. مثلاً اگر به زمان بیشتری احتیاج دارید که صرف محیط خانوادگی خود کنید، تلاش کنید برنامه‌ریزی بهتری برای کارهایتان بکنید یا اگر واقعاً شرایط کارتان نامساعد است به دنبال موقعیتهای بهتری بگردید اما همیشه به خاطر بسپارید که فعالیت شما در خارج از خانه فقط یک سوی قضیه است. بچه‌ها بنیاد مراقبتند که اوضاع در خانه چگونه می‌گذرد. گاهی اوقات آنچه کودک مشاهده می‌کند مادری است که به ستوه آمده. زن ممکن است از اینکه مسئولیت خانه بین او و همسرش به طور برابر تقسیم نشده است، عصبی و خسته باشد اما بچه نمی‌داند مشکل از کجا ناشی شده است. او اشتها قضاوت می‌کند که کار کردن زن در بیرون از خانه خوب نیست.

از سوی دیگر رفتار پدرها در خانه، به شدت روی بچه‌ها اثر می‌گذارد. بچه‌هایی که پدرشان در امور خانه با مادرشان همکاری می‌کنند، به ندرت حاضر می‌شوند در زندگی آیندهٔ خود نقش زنان یا مردان سنتی را ایفا کنند و پرایشان کاملاً طبیعی است که پدر را در حال ظرف شستن ببینند و مادر را در

هیچوقت نظر نادرستی را به کودکان منتقل نکنید. بعضی روزها آدم دلش نمی‌خواهد صبح زود بلند شود یا مشکل خاصی سر کار پیش آمده که مواجه شدن با آن ساده نیست. بچه‌ها این حالتها را کاملاً درک می‌کنند.

● در مورد مشکلات خود صحبت کنید:

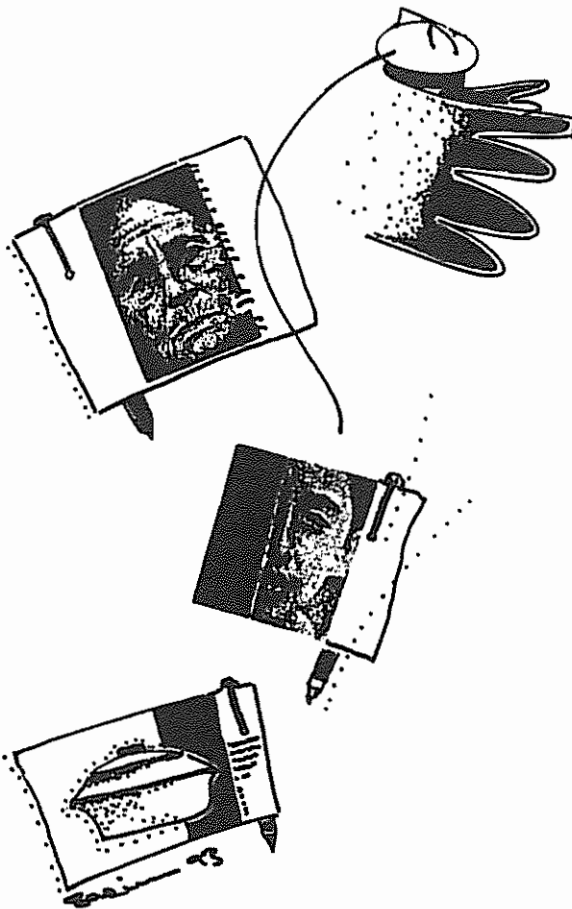
بچه‌ها می‌فهمند که شما چه وقت از کار خود واقعاً راضی نیستید و لزومی هم ندارد که شما مستقیماً این مسئله را به آنها بگویید. اگر شما غالباً عصبی باشید یا اگر مدام از کارتان شکایت کنید، آنها هم متقابلاً احساس خوش بینانه‌ای به آینده نخواهند داشت. طبیعی است که در این صورت کار کردن برای آنها فرصتی برای مفید واقع شدن و اتکای به خود نخواهد بود بلکه برعکس خسته کننده و ملال آور به نظر خواهد رسید. تحقیق بسیار جالبی در مورد دخترانی که نظراتی بسیار منفی دربارهٔ کار زنان دارند صورت گرفته است. طبق بررسیهای به عمل آمده، غالباً مادران آنها شغل‌های دشوار، نامطلوب و کم درآمد داشته‌اند. این دختران کار کردن را راهی برای برآوردن نیازها نمی‌دانند و مسلم است که برداشت آنها کاملاً به نحوهٔ زندگی مادرشان بستگی داشته است.

این حرف بدان معنا نیست که شما باید تظاهر کنید که از شغلتان راضی هستید، برعکس به بچه‌های خود نشان دهید که چیزهای ناخوشایند هم در زندگی وجود دارد ولی آدم می‌تواند در آنها تغییرات مثبتی به وجود آورد یا با مشکلات زندگی به نحو



فرشته خانه

ویرجینیا ولف
ترجمه علی خزاعی فر



«ویرجینیا ولف» (۱۹۴۱-۱۸۸۲) رمان‌نویس و منتقد شهیر انگلیسی است که بیشتر به دلیل ابداعات تجریش در ساختمان رمان از چهره‌های سرشناس و صاحب نفوذ ادبیات در قرن بیستم به شمار می‌آید. ولف چندین رمان و چندین مجموعه مقاله از خود به جا گذاشته است که تاکنون سه رمان مشهور او یعنی «خانم دالوی»، «خیزابها» و «به سوی فانوس دریایی» به فارسی ترجمه شده است. هر چند ولف توانست در نوشته‌های خویش بر بسیاری از موانع که باعث می‌شد نویسنده زن نتواند صادقانه احساس خود را بیان کند، غلبه پیدا کند اما معتقد بود که: «هنوز ارواح بسیاری است که باید با آنها مبارزه کرد و تبعیضات بسیاری است که باید بر آنها غلبه کرد.»

وقتی منشی‌تان از من دعوت کرد به اینجا بیایم، گفت که انجمن شما علاقمند به کاریابی برای زنان است و نیز توصیه کرد شمه‌ای از تجارب حرفه‌ای را برایتان بازگو کنم. من خود اگر چه زنم، به حرفه‌ای اشتغال دارم. شاید پرسید چه تجارب حرفه‌ای داشته‌ام. گفتنش مشکل است. حرفه من ادبیات است. در این حرفه نسبت به سایر حرفه‌ها، زنان امکان کمتری برای کسب تجربه دارند، منظوم تجربه‌ای است که خاص زنان باشد. سالها قبل زنانی در این راه گام نهادند: فانی برنی، افرابن، هاربت مارتینو، جین آستین، جرج الیوت. زنان سرشناس بسیاری - و بیشتر از آنها زنانی ناشناس و از یادرفته - بی‌از من این راه را طی کردند و آن را برای من هموار کردند و به حرکت گامهای من نظم دادند. بدین ترتیب وقتی شروع به نوشتن کردم، با موانع عمده چندانی روبه‌رو نشدم. نویسندگی، حرفه‌ای بی‌ضرر و نام‌آور است. خوش‌خوش قلم آرامش خانواده را بر هم نمی‌زند، به اقتصاد خانواده نیز لطمه نمی‌زند زیرا با ده شلینگ و شش پنی می‌توانید آنقدر کاغذ بخرید که تمام نمایشنامه‌های شکسپیر را بنویسید. البته اگر خیال دارید اینطوری نویسندگی کنید. نویسنده به پیانو، مدل، پاریس، وین، برلین، استاد و... نیاز ندارد. دلیل اینکه زنان قبل از کسب موفقیت در سایر حرفه‌ها در حرفه نویسندگی توفیق یافته‌اند، بدون شک ارزان بودن ابزار این حرفه است.

و اما داستان زندگی، داستان ساده‌ای است. کافیت دختری را در نظر بیاورید که قلم به دست در اطاق خوابش نشسته است. تنها کاری که باید بکند این است که قلم را از چپ به راست به حرکت دریاورد - از ساعت ده تا یک بعد از نیمه شب. بعد به ذهنش خطور می‌کند کاری بکند که نه دشوار است و نه خرج چندانی دارد: چند تا از آن کاغذها را داخل پاکتی می‌گذارد، تمبری یک پنی به گوشه پاکت می‌چسباند و پاکت را داخل صندوق قرمز رنگ سر چهارراه می‌اندازد. این طوری بود که روزنامه‌نگار شدم و روز اول ماه بعد - چه روز پرشکوهی بود - پاداش خود را دریافت کردم: نامه‌ای از

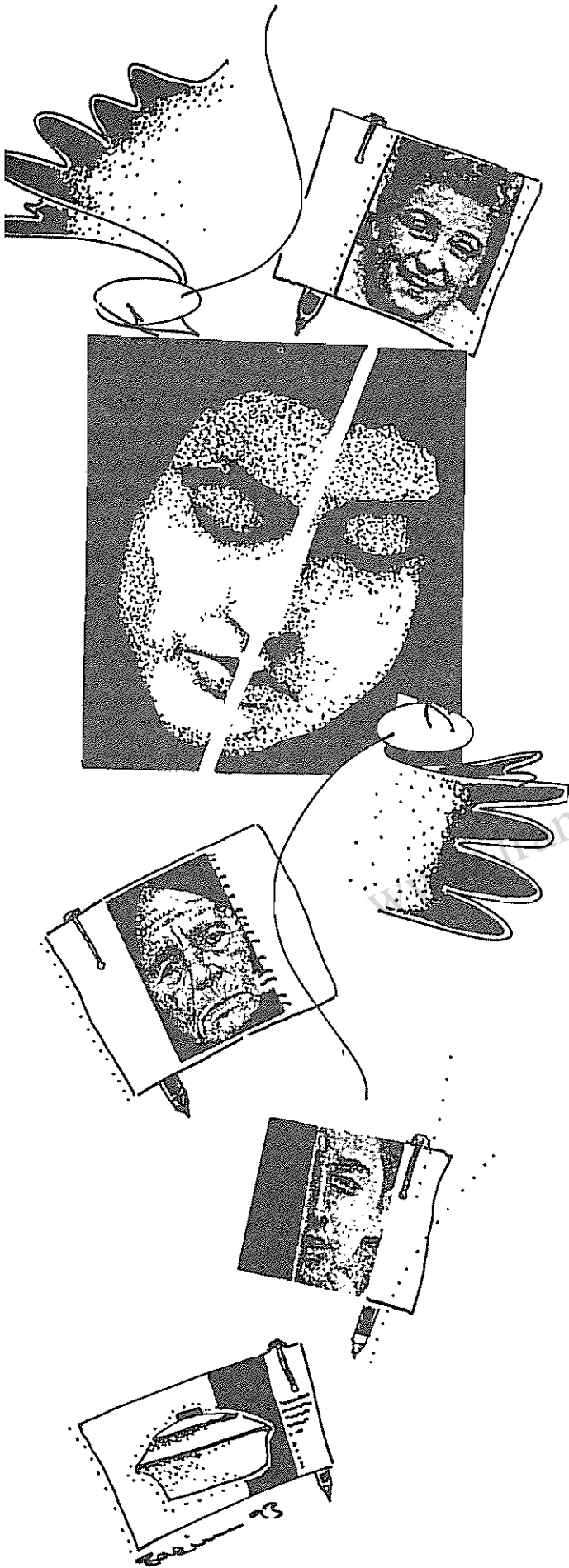
سردبیر مجله‌ای همراه با چکی به مبلغ یک پوند و ده شلینگ و شش پنی. برای اینکه بفهمید تا چه حد غیرحرفه‌ای هستم و با مشکلات و کشمکشهای زندگی حرفه‌ای بیگانم، کافیت اعتراف کنم به جای آنکه آن پول را صرف خرید نان و کره و کفش و جوراب و پرداخت اجاره‌خانه و طلب قصاب بکنم، به بازار رفته و یک گربه خریدم، گربه‌ای زیبا، گربه‌ای ایرانی که خیلی زود باعث دعوایی خاکی - خونی بین من و همسایگان شد.

از نوشتن مقاله و با درآمد آن گربه ایرانی خریدن، کاری ساده‌تر هم هست؟ البته موضوع به این سادگی هم نیست. هر مقاله الزماً درباره موضوعی است. مقاله من، که موضوع آن را هنوز به خاطر دارم، نقدی بود بر رمانی از نویسنده‌ای مشهور. وقتی به نوشتن این نقد مشغول بودم دریافتم اگر بخواهم نقد کتاب بنویسم باید با موجودی وهمی ستیز کنم. آن موجود زنی بود که چون او را بهتر شناختم، نام قهرمان شعری مشهور را بر او نهادم: فرشته خانه. او بود که هنگام نوشتن نقد، بین من و کاغذ قرار می‌گرفت. او بود که آسایش مرا بر هم می‌زد و وقتم را ضایع می‌کرد و چنان مرا عذاب می‌داد که بالاخره او را کشتم. شما که به نسلی جوانتر و شادتر تعلق دارید ممکن نیست چیزی درباره او شنیده باشید. ممکن نیست بدانید منظور من از فرشته خانه چیست. سعی. خیلی مختصر او را به شما بشناسانم. موجودی بود بسیار دلسوز، بسیار زیبا و بسیار متواضع. در کلیه هنرهای دشوار خانه‌داری سرآمد بود. هر روز فداکاری می‌کرد. اگر غذا مرغ بود، بال مرغ را می‌خورد. اگر از سوراخی باد می‌آمد، جلوی باد می‌نشست. خلاصه سرشت او چنان بود که هیچگاه به فکر خودش نبود و آرزویی در سر نداشت، بلکه همیشه ترجیح می‌داد با

افکار و آرزوهای دیگران همدردی کند. مهمتر از همه اینکه - هر چند نیازی به گفتن آن نیست - بسیار باعصمت بود. زیباترین صفت او را عصمت او می‌دانستند، از خجالت سرخ شدنش، وقارش. در آن روزها اواخر عهد ملکه ویکتوریا - هر خانه فرشته‌ای داشت. به محض اینکه شروع به نوشتن می‌کردم. در همان اولین کلمات بود که با او روبه‌رو می‌شدم.

سایهٔ بالهایش روی کاغذ می‌افتاد. صدای خش‌خش دامنش را در اطاق می‌شنیدم. قلم به دست می‌گرفتم و بی‌محابا شروع می‌کردم به نوشتن نقلی بر رمان مردی مشهور، که آرام به پشت سرم می‌خزید و نجواکنان می‌گفت: «عزیز من، تو زن جوانی هستی. کتابی را نقد می‌کنی که مردی آن را نوشته است. سعی کن درکش کنی. رئوف باش. از او تعریف کن، گولش بزن. از همهٔ هنرها و کلکهای زنانه استفاده کن. هیچوقت اجازه نده کسی بفهمد که تو از خودت فکری داری. از همه مهمتر، عصمت خود را از دست مده.» دستش را جلو می‌آورد، انگار می‌خواست قلم را هدایت کند. من با نوشتن نقد در حال انجام تنها کاری بودم که افتخار آن را تا حدی مدیون تلاش خودم می‌دانم، هر چند که در واقع باید مدیون اجداد بزرگوام باشم که ثروتی برایم به ارث گذاشتند - سالانه مبلغی حدود ۵۰۰ پوند - به طوری که دیگر مجبور نیستم برای گذران زندگی تنها به زیبایی متکی باشم. رویم را به طرف او برمی‌گرداندم و گلویش را می‌گرفتم سعی می‌کردم خفه‌اش کنم. اگر قرار بود در دادگاهی محاکمه بشوم، دلیل کشتن او را دفاع از خود اعلام می‌کردم. اگر من او را نکشته بودم، او مرا می‌کشت و قلب نوشته‌هایم را می‌درید. بی‌درنگ قلم بر کاغذ می‌نهادم، چون دریافته بودم اگر از خودت فکر نداشته باشی و نظرت را دربارهٔ حقیقت روابط انسانی، اخلاقیات و جنسیت بر زبان نیآوری نمی‌توانی حتی رمانی را نقد کنی. فرشتهٔ خانه معتقد بود زن نباید دربارهٔ این مسائل، علنی و صریح اظهار نظر کند. از نظر او کار زن افسونگری و آرام کردن مرد است؛ زن اگر می‌خواهد موفق بشود، باید - بی‌رودریاستی - دروغ بگوید. از این رو بود که هر وقت سایهٔ بالش یا پرتویی از آن هالهٔ نوری که وجودش را در برگرفته بر کاغذ می‌افتاد دوات را برمی‌داشتم و به طرفش پرتاب می‌کردم. بسیار جان سخت بود. ماهیت غیرواقعیش کمک بزرگی به او بود. کشتن یک شیخ بسیار دشوارتر از کشتن یک موجود واقعی است. وقتی فکر می‌کردم دیگر از شرش خلاص شده‌ام، دوباره به نرمی برمی‌گشت. به خود می‌بالم که بالاخره او را کشتم اما مبارزهٔ سختی بود. وقتی را که در این کار تلف کردم می‌توانستم صرف یادگیری دستور زبان یونانی بکنم یا در پی ماجرا، دور دنیا بگردم. اما تجربه‌ای واقعی کسب کردم، تجربه‌ای که همهٔ زنان نویسندهٔ آن دوره اجباراً به دست می‌آوردند. کشتن فرشتهٔ خانه جزو کار زنان نویسنده بود.

و اما ادامهٔ داستانم، فرشتهٔ مرد. با مرگ او چه باقی ماند؟ ممکن است بگویند آنچه باقی ماند، شیئی بود ساده و معمولی - زنی جوان با یک دوات در اطاق خواب. اما زن جوان، حال که خود را از دروغ رها نکرده بود، می‌توانست خودش باشد. اما «خود»ش چیست؟ منظورم این است که ماهیت زن چیست؟ به شما اطمینان می‌دهم که من نمی‌دانم. فکر نمی‌کنم شما نیز بدانید. باور نمی‌کنم هیچ زنی تا زمانی که خود را در تمامی هنرها و حرفه‌هایی که در محدودهٔ توان انسانی است منعکس نکند، بتواند پاسخ این سؤال را دریابد. راستش را بخواهید، یکی از دلایلی که به اینجا آمده‌ام دانستن پاسخ این



سؤال است. برای شما احترام قائم، شما که می‌خواهید به کمک تجاربتان به ما نشان بدهید که زن چیست، و می‌خواهید به مدد شکستها و موفقیت‌هایتان اطلاعاتی بی‌نهایت مهم در اختیار ما بگذارید.

دربارهٔ تجارب حرفه‌ایم می‌گفتم. از اولین نقدی که نوشتم، یک پوند و ده شلینگ و شش پنی گرم آمد و با این پول یک گربهٔ ایرانی خریدم. بعد جاه‌طلبی در من راه یافت. با خود گفتم: «گربهٔ ایرانی پادشاه خوبی است، اما ارضاکنده نیست. من باید صاحب اتومبیلی بشوم.» این طوری بود که رمان‌نویس شدم. عجیب نیست؟ اگر برای مردم قصه بگویم، به تو اتومبیل می‌دهند. عجیبتر آنکه در دنیا کاری لذت‌بخش‌تر از قصه‌گویی نیست. از نوشتن نقد بر رمانهای مشهور بسیار لذت‌بخش‌تر است. بگذریم، اگر قرار باشد به توصیهٔ منشی‌تان از تجارب حرفه‌ایم در شغل رمان‌نویسی برایتان صحبت کنم، باید ماجرای عجیبی را نقل کنم که برای خود من اتفاق افتاده است. برای اینکه درک درستی از این ماجرا داشته باشید باید ابتدا حالت روحی رمان‌نویس را پیش خودتان تصور کنید. آرزوی بزرگ رمان‌نویس این است که تا حد امکان در حالت بی‌خبری به سر ببرد. امیدوارم با گفتن این حرف اسرار حرفه‌ام را بر ملا نکرده باشم. رمان‌نویس مجبور است رختی دائمی در خود ایجاد کند. دوست دارد در مدتی که به نوشتن مشغول است زندگی در نهایت آرامش و نظم جریان داشته باشد. هر روز و هر ماه چهره‌های همیشگی را ببیند، کتابهایی همیشگی را بخواند و کارهای همیشگی را انجام بدهد، به طوری که هیچ چیز، توهمی را که او در آن به سر می‌برد زایل نکند و هیچ چیز آرامش تخیل را بر هم نزند و هیچ چیز مانع او نگردد، راه جسته‌ها، جهشها و تهاجمهای موجود بسیار خجالتی و گریزنده نشود. گمان نمی‌کنم این حالت برای زن و مرد یکسان باشد. در هر حال، مرا در حالی که در خود فرو رفته‌ام و به نوشتن رمانی مشغولم، پیش خود تصور کنید. دختری را تجسم کنید که لحظه‌های متمادی، بلکه ساعتها، قلم به دست نشسته، بی‌آنکه قلم را در دوات فرو برده باشد. وقتی به این دختر می‌اندیشم، تصویر ماهیگیری در نظرم می‌آید که در کنار دریاچه‌ای عمیق در حالی که چوب ماهیگیری را رو به آب در دست گرفته در رویا فرو رفته است. تخیلات دختر افسار گسیخته، چهار گوشهٔ عالم را که در عمق وجود ناخودآگاه ما مدفون است در می‌نوردد تا آنکه آن حادثه رخ می‌دهد، حادثه‌ای که گمان می‌کنم بیشتر برای زنان پیش می‌آید تا برای مردان. چوب ماهیگیری از میان انگشتان دختر به شدت به پایین کشیده می‌شود. تخیلش از برکه‌ها، اعماق آنها و زوایای تاریکی که بزرگترین ماهیها در آنجا به خواب می‌روند در می‌گذرد تا ناگهان صدایی مهیب به گوش می‌رسد. صدای انفجار و بعد کف است و آشفتنگی. تخیل دختر به مانعی سخت برخورد کرده است. دختر از رویا بیرون می‌آید. در پریشان حالی سختی گرفتار آمده است. به زبان ساده و بی‌تصویر بگویم، دختر به چیزی اندیشیده است، به احساساتی که زنان مصلحت نیست بر زبان آورند. عقلش به او می‌گوید که مردان متحیر خواهند شد. آگاه است که مردان دربارهٔ زنی که با صداقت از احساسات خویش سخن می‌گوید چه فکر می‌کنند و این او را از دنیای ناخودآگاه خلاقه‌اش به در می‌آورد. دیگر نمی‌تواند بنویسد. رویایش به پایان می‌رسد و تخیلش از حرکت باز می‌ماند. گمان می‌کنم عموم زنان نویسنده به چنین تجربه‌ای می‌رسند. سنت‌گرایی افراطی مردان مانعی است برای زنان. هر چند مردان در این زمینه خود را به طور معتدلی کاملاً آزاد احساس

می‌کنند، بعید می‌دانم از سختگیری افراط‌آمیز خود در محکوم کردن این آزادی در زنان آگاه باشند یا اینکه بتوانند بر آن غلبه کنند.

اینها دو تجربهٔ واقعی خود من بودند، دو تا از ماجراهای زندگی حرفه‌ایم. مشکل اول - یعنی کشتن فرشتهٔ خانه را - فکر می‌کنم حل کردم. اما برای مشکل دوم، یعنی صادقانه سخن گفتن دربارهٔ تجارب شخصی‌ام، بعید می‌دانم راه‌حلی پیدا کرده باشم. شک دارم هیچ زنی نیز تاکنون این مشکل را حل کرده باشد. هنوز موانع دشواری پیش پای زنان قرار دارد. سخن گفتن دربارهٔ این موانع نیز چندان ساده نیست. در ظاهر، کاری آسانتر از نوشتن کتاب نیست. در ظاهر، هر مانعی که بر سر راه زنان قرار دارد، بر سر راه مردان نیز هست. اما واقعیت چیز دیگریست. زن هنوز با اشباح بسیاری باید دست و پنجه نرم کند و بر تعصبات بسیاری باید فایز آید. هنوز خیلی مانده است تا زمانی که زن بتواند بی‌آنکه مجبور باشد شبی را بکشد یا سنگی به سوی او پرتاب کند، با فراغت خاطر بنشیند و کتاب بنویسد. اگر در آزادترین حرفه برای زنان یعنی ادبیات - وضع بر این منوال است، در مشاغل جدیدی که شما اکنون برای اولین بار بر روی زنان می‌کشاید خدا می‌داند وضع چگونه است.

اینها سؤالاتی است که میل دارم اگر فرصتی پیش آید از شما بپرسم. اگر در نقل تجارب حرفه‌ایم اصرار داشتم به این خاطر بود که گمان می‌کنم این تجارب، هر چند به صورتهای دیگر، تجارب شما نیز هستند. درست است که لفظاً راه بر زنان باز است و هیچ چیز نمی‌تواند مانع از دکتر شدن، وکیل شدن یا کارمند شدن زنان بشود، ولی به اعتقاد من هنوز موانع و توهمات بسیاری در مسیر زنان وجود دارد. به گمان من شناخت این موانع و بحث دربارهٔ آنها اهمیت بسیار دارد زیرا تنها در این صورت است که می‌توان در رنج زنان سهیم بود و مشکلاتشان را حل کرد. اما علاوه بر این، لازم است دربارهٔ اهدافی که به خاطر آن مبارزه می‌کنیم و در راه رسیدن به آنها با چنین موانع عظیمی دست و پنجه نرم می‌کنیم بحث کنیم. نباید صحت این اهداف را بدیهی تصور کرد. باید مدام آنها را بررسی و بازنگری کنیم. برای اولین بار در تاریخ است که جمعیت کثیری از زنان که به مشاغل مختلف و متعددی اشتغال دارند در یکجا گرد هم آمده‌اند. به نظر من، این گردهم‌آیی بسیار حائز اهمیت است. شما اکنون در خانه‌هایتان اطاقهای مخصوص به خود دارید. حال آنکه در گذشته تنها مردان از این حق برخوردار بودند. شما اکنون قادرید ولو با کار و رنج بسیار، اجاره خانه بپردازید. شما اکنون پانصد پوند در سال درآمد دارید. اما با این آزادی هنوز در آغاز راهیم. اطاق دارید، اما اطاقتان چاردیواری بیش نیست. باید برای آن اثاثیه تهیه کنید. باید آن را تربین کنید. باید شریکی برای زندگی در آن اطاق پیدا کنید.

از کجا اثاثیه می‌آورید؟ چگونه می‌خواهید اطاق را تزئین کنید؟ چه کسی را، تحت چه شرایطی می‌خواهید به عنوان شریک زندگیتان برگزینید؟ اینها مهمترین سؤالاتی است که برای زنان مطرح است. برای اولین بار در تاریخ، زنان این فرصت را یافته‌اند که این سؤالات را مطرح کنند. برای اولین بار زنان قادرند خود به این سؤالات پاسخ بدهند. بسیار میل دارم در اینجا بمانم و دربارهٔ این سؤالات و جوابها با شما گفتگو کنم، اما امشب نمی‌توانم، چون وقت تمام شده و باید به صحبت خاتمه بدهم.

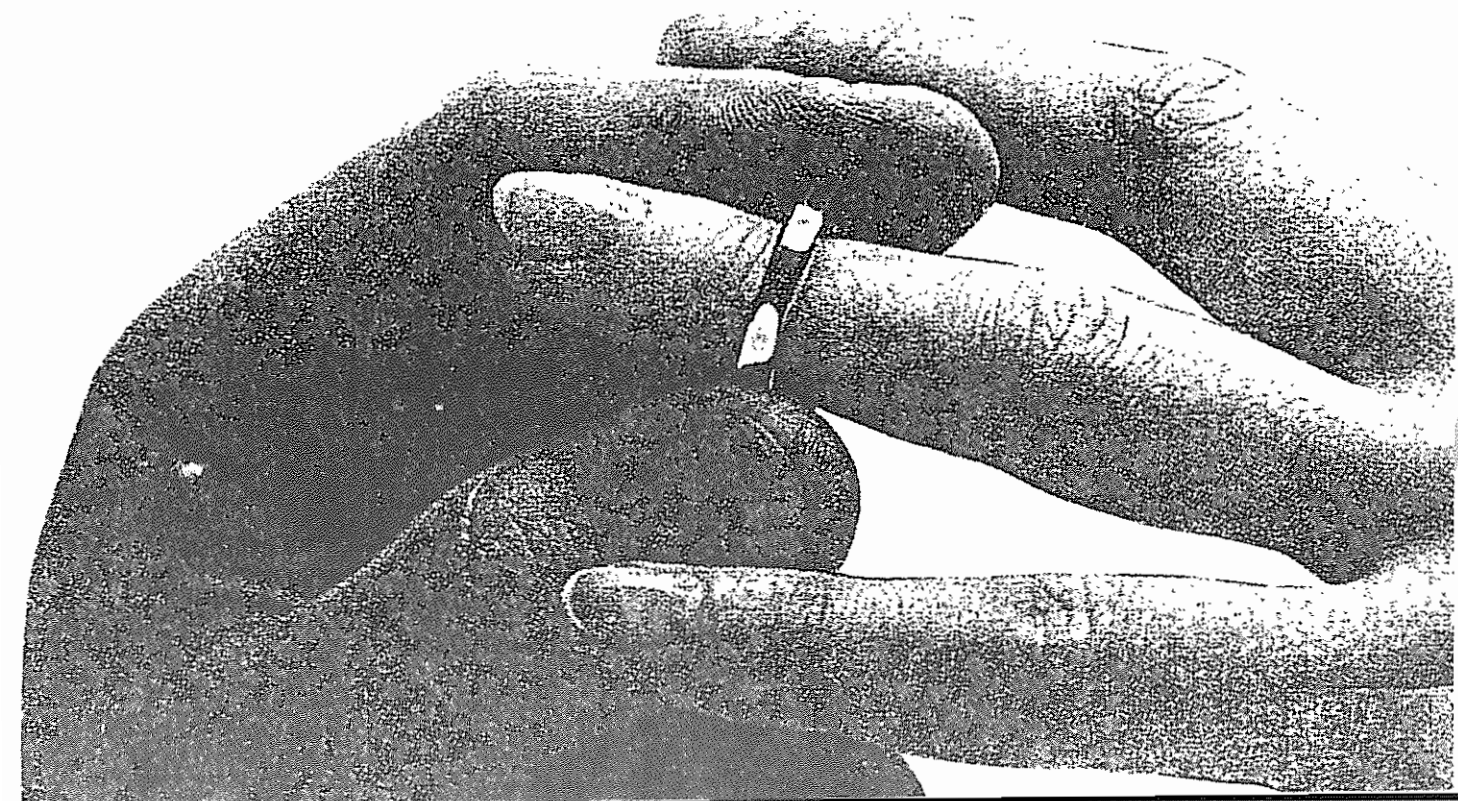
۹۹ ازدواج در کنار تولد و مرگ یکی از سه حادثه مهم زندگی آدمی است. تولد بدون اطلاع و اراده مولود اتفاق می‌افتد، مرگ هم تا حدود زیادی خارج از کنترل اوست ولی ازدواج در میان این سه، تنها حادثه‌ای است که امکان انتخاب در آن وجود دارد. انسانها می‌توانند تصمیم بگیرند که با چه کسی و چه موقع ازدواج کنند. اما این تصمیم‌گیری در خلاء صورت نمی‌گیرد بلکه در زمینه و بستری اجتماعی تحقق می‌یابد. به طوری که وقوع کوچکترین تحولی در رفتار زناشویی را - فی‌المثل وقوع تحولی در سن ازدواج - تنها با توجه به تداخل و تعامل سایر عوامل اجتماعی می‌توان تجزیه و تحلیل کرد. تحولات اقتصادی و اجتماعی بر مناسبات خانوادگی و زن و شوهری تأثیر می‌گذارند و برعکس تحولی همچون تغییر سن ازدواج نیز اثرات و پیامدهای متعدد و مهمی را هم برای فرد و هم جامعه به دنبال دارد. در شماره‌های پیشین یعنی در مباحث مربوط به تئوریهای همسرگزینی معلوم شد که چه کسی با چه کسی و چگونه ازدواج می‌کند. اینک می‌خواهیم بدانیم افراد چه موقع ازدواج می‌کنند و چرا؟ به عبارت دیگر چه عواملی در تعیین سن ازدواج جوانان مؤثرند و آثار پیامدهای مختلف این تعیین‌کنندگی کدامند؟

● آمادگی برای ازدواج:

سن از دیدگاه زیست‌شناسی، شاخص بلوغ و معرف مدت زمان ساز و کار بدن است. از دیدگاه رشد اندامی، سن نشان‌دهنده مراحل متعدد بلوغ فرد است، هر چند رشد فیزیولوژیک در بسیاری از موارد از هنجارهای تقویمی تبعیت نمی‌کند. از منظر اقتصاد، سن از آن رو اهمیت می‌یابد که نقش فرد را به عنوان مصرف‌کننده و یا مولد کالاها و خدمات و نیز جایگاه وی را به عنوان عضو مستقل و یا سربار گروه تعیین می‌کند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، سن از آن جهت مهم است که تعیین‌کننده نقشی است که فرد در گروههای اجتماعی ایفا می‌کند. یکی از این نقشها، نقش بزرگسالی است که لازمه وقوع عمل اجتماعی ازدواج تلقی می‌شود و جامعه بر طبق تعریف فرهنگی خود، این نقش را به نوجوان اعطا می‌کند. در اکثر جوامع ابتدایی، انتقال از یک مرحله از زندگی به مرحله‌ای دیگر با تشریفات و مراسم ویژه‌ای همراه بود. هرگاه ورود به مرحله جدید، مسئولیتهای سنگینتری را بر دوش نوجوان می‌نهاد «مراسم گذر» با جدیت خاصی بر تحول در حال وقوع تأکید می‌گذاشت. شایعترین مراسم ورود به مرحله جدید، شعایر مربوط به بلوغ برای پسران نوجوان بود که در طی آن به نوجوان نقش

بزرگسالی داده می‌شد، نقشی که بقای اقتصادی و نظامی جامعه بدان وابسته بود. در آن جوامع وقتی کودک از نظر تغییرات جسمانی کامل می‌شد و توانایی تولید مثل را پیدا می‌کرد، طی مراسم خاصی به جمع بزرگسالان می‌پیوست و از او انتظار می‌رفت که همچون یک فرد بزرگسال رفتار کند. نوجوانان به راحتی به عضویت جامعه بزرگسالان در می‌آمدند و کار متناسبی می‌یافتند به طوری که به هیچ‌وجه با مشکلاتی که جوانان امروزی با آن دست به گریبانند مواجه نبودند. در واقع در این جوامع، مرحله‌ای تحت عنوان جوانی وجود نداشت. اگر در نزد اقوام ابتدایی، بلوغ فیزیکی تنها جواز ورود به دنیای بزرگسالی و تشکیل خانواده جدید محسوب می‌شد اما امروزه از لزوم رسیدن به بلوغهای دیگری نیز جهت اجراز صلاحیت و شایستگی ازدواج سخن به میان می‌آید. مطالعات و تحقیقات به عمل آمده توسط دانشمندان نشان می‌دهد که پدیده بلوغ منحصر به بلوغ فیزیکی (جنسی) نیست بلکه تلفیقی است از سایر انواع بلوغ که احراز آنها، فرد را آماده ازدواج می‌سازد. بنابراین بلوغ از پنج مؤلفه تشکیل شده است: بلوغ فیزیکی، عاطفی، ذهنی، اجتماعی و اقتصادی.

۱ - بلوغ فیزیکی (جنسی):
فرآیند بلوغ یکی از بحرانیترین دوره‌های



زندگی هر فرد است. «استانلی هال» که به پدر روانشناسی بلوغ معروف است، این مرحله را دوران طوفان و فشار می‌نامد. «روسو» دوره بلوغ را تولد مجدد می‌داند، وقتی فرد به دوره بلوغ می‌رسد مثل این است که فرد دیگری با خصوصیات بدنی و روانی متفاوتی در وی به وجود می‌آید. نوجوانی با تغییرات بیولوژیکی آغاز می‌شود. این تغییرات در دختران در سن ۱۲ تا ۱۳ سالگی و در پسران از ۱۱ تا ۱۳ سالگی بروز می‌کند. قد، وزن و به طور کلی رشد سریع جسمانی در این دوره، تحت تأثیر هورمونهای غده درون‌ریز، مخصوصاً غده هیپوفیز قرار دارد. ترشح هورمونهای غده هیپوفیز و سایر غده مانند غده فوق کلیوی، غده تیروئید و غده جنسی را فعال می‌کند. رشد بدنی سه‌ناچهار سال طول می‌کشد که اوج آن در پسران ۱۲ سالگی و در دختران ۱۲ سالگی است. طی این دوره ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر بر قد و ۲۰ تا ۲۵ کیلوگرم بر وزن نوجوان اضافه می‌شود. عملکرد غده جنسی نه تنها باعث تغییراتی در ظاهر جسم بلکه باعث تغییراتی در ساختمان شخصیتی و روانی نوجوان نیز می‌شود.

۱- ۲- بلوغ عاطفی:

بلوغ عاطفی مفهومی هنجاری در روانشناسی رشد است که به معنی گذر از

بیچارگی و بی‌دفاعی دوره طفولیت، خروج از سادگی کودکان و عبور از طغیان دوره نوجوانی و رسیدن به بزرگالی است. بحرانهای مختلف زندگی، فرصتی است برای محک زدن بلوغ عاطفی افراد. یک فرد بالغ در مواجهه با ناکامیها، بیشترین سعی خود را صرف فایز آمدن بر موانع و مشکلات و یا پذیرش منطقی امور اجتناب‌ناپذیر می‌کند، در حالی که برای یک فرد نابالغ، ناکامی فرصتی است برای ابراز غیظ. وی در شرایطی که خود را بریز از خشم و غضب، آزرده‌گی و یا شکست احساس می‌کند، حملات کور خود را متوجه نزدیکترین هدف در دسترس کرده و آنها را مقصر می‌داند و یا برعکس با خلوت‌گزینی و دل‌سوزاندن به حال خویشتن، سعی می‌کند از مسئله و مشکل پیش آمده فرار کند.

شخص بالغ قادر به ایجاد و حفظ روابط و مناسبات شخصی با دیگران است. کودکان فاقد این تواناییند. آنها به هر کسی که نیازهایشان را برآورده سازد متکی می‌شوند بدون اینکه قادر به انجام خدمت متقابلی باشند. از طرف دیگر نوجوانان بسیار مشتاقند که در روابط خود با دیگران، استقلالشان را حفظ کنند در حالی که بلوغ عاطفی متضمن دانستن عاطفی است. چیزی که هم کودکان و هم نوجوانان فاقد آنند. ویژگی دیگر بلوغ عاطفی توانایی درک

احساس دیگران یا همدلی است. افراد نابالغ آنچنان غرق در نیازهای خود هستند که نمی‌توانند بفهمند دیگران چه احساسی دارند. بچه‌ها موجوداتی خودمحورند و سالها طول می‌کشد تا یاد بگیرند که احساس دیگران را نیز به رسمیت بشناسند. فراتر از به رسمیت شناختن نیازهای دیگران، پذیرش مسئولیت برآوردن آن نیازهاست. شخص نابالغ شاید بتواند برای لحظاتی کوتاه و گذرا دگر دوست باشد اما وی همیشه از قبول تعهدات بلندمدتی که سخل و مزاحم علایق متلون و متغیرش باشد گریزان است. ازدواج و تشکیل خانواده، به معنی پذیرش این مسئولیت مادام‌العمر و قبول تأمین نیازهای شریک زندگی است.

بلوغ عاطفی برای موفقیت در همه مناسبات و روابط انسانی، امری لازم و ضروری است اما ازدواج در این میان بیشترین نیاز را به این بلوغ دارد. خانواده امروزی بیش از گذشته بر قابلیتها و استعدادهای عاطفی - روانی زوجین متکی است. موفقیت زناشویی در خانواده‌های گذشته کمتر متکی بر شخصیت طرفین ازدواج بود ولی امروزه ازدواج دیگر یک ضرورت اقتصادی نیست. موفقیت در ازدواج منوط به توانایی هر یک از زوجین در وقف کردن وجود خود برای دیگری است.

افراد در چه سنی ازدواج می‌کنند؟

محمود شهابی

تحوالات ساختاری ایران در چند دهه اخیر، سبب شده تا بین بلوغ اقتصادی مردان از یک طرف و بلوغ جنسی و عاطفی آنها از طرف دیگر نوعی ناهمزمانی پدید آید.

➤ به نظر می‌رسد احتمال از هم پاشیدن ازدواج‌های زمان جنگ بیش از ازدواج‌های قبل یا بعد از جنگ است. طبق مطالعات جامعه‌شناختی در بسیاری کشورها بین افزایش بی‌وفاییها و خیانت‌های زناشویی و افزایش طلاق از یک سو و پایین بودن سن ازدواج از سوی دیگر همبستگی وجود دارد.

۳-۱- بلوغ ذهنی:

روانشناسان معتقدند که ذهن انسان تا قبل از ۱۵ سالگی به بلوغ خود نمی‌رسد. به زعم آنها بلوغ ذهنی از چند مؤلفه تشکیل شده است:

- ۱- مشاهده اشیا و پی بردن به روابط بین آنها
- ۲- قدرت حافظه
- ۳- قدرت تخیل (توانایی فرض و استنتاج)
- ۴- قدرت استنباط و قیاس
- ۵- قدرت تمرکز و توجه

شکی نیست که کودکان حدی از قابلیت‌های فوق‌الذکر را واجدند اما فرد بالغ همه این قابلیت‌ها را به طور کاملتر و موزونتری دارد. البته در مواردی ممکن است رشد ذهنی با سن تقویمی و سن فیزیکی انطباق نداشته باشد بدین معنی که فردی ممکن است به لحاظ سن تقویمی بزرگسال محسوب شود و به لحاظ سن فیزیکی دارای تمامی مشخصات فیزیکی بلوغ باشد اما جهازات عقلی و بهره هوشی وی بسیار پایین و در حد یک کودک باشد روان‌شناسان به چنین وضعیتی «عقب‌ماندگی ذهنی» می‌گویند. ورود به عرصه ازدواج، ذهنیتی پخته و بالغ را می‌طلبد. مشکلات و موانعی را که در جامعه مدرن و پیچیده امروزی بر سر راه حیات خانوادگی قرار می‌گیرد جز با ذهنی پخته و بالغ نمی‌توان از میان برداشت.

۴-۱- بلوغ اجتماعی:

بلوغ اجتماعی بدین معنی است که فرد بتواند با اتکا به خود و بدون استمداد از دیگران از عهده انجام کارهای خود در موقعیتها و وضعیتهای اجتماعی برآید. به طوری که وی احتیاجی نداشته باشد به اینکه مثلاً کسی او را اول صبح برای رفتن به سر کار به زور از خواب بیدار کند یا حمام کردن را به وی یادآور شود یا تمیز کردن لباس، به جای آوردن عبادات شخصی و بسیاری از مسئولیت‌های دیگر را به وی تذکر دهد. نوجوان باید یاد بگیرد که چه موقع، چگونه و چند ساعت از شبانه روز را به کار و استراحت اختصاص دهد. وی باید بتواند

● سن ازدواج

تا بدین‌جا از آمادگیهای لازم جهت ازدواج و تشکیل خانواده سخن گفتیم. حال این سؤال مطرح می‌شود که بهترین و مناسبترین سن برای ازدواج زنان و مردان چه سنی است؟ از مرور بحثهای سابق الذکر در خصوص انواع بلوغ، این نکته کاملاً روشن می‌شود که هیچ سن تقویمی تثبیت شده‌ای را نمی‌توان به عنوان مناسبترین سن برای ازدواج معرفی نمود. اما اگر تمامی جنبه‌های بلوغ را مد نظر داشته باشیم شاید بتوان گفت شمار کسانی که در سنین کمتر از ۲۰ سالگی از بلوغ کافی و همه جانبه‌ای جهت ازدواج برخوردار می‌شوند بسیار کم است.

قانون مدنی ایران (مصوب قبل از انقلاب) سن ازدواج را برای زنان ۱۵ سال تمام و برای مردان ۱۸ سال کامل تعیین کرده بود و جز در موارد استثنایی (رجوع شود به ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی سابق) ازدواج در سنین پایینتر ممنوع بود. البته بین قانون و واقعیت (عرف) فاصله‌هایی هم وجود داشت. متن قانون در تمامی نقاط کشور دقیقاً رعایت نمی‌شود به طوری که ازدواج زودرس به دلیل فقدان منع شرعی و عرفی در جوامع ایلی و روستایی و گاه شهرهای کوچک ایران مکرر به چشم می‌خورد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سن بلوغ (سن قانونی ازدواج) برای زن و مرد به ترتیب نه و ۱۵ سال قمری تعیین گردید.

در بسیاری از جوامع، از گذشته‌های دور تا به حال، معمولاً در کنار هنجار سنی ازدواج، انحراف از هنجار نیز مشاهده شده است به طوری که سه نوع ازدواج از نظر زمانی قابل تشخیص بوده‌اند:

ازدواج پیش از بلوغ (کودک همسری)

ازدواج زودرس

ازدواج دیررس

۱- ازدواج پیش از بلوغ (کودک همسری):

در گذشته نسبتاً دور دختران را بلافاصله پس از اولین قاعدگی به خانه شوهر

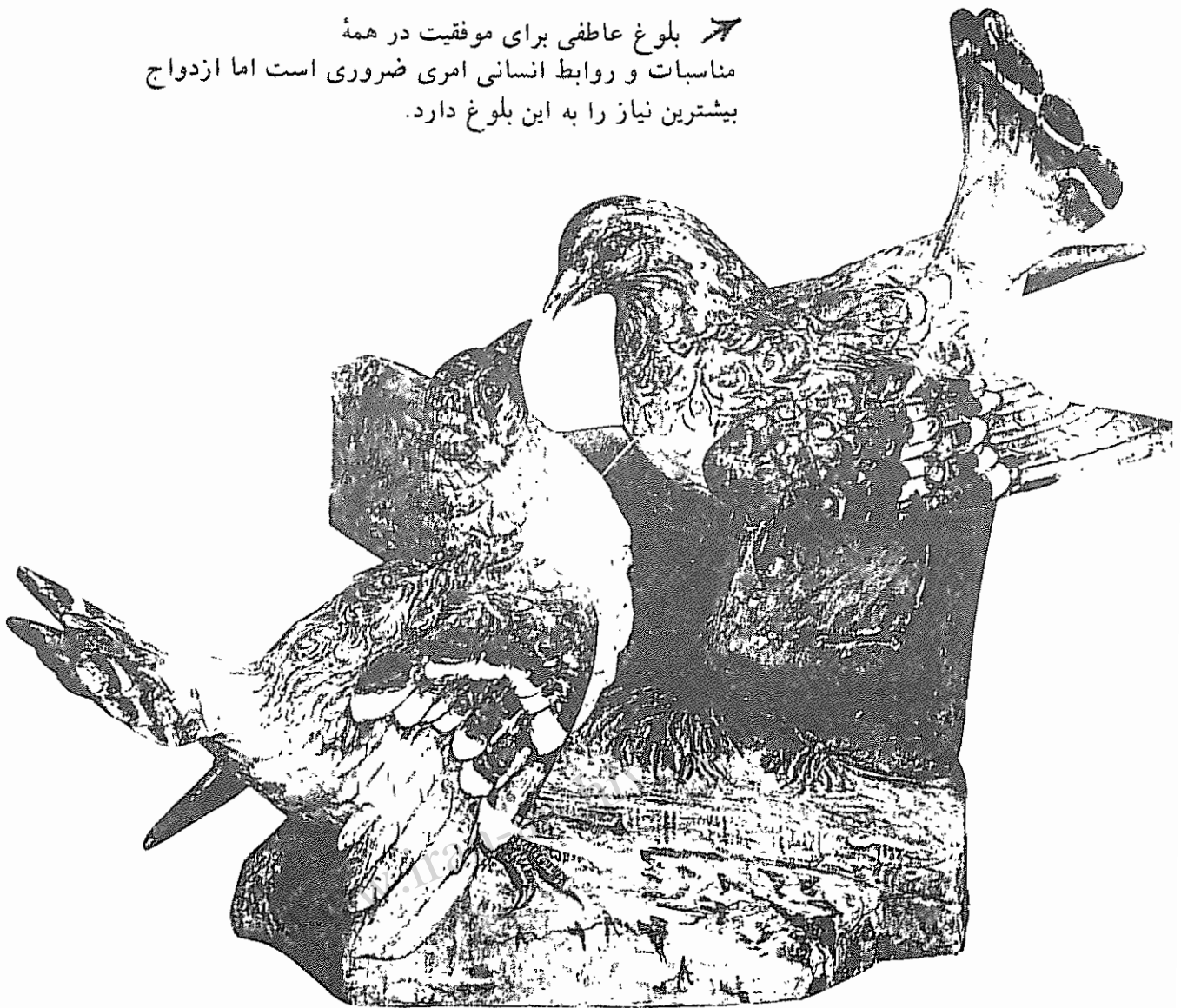
میل خود به تغذیه را برآورده سازد. خودش شخصاً پوشاک خود را انتخاب و خریداری کند. به نظافت شخصی و مسایل بهداشتیش رسیدگی کند. پولهای خود را بودجه‌بندی و هزینه کند. در تجمعات اجتماعی به عنوان مهمان یا میزبان بتواند نقش خود را ایفا کند. با اعتماد به نفس، به تنهایی مسافرت کند. آداب اجتماعی را در برخورد با دیگران و در کلیه اشکال ارتباطات انسانی رعایت کند. در این مرحله، فرد با اشتغال به کار و فعالیت‌های اجتماعی دیگر در صدد اثبات استقلال و هویت خود برمی‌آید. بنابراین «خودگردانی کارآمد» در همه مسائل اجتماعی نشانه بلوغ اجتماعی و تضمین کننده موفقیت در ازدواج است.

۵-۱- بلوغ اقتصادی:

بلوغهای فیزیکی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی جزو آمادگیهای شخصی برای ازدواج می‌باشند اما بلوغ اقتصادی تحت تأثیر مقتضیات محیطی و خارجی است و در شرایط اقتصادی فعلی جامعه ما، توجه بیشتری را به سوی خود جلب کرده است. در موقع ازدواج سؤالات زیادی در خصوص جنبه‌های اقتصادی زندگی مشترک مطرح می‌شود از جمله: آیا میزان درآمد مرد برای تأمین مخارج زندگی زن و فرزند کنایت می‌کند؟ اگر نه، از چه راه‌هایی این کمبود جبران می‌شود؟ آیا لازم است که زن نیز جهت تأمین قسمتی از درآمد خانواده در خارج از منزل مشغول به کار شود؟ آیا زن و شوهر مایلند از والدین و بستگان خود کمکهای مالی دریافت کنند؟ آیا شغل شوهر با دوام و با ثبات است؟ توانایی وی در مالکیت منزل مسکونی (یا اجاره یک آپارتمان مسکونی) تا چه حد است؟ آیا پول کافی برای شروع زندگی مشترک و هزینه‌ها و مخارج اولیه ازدواج را در اختیار دارد یا خیر؟

بلوغ اقتصادی آنگاه حاصل می‌شود که فرد توانایی آن را داشته باشد که بدون کمک دیگران، از عهده تأمین معاش خود و زن و فرزندش برآید.

➤ بلوغ عاطفی برای موفقیت در همهٔ مناسبات و روابط انسانی امری ضروری است اما ازدواج بیشترین نیاز را به این بلوغ دارد.



دیرماندهٔ تجربه اندوخته ترجیح می‌داده است. سن کم، شاخص عفت و مایهٔ اطمینان از بابت پاکي، سادگي و بکارت تلقی می‌شده است. به علاوه وجود خانوادهٔ پدر سری و حمایت آن از خانواده‌های زن و شوهری موجب می‌شد بلوغ اقتصادی مردان جلو افتاده و به راحتی در سنین پایین ازدواج کنند. همین‌طور وجود سیستم پدر مکانی (انتقال عروس به خانهٔ پدرشوهر) اقتضا می‌کرد که عروس خانواده به عنوان شاگردی حرف شنو و مطیع در خدمت مادرشوهر قرار گیرد، پس لازم می‌آید که سن عروس آن‌قدر کم باشد که به راحتی در خانواده و محیط جدید جامعه‌پذیر گردد. به علاوه میل و نیاز به داشتن فرزندان کثیر در یک اقتصاد «کاربر»، زنی جوان، سالم و کم سن و سال و بارور را می‌طلبید به طوری که دوران

شادابی مردان سالخورده می‌دانسته است.

۲-۲ - ازدواج زودرس:

عمومیت ازدواج پیش رس بیشتر خاص جوامع مبتنی بر اقتصاد کشاورزی و پیشه‌وری است. در چنین جوامعی اکثر زناشویها در سالهایی انجام می‌گیرد که کمتر میل واقعی به ازدواج در پسر و دختر بیدار شده است. دختران و پسران غالباً همدیگر را ندیده و تنها با صلاحدید بزرگترها فردی به همسری دیگری درمی‌آمد. وادار کردن فرزندان به ازدواج زودرس شایعترین الگوی ساختاری برای تضمین کنترل نظام خویشاوندی بر یک مبادلهٔ اجتماعی به نام ازدواج است. در گذشته بیشتر زناشویها در ایران (به ویژه در مورد دختران) دارای چنین مشخصه‌ای بوده است. عرف جامعهٔ دختر نورسته و چشم و گوش بسته را بر دختر

می‌فرستادند. در مواردی حتی والدین منتظر وقوع این حادثهٔ بیولوژیک هم نمی‌شدند و دخترانشان را قبل از بلوغ به خانهٔ بخت روانه می‌کردند تا در خانهٔ شوهر و تحت نظر مادرشوهر (و به طور کلی تحت نظارت طایفهٔ داماد) تربیت شود و با رسیدن به سن بلوغ، نقشهای جنسی و زناشویی را بر عهده گیرد.

به نوشتهٔ «بهمین یگی» در تحقیقی تحت عنوان «عرف و عادت در عشایر فارس» (۱۳۲۴)، در ایلات بویراحمدی و ممسنی و نزد ده نشینانی که در مسیر این ایلات قرار گرفته بودند، غالباً دختران هشت - نه ساله و گاه کوچکتر را به عقد زناشویی مردان پیر یا جوان درمی‌آوردند و حتی در همان کودکی به خانهٔ شوی می‌بردند. در ایران، عرف همواره برای ازدواج با دختران کم سن، نیکوییهای قابل بوده و آن را مایهٔ تجدید

باروریش طولانی باشد. در این گونه ازدواجها مسائل جنسی و جذابیتهای جسمانی اهمیت بیشتری دارند تا سازگارهای شخصیتی. علاوه بر اینها گاه فقر پدر یا حرص و طمع وی موجب آن می‌شده است که دختر خیلی زود به خانه شوهر فرستاده شود و یا در حقیقت فروخته شود. گاهی اوقات نیز خود دخترها از اینکه با ازدواج زودرس از قید فشارها و سخت‌گیریهای والدین و یا از فقر اقتصادی خانواده پدری رهایی می‌یابند، از این امر استقبال می‌کردند. گاهی نیز ملاحظاتی سیاسی و اجتماعی ایجاب می‌کرد که خانواده‌ها، فرزندان خود را در کودکی با هم نامزد کنند و حتی به زندگی زناشویی درآورند. تحت تأثیر این عوامل، ازدواج در سنین پایین در مورد دختران در ایران رایج شد.

علاوه بر عوامل فوق‌الذکر، عوامل کلان و فراگیرتری نیز در پایین آوردن سن ازدواج در دوران جدید مؤثرند: از جمله وفور اقتصادی و جنگ.

هجوم هزاران نفر از مردان در سن ازدواج به صحنه‌های نبرد با دشمن، این احساس را در زنان هم نسل آنها ایجاد می‌کند که مسکن است این روندگان دیگر برگردند و یا حداقل دیر برگردند. تغییر نسبت جنسی در آلمان بعد از جنگ جهانی دوم موجب طرفداری از تز چند زنی به عنوان یک راه حل ممکن مطرح شد. اما از آنجا که این راه حل رسا پذیرفته نشد، زنانی که از ازدواج محروم ماندند فقط توانستند به روابط غیررسمی روی آورند. «پینارد، (۱۹۶۶) در مطالعه نوسانات نرخ ازدواج در آمریکا دریافت که جنگهای اول و دوم جهانی مشمول افزایش ازدواجها بوده‌اند. اما وی در هر دو جنگ متوجه دو نقطه اوج در نرخ ازدواجها شد. یکی در ابتدای جنگ یعنی قبل از ورود به خدمت نظام وظیفه و دیگر در پایان جنگ یعنی زمانی که مردان خدمت نرفته و بازگشتگان از جنگ برای جبران زمان از دست رفته با شتاب به سوی ازدواج همجوره می‌آوردند. در هر دو حالت محدودیت زمانی به افراد اجبار نمی‌دهد که یک همسرگزینی سنجیده و خردمندانه داشته باشند. بنابراین به نظر می‌رسد احتمال از هم پاشیدن ازدواجهای زمان حاکم پیش از ازدواجهای قبل یا بعد از جنگ است. در پایان هر دو جنگ جهانی، نرخ طلاق در جامعه آمریکا به اوج خود رسیده که البته بخشی از آنها ناشی از انباشت و تراکم

طلاقهای به تعویق افتاده زمان جنگ بود.

آثار و پیامدهای ازدواج زودرس:

سن عروس در اولین زایمان به لحاظ پزشکی از اهمیت خاصی برخوردار است. احتمال ابتلا به سرطان دهانه رحم در عروسهای جوانتر بسیار بیشتر از عروسهای مسنتر می‌باشد. به علاوه به دلیل طولانی شدن دوران باروری زنان (از ۱۵ تا ۴۵ سالگی) نرخ مولید به شدت افزایش می‌یابد، به ویژه در جوامعی که روشهای جلوگیری از حاملگی ناشناخته و یا مضر بودند و سقط جنین نیز به دلایل قانونی و مذهبی (مگر در موارد خاص) غیرمجاز است. به علاوه مطالعات جامعه‌شناختی به عمل آمده در بسیاری از کشورها نشان می‌دهند که بین افزایش بی‌وفاییها و خیانتهای زناشویی (و در نتیجه اختلافات زناشویی و افزایش طلاق) از یک طرف و پایین بودن سن ازدواج از طرف دیگر یک همبستگی وجود دارد.

یکی دیگر از پیامدهای ازدواج زودرس دختران، سد کردن راه ازدواج مجدد زنان بیوه با مردان بیوه است. وجود گروههای سنی جوان و آماده ازدواج شانس بیوه‌ها را برای ازدواج مجدد کاهش می‌دهد. با این اوصاف در جوامعی که در آن اخلاق جنسی تبعیض‌گرا حاکم است، ازدواج زودرس به نفع دختران خواهد بود.

۲- ۳- ازدواج دیر رس :

این گونه ازدواجها عمدتاً مختص جوامع شهری مدرن واقع در مراحل اولیه صنعتی شدن است. اگر ازدواج زودرس بیشتر جامعه زنان را در برمی‌گرفت ازدواج دیررس عمدتاً در مورد مردان شهرنشین صادق است که البته بر زنان هم تأثیر

می‌گذارد و سن ازدواج آنها را نیز بالا می‌برد.

بر طبق پژوهشی، سن متوسط زناشویی برای دختران تهرانی در سال ۱۳۰۹ حدود ۱۳ سال و برای پسران نزدیک به ۱۷ سال بوده است. در سال ۱۳۳۹ این ارقام به ترتیب به ۱۸ و ۲۲ سال افزایش یافته است. براساس آمار زناشویی فروردین ۱۳۴۱ حد متوسط ازدواج برای مردان تهرانی بین ۲۳ - ۲۶ سال و برای زنان تهرانی ۱۶ - ۱۸ سال بوده است. آمار زناشویی شهر تهران در سال ۱۳۶۱ نشان می‌دهد که در این سال از میان ۴۵۲۱۰ نفر مرد ۳۱/۸ درصد بین ۲۳ تا ۲۶ سالگی، ۲۸/۳ درصد بین ۱۸ تا ۲۳ سالگی و بالاخره ۱۸/۶ درصد نیز بین ۳۱ تا ۳۵ سالگی ازدواج کرده‌اند. براساس همین آمار از میان ۲۸۶۵۷ نفر زن ۳۳/۸ درصد بین ۱۹ تا ۲۲ سالگی، ۲۳/۴ درصد بین ۱۶ تا ۱۸ سالگی و ۱۵/۹ درصد بین ۲۳ تا ۲۶ سالگی ازدواج کرده‌اند.

روند صعودی سن متوسط ازدواج در ایران و به خصوص در شهرهای بزرگی همچون تهران، در حالی صورت می‌گیرد که در کشورهای پیشرفته صنعتی، سن ازدواج قوس نزولی خود را می‌پیماید. در سال ۱۸۷۰ سن متوسط ازدواج در آمریکا برای مردان ۲۶ و برای زنان ۲۲ سال بوده است. در سال ۱۹۴۰ این ارقام به ترتیب به ۲۴/۳ و ۲۱/۵ سال تنزل یافته است و در سال ۱۹۷۱ نیز به ترتیب به ۲۳/۱ و ۲۰/۹ سال کاهش یافته است.

بالا رفتن سن ازدواج در ایران به عنوان یک مسئله اجتماعی نتیجه تحولات ساختاری این کشور در چند دهه اخیر است. این تحولات ساختاری موجب شده‌اند تا بین بلوغ اقتصادی مردان از یک طرف و بلوغ



جنسی و عاطفی آنها از طرف دیگر یک نوع ناهمزمانی پدید آید. برخی از عوامل موثر در بالا رفتن سن ازدواج عبارتند از:

- گسترش نهادهای جدید تعلیم و تربیت
- حرفه‌ای جوانان را
- طولانی کرده است.

لزوم انجام خدمت سربازی برای مردان

- بیکاری و دشواری تأمین معاش
- میل به ادامه تحصیلات دانشگاهی
- تبدیل خانواده‌های گسترده به خانواده‌های هسته‌ای و محدود شدن کارکردهای خانواده و نظام خویشاوندی از جمله کارکرد حمایتی و همسرگزینی برای فرزندان

- تغییر در ارزشها، هنجارها و اهداف زناشویی.

انجام تحصیلات ابتدایی تا دبیرستان ۱۲ سال به طول می‌انجامد و درست پس از اتمام تحصیلات متوسطه، دوران خدمت دو ساله سربازی شروع می‌شود. این امر تاریخ جستجوی کار و کسب درآمد لازم جهت فراهم آوردن لوازم ازدواج و تشکیل خانواده را به تأخیر می‌اندازد. پس از اتمام دوران سربازی، در صورتی که جوان کار مناسب و نسبتاً پردرآمدی پیدا کند، مدت‌ها باید کار کند تا بتواند از عهده تأمین هزینه‌های ازدواج (هزینه‌های مربوط به شروع ازدواج، تهیه مسکن و...) برآید و در صورتی که وی وارد دانشگاه شود در واقع تاریخ ورود به بازار کار خود را حداقل به مدت چهار سال عقب انداخته است. تأخیر در سن ازدواج از جمله در مورد دانشجویان دانشگاهها صادق است. چرا که تکمیل تحصیلات دانشگاهی چه در حد لیسانس و چه بالاتر و ورود به بازار کار و کسب درآمد سالها به طول می‌انجامد و این امر برای دانشجویانی که شانس ازدواجشان به موقتیتهای شفلی و تحصیلی فردیشان وابسته است و نه به ثروت موروثی و اعطایی، به معنی به تعویق انداختن ازدواج است.

یک عامل فردی و شخصیتی نیز ممکن است موجب به تعویق افتادن ازدواجها شود و آن نظام خویشاوندی است. اگر روابط والدین و فرزند آقدر صمیمانه باشد که تمامی نیازهای عاطفی فرزند کاملاً ارضا شود، فرزند خیلی دیرتر به فکر ازدواج و تشکیل خانواده می‌افتد. بنابراین روابط عاطفی مفرط بین والدین و فرزندان می‌تواند به صورت مانعی بر سر راه شکل‌گیری خانواده‌های جدید

عمل کند. در بسیاری از جوامع، والدین فقیر و تهیدست به کمکهای اقتصادی فرزندانشان وابسته‌اند. همین امر موجب می‌شود که در ازدواجهای ترتیب یافته، والدین در پیشقدم شدن در امر یافتن همسر برای فرزند محبوب و دردانه‌شان تعلل کرده، امروز و فردا کنند. در نظامات همسرگزینی خود انتخابی نیز فرزند، به ویژه فرزند ارشد خانواده، بین وفاداری و احساس مسئولیت نسبت به خانواده‌ی خاص‌تر خود و خانواده‌ی راهپیش دچار تردید می‌گردد و تا مدت‌ها این تردید پا برچا باقی می‌ماند.

وابستگی والدین به فرزند، زمانی تشدید می‌شود که زندگی زناشویی والدین به نحوی از هم پاشیده شود؛ چه به خاطر مرگ یکی از والدین و چه بر اثر متارکه و طلاق. در چنین وضعیتی فرزند در واقع جانشینی می‌شود برای شریک زندگی از دست رفته و از آنجایی که اغلب خانواده‌های از هم پاشیده متشکل از مادر و فرزندان هستند و از آنجایی که زنان به لحاظ عاطفی وابستگی بیشتری به فرزندان‌شان دارند لذا مشکل مذکور بیشتر به هنگام فقدان شوهر تشدید می‌شود تا به هنگام فقدان زن. هر چند پیوندهای عاطفی بین مادر و دختر معمولاً قویتر از پیوند بین مادر و پسر است اما فقدان مرد خانواده، اهمیت فرزند مذکر را به عنوان جایگزینی برای شوهر، جهت تأمین نیازهای اقتصادی و عاطفی افزایش می‌دهد. بنابراین آخرین پسر یک بویه، کاندیدای احتمالی است برای تجربه‌ی یکی «تجرد دایمی».

آثار و پیامدهای ازدواج معوق:

الف - اهمیت پزشکی تأخیر در سن ازدواج دختران: دخترانی که در ۳۰ سالگی به بعد (و به تعبیری ۲۷ سالگی به بعد) ازدواج می‌کنند در معرض انواع خطرات و تهدیدات قرار دارند. برخی از این خطرات عبارتند از: وضع حمل پر درد و طولانیتر، افزایش احتمال مرگ و میر مادر و نوزاد قبل از زایمان، افزایش احتمال زاییدن کودکان منگولی و مبتلا به اختلالات کروموزومی، دوقلو زاییدن. البته هرچه از زایمان اول به سمت زایمانهای بعدی حرکت کنیم احتمال خطرات فوق‌الذکر چند برابر می‌شود. همچنین احتمال ابتلاء به سرطان کولون نیز با بالا رفتن سن دختران مجرد افزایش می‌یابد.

ب - آثار اجتماعی تأخیر در سن ازدواج دختران و پسران:

یکی از پیامدهای قابل توجه ازدواج معوق، کوتاهتر شدن دوره باروری زنان است. به جای اینکه زن از ۱۵ یا ۲۰ سالگی تا حدود ۴۵ سالگی مرتباً حامله شود، بارداری او از سن ۲۵ یا ۲۶ سالگی آغاز می‌شود و حداقل سه زایمان از تعداد کل زایمانها کاسته می‌شود. البته این کارکرد تا موقعی می‌تواند مورد توجه واقع شود که روشهای کنترل موالید توسط گروههای سنی بارور ناشناخته و غیرقابل پذیرش باشند در غیراین صورت استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی حتی می‌تواند سن ازدواج را نیز پایین آورد.

به علاوه تأخیر در سن ازدواج مردان موجب افزایش فاصله سنی بین زوجین در موقع ازدواج می‌شود. مردانی که با تأخیر ازدواج می‌کنند معمولاً دختران بسیار جوانتر از خودشان را به همسری برمی‌گزینند، در حالی که مردانی که زودتر ازدواج می‌کنند همسرانی نزدیکتر به سن خود را انتخاب می‌کنند.

یکی دیگر از آثار ازدواج معوق، افزایش فاصله زمانی بین بلوغ فیزیکی (جنسی) و بلوغ اقتصادی است که این خود می‌تواند دو نتیجه را به دنبال داشته باشد: خویشنداری و «رهبانیت موقت» و احتمالاً تحمل محرومیتها، ناکامیها و عقده‌های جنسی و دیرگر افزایش بیماریها، انحرافات و بزهکاریهایی جنسی است به دلیل تضعیف تابوهای اجتماعی در خصوص روابط جنسی خارج از محدوده زناشویی.

در جوامع غربی تأخیر در سن ازدواج با عامل دیگری در ارتباط است و آن سهولت و رواج روابط خارج از دایره زناشویی است، به طوری که افراد برای پذیرش مسئولیتهای ناشی از ازدواج، چندان ضرورتی نمی‌بینند. در این جوامع جستجوی راه حلی برای مشکل ازدواج معوق، خود باعث به وجود آوردن مسئله دیگری شده است و آن تهدید نهاد خانواده و تضعیف ارزشهای اخلاقی است.

یادداشتها:

- 1- Rite of passage
- 2- Physical maturity
- 3- Emotional maturity
- 4- Empathy
- 5- Mental maturity
- 6- Social maturity
- 7- Economic maturity
- 8- Premature marriage
- 9- Early marriage
- 10- Delayed marriage

نگاهی به آثار نقاشی ایران دژودی»

- نگارخانه سپهری
- ۱۶ و ۱۷ اردیبهشت ۷۲
● سیامک انشار

تاکنون روی پهنهٔ بره، خیلی چیزها آفریده شده و احساسات بسیاری گل داده است، اما «دژودی» از فضای بوم، توقع بیشتری دارد و می‌خواهد هر آنچه را در دل دارد، روی آن تصویر کند و می‌کند. از این رو، تابلو نمی‌کشد، معماری می‌کند، و در اوج زیبایی و هنر، شهری می‌آفریند که غالباً بیننده آن را از دور دست می‌نگرد اما تمام آنچه را که در تک‌تک خانه‌هایش می‌گذرد، در کمترین فاصله، در دل خود، حس می‌کند. او از آفتابی همواره که بر فراز تمام تابلوها حضوری مستمر دارد، وضو می‌سازد و عظمت تمام تاریخش را، به نماز عشق، احرام می‌بندد. در شهرهای او، خانه‌ها نه از سیمان و ساروج، که از جنس بلورند و شناور در توهمی دلپره‌آمیز از رنگ، شهری که ساکنانش اگر چه ناپیدایند اما می‌شود تمام شوکت غرور آفرین تخت جمشید را در پستو خانهٔ دلهاشان دید.

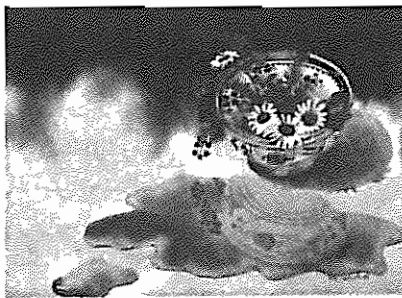
در شهرهایی که او معمار آن است، حضور جدی و پررنگ گلها، حسرت خاطرات دلنشین گذشته را از دل می‌زداید و آنچه می‌ماند، ذهنی است سرشار از گنوازه‌ها و خاطرهٔ دستی که گل افشاند.



است.

دژودی در تمام تابلوهایش همچون منظره‌ای در دوردست حضور دارد، چرا که خود ساکن یکی از همین خانه‌هاست، خانه‌هایی که به ظاهر در سکوت ایستاده‌اند، اما درونی ملتهب دارند، پرخروش و پرغوغا؛ و او می‌خواهد با گرمای دلش، همهٔ قدیلهای یأس را که شهر و سرزمینش را فرو خورده‌اند، بسوزاند و خاکستر کند. از این رو با رنگ در می‌آمیزد و تا انتهای حضوری صمیمی در پس کوچه‌های بوم، با آن همسفر می‌شود و در لحظهٔ آفرینش، رنگهایش نت می‌شوند، آهنگین می‌شوند و بر بوم جریان می‌یابند تا موسیقی بکریز و دلنشین بقای خاک را در گوش بیننده، زمزمه کنند.

نهایت اینکه نقاشیهای او نه تنها ایستا نیست، که می‌شود حرکت را در آن لمس کرد و بیشتر، تکاپوی اندیشه را، که مثل نهالی در خاک بکر تابلوها کاشته می‌شود، می‌روید و به گل می‌نشیند و تمام پنج دریهای ذهن را از عطری سکرآور، سرشار می‌کند. ●



بر چهره‌اش، ماء، پرنده و انار، جلوه یافته در آینهٔ ذهنیات نقاش، گوشه‌هایی از تابلوهای اخیر نفیسه شهدادی را تشکیل می‌دهند.

شهدادی تصویرگری است که این بار، آبرنگ را برای بیان احساسش انتخاب کرده و کارهایش را تحت تأثیر گرافیک (چه از نظر انتخاب موضوع و چه به لحاظ تکنیک) ارائه کرده است. و البته با تکنیکی نه چندان یکدست؛ چرا که گاه قسمتی از تابلو را (که همان واقعیت باشد) با ساخت و سازی دقیق و ظریف، از قسمتی دیگر (یعنی خیال و ذهنیاتش) با تکنیکی بسیار ساده و راحت، جدا کرده است.

این بار، کارهای شهدادی رنگمایه‌های دیگری دارند، کاملاً متفاوت با آثار سابق وی. در این آثار، تنوع رنگ به چشم نمی‌خورد و مجموعه رنگهایی که در برخی از تابلوها حاکمند عبارتند از: خاکستریها، آکرها و آبهای عمیق و تیره و دیگر، همه سپیدی گسترده و وسیعی است که تابلوها را فرا گرفته است؛ و اینجا و آنجا، ماء است که جلوه می‌کند: در کاسه‌ای سفالین و یا در آینهٔ ذهنیات نقاش. گاه لکه‌ای قرمز، که نمایانگر انار یا یک ماهی است، در فضای سپید، صدایی شدید ایجاد کرده و به این می‌ماند که در آهنگی ملایم، نئی خاص، عمداً با تأکید بیشتری نواخته شود و گاهی نیز پرداختن به جزئیات و ساخت و سازهای بیش از حد دقیق و ظریف، به یاد آورندهٔ نتهای «زینت» در یک قطعهٔ موسیقی هستند. نتهایی که با توجه به سلیقه و خواست آهنگساز نوشته و اجرا می‌شوند. درست همانطور که در تابلوهای این نقاش، طبق خواست و سلیقهٔ وی به وجود آمده‌اند و بیننده، ضرورت چندانی برای وجود آنها احساس نمی‌کند.

در آثار شهدادی مسائلی که معمولاً در نقاشی رعایت می‌شوند از جمله: تضاد بین سطوح تاریک و روشن، تضاد بین رنگهای مکمل، تضاد رنگهای سرد و گرم، تضاد کیفیت، تضاد همپایه، تضاد ته رنگ؛ همچنین چگونگی که پرسوین و مسائل مربوط به آن، چه از نظر فرم و خط چه به لحاظ رنگ، در نظر گرفته نشده‌اند بلکه نقاش همان‌طور که اشاره شد، آثاری گرافیک گونه خلق کرده است که در نتیجه مسائل ذکر شده را در آن جایی نیست و الزامی برای رعایت آنها وجود ندارد و یا حداقل به نظر نقاش وجود نداشته است. ●

انعکاس ماء در ظرفی کبود و سفالین، سایه گنجشکها بر روی زمین، گلدانی بی‌گل که در سایه گل دارد، گوشماهیهایی که در دریا نیستند، دسته گلی وحشی، سپید و زیبا، به دور از دیگر گلها، برگی دور افتاده از جنگل، زنی به صلابت کوه با رد پای زمان

نگاهی به آثار نقاشی

«نفیسه شهدادی»

- نگارخانه سپهری
- ۱۶ تا ۱۷ اردیبهشت ۷۲

● سیده خانبلوکی

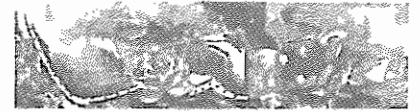
«نفیسه شهدادی»، نقاشی که در آثار اخیرش، خیال را با واقعیت پیوند داده و بسنده، آینهٔ خیال او را همراه با واقعیات پیرامونش مشاهده می‌کند. او دارای حسی قویست و مضامین انتخابی وی در صورت تعمیم یافتن، مفاهیمی عمیقتر می‌یابند.



نگاهی به تابلوهای پاستل «فریبا رهایی»

- نگارخانه افزند

- ۲۵ اردیبهشت تا ۵ خرداد ۷۲



نارزین نظام شهیدی

در سیدهای خالی
باد می چرخد
به چیدن باد رفته بودی خاتون؟



سببها تبخیر می شود
آثار سه شنبه تا می شکند،
مهی غلیظ پوشانده است سالهای تنت را
کدام باغ
نار بنانش
نه سنگ، که باد برآورد

آنجا نگاه کن!
مرگ دامنش را
از باغهای تو پُر می کند
و پیشکش نیمه سبب است
که شود دهان زده است.

به چیدن مرگ رفته بودی خاتون؟

در غروبی باران خورده و بهاری به دیدار ۳۵ تابلوی پاستل «فریبا رهایی» می رویم که از ۲۵ اردیبهشت تا ۵ خرداد، بیهمان نگارخانه افزند است. هنرمندی که اگر چه قاطعیت یک معلم را دارد و به شیوه‌ای آکادمیک خلق اثر می‌کند اما تابلوهایش به هیچ وجه اخمو و بداخلاق نیست و در «طبیعت بیجان» و از طریق اشیا، رابطه‌ای را می‌جوید که ادراک حسی او را با سیماب دل تماشاگر یکی کند. او در کار هنر، نه به فلسفه معتقد است و نه به ادبیات، اما برای زندگی شعرهای رنگین می‌گوید و برای رسیدن به تفکر، به جای خیابانهای اسفالت فلسفه‌های گونه‌گون، از کوچه باغهای خاکی و پر نجابت احساس می‌گذرد و تکه‌های حیات را مشت مشت از گوشه و کنار جمع می‌کند و از کنار هم چیدن آنها، کلاژ «زندگی» می‌سازد.

در تابلوهای رهایی، همه حرفها را باید از زبان که‌پوزسیون شنید، آخرین کلام در غلبه فرم بر محتوا، یعنی همان چیزی که براک در دهه نخستین قرن بیستم انجام داد: حذف جنبه‌های توصیفی از تابلو و آفرینش آثاری که در آنها، فقط فرم و رنگ و که‌پوزسیون مدنظر باشد. با این همه و علی‌رغم شباهتهای ساگزیر میان آثار این هنرمند با تابلویی نظیر «نقش اشیا»ی براک، این سؤال از رهایی و دیگر نقاشانی که طبیعت بیجان کار می‌کنند باقی است که چرا در میان نقاشان ما، این نوع آفرینش همواره به گل و گلدان و ظرفی با میوه‌های رنگین منتهی می‌شود، در حالیکه «کنش» وان‌گوگ، رنج و حرکت را توأمان نشان می‌دهد و با در «بالکن» پیکاسو، تماشاگر می‌تواند به راحتی تا نهایت آبی تابلو پرواز کند، چنانکه در «سهاستگی» اوزانفان، بیننده با موسیقی دل‌انگیزی روبرو می‌شود که اگر چه نوعی معماری کاملاً هندسی دارد، اما طنین آن روح را می‌نوازد و عطر آگین می‌کند.

طبق تخمین متخصصین، ۶۵ درصد ارتباطات ما غیرگفتاری است و تنها ۳۵ درصد آنها از طریق گفتار انجام می‌گیرد. اکثر ارتباطات غیرگفتاری ما ناخودآگاه برقرار می‌شود و برخی از آنها هم ناخواسته انجام می‌گیرد؛ با این حال، غالباً از هر دو سو درک می‌شود. ارتباطات غیرگفتاری که گاهی به آن «زبان حرکات» نیز گفته می‌شود، اصطلاحی است که به طور وسیعی شامل نه تنها ادا و رفتار، بلکه حالات چهره، طرز ایستادن یا نشستن، حرکات بدن، لحن و بالا و پایین رفتن صدا، میزان حرف زدن، رفتارهای از سر عادت،

کاناپه دراز بکشد، کتابی بخواند و استراحت کند، او فرسوده است و برای استراحت و آرامش لحظه‌شماری می‌کند. روی کاناپه دراز می‌کشد، بالشی زیر پا می‌گذارد و فنجان قهوه را به دهان نزدیک می‌کند که ناگهان از طبقه بالا موسیقی گوشخراشی با صدای بلند و ناهنجار به گوشش می‌رسد. ابرو در هم می‌کشد، زیر لب غرغر می‌کند، بیشتر در کاناپه فرو می‌رود و سعی می‌کند این موسیقی مزاحم را ناشنیده بگیرد. پس از چند دقیقه اطمینان حاصل می‌کند که استراحت و آرامش امکانپذیر نخواهد بود. به این نتیجه می‌رسد که تا خودش از همسایه طبقه بالا

راحتی خواسته‌ها و احساسش را منتقل می‌کند. اما نمی‌توان صرفاً با ملاحظه کلمات او روی کاغذ، رفتارش را بررسی کرد. جنبه‌های غیرگفتاری ارتباطات - مانند نحوه صحبت کردن، ایستادن و حرکت کردن - در چگونگی انتقال پیام، نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. حتی اگر گفته‌ای صریح و مناسب به نظر برسد، در صورت نامتجانس بودن رفتارهای غیرگفتاری، تاثیر آن بی‌رنگ یا مبالغه‌آمیز خواهد شد.

بیاید پیامهای غیرکلامی را در اظهارات برندا از نظر بگذرانیم:

زن قاطع، در رفتار در گفتار



لین.ز. بلوم • ژوان پرلین • کارن کوبورن • ترجمه زهره زاهدی

خنده‌های بجا و بیجا، و بسیاری موارد دیگر می‌شود.

در سنین کودکی یاد می‌گیریم شادیمان را با لبخند و ناراحتیمان را با اخم یا گریه نشان دهیم. در مواقع دیگر نمی‌دانیم رفتارهای غیرکلامی ما چگونه ارتباطی برقرار می‌کند زیرا دیدن و شنیدن خود از رو به رو بسیار مشکل است. اکنون بیایید حداقل به آن دسته از رفتارها که بر قاطعیتمان تاثیر می‌گذارد، آگاهی پیدا کنیم. ■

ساعت ده شب است و برندا، دانشجوی معماری، خسته و کسل می‌خواهد روی

نخواهد، ممکن نیست صدای موسیقی را کم کنند. با بی‌میلی خود را از جای گرم و راحت بیرون می‌کشد، کفشها را پا می‌کند، با قدمهای آهسته از پله‌ها بالا می‌رود و زنگ آپارتمان طبقه بالا را به صدا درمی‌آورد. زن همسایه در را به روی او باز می‌کند. صدای موسیقی تا درجه آخر بلند است. لبخند می‌زند و پیداست که حسابی سرحال است. برندا سلام می‌کند و می‌گوید: «شاید خودتان متوجه نباشید اما صدای موسیقی تا آپارتمان من می‌رسد. صدا واقعاً مزاحم من است. مایلم که صدای آن را کم کنید.» هنگامی که گفته‌های برندا را می‌خوانیم کاملاً قاطعانه و مؤثر به نظر می‌رسد به

● ارتباط غیرکلامی بدون قاطعیت: هنگامی که همسایه در را باز کرد برندا را دید که با شانه‌های آویخته و سرافکنده این پا و آن پا می‌شود. اصلاً به او نگاه نمی‌کند و صدایش آهسته و مردد است و بین کلمات مکثهای طولانی می‌کند. دستها را به هم قفل کرده و به نظر مضطرب و شرمنده می‌آید. می‌گوید: «شاید... خودتان... متوجه نباشید اما صدای موسیقی... تا آپارتمان من می‌رسد.» آهسته و بسیار مردد صحبت می‌کند ولی هر چه پیشتر می‌رود به سرعت حرف زدنش اضافه می‌شود، گویی آرام آرام بر خود مسلط می‌شود.



«صدا واقعاً مزاحم من است و مایلیم که صدای آن را کم کنید؟»، درخواست خود را با لحن سؤالی و خنده‌ای عصبی تمام می‌کند.

در اینجا برندا مشغول اظهار خواسته‌ها و احساساتش است اما صدای مرد، نگاه گریزان، لحن استفهام‌آمیز، حرکات و خنده عصبی او پیام دیگری را نیز می‌رساند که اساساً می‌گوید: «دل‌م می‌خواهد صدای موسیقی را کم کنید، اما آنقدرها هم اهمیت ندارد. مطمئن نیستم که حق اعتراض داشته باشم. حرفم را جدی نگیرید.»

بالا می‌رود. در خانه همسایه را محکم می‌کوبد. هنگامی که در را باز می‌کند او را می‌بیند که دستها به کمر با نگاهی سرد و خشمگین به او خیره شده است. با صدایی بلند، عصبی و تحکم‌آمیز شروع به صحبت می‌کند. برخی کلمات معین را که لحنشان متهم‌کننده است، با تأکید ادا می‌کند: «شاید خودتان متوجه نباشید» پوزخند زنان.

«اما صدای موسیقی تا آپارتمان من می‌رسد.» تند و با تأکید فزاینده حرف می‌زند مگر در مواقعی که برای نمایشی شدن کلام، جمله را به کندی تمام می‌کند.

به درستی قاطعیت دارند اما بیان غیرکلامی نیرومندتر و به‌وضوح مهاجم است.

● ارتباط غیرکلامی قاطعانه:

بیایید برندا را دوباره به آپارتمانش برگردانیم و به او فرصت دیگری بدهیم. این بار او روی کاناپه جا خوش کرده است، بالش را پشتش می‌گذارد و می‌رود تا جریحه‌ای از فنجان قهوه‌اش بنوشد. ناگهان صدای موسیقی بلند می‌شود و او با خودش فکر می‌کند: «به این ترتیب نمی‌توانم استراحت کنم. بهتر است از آنها بخواهم صدای موسیقی را کم کنند.»

➤ جنبه‌های غیرگفتاری ارتباطات در چگونگی انتقال پیام، نقش عمده‌ای

ایفا می‌کند. حتی اگر گفته‌ای صریح و مناسب به نظر برسد، در صورت نامتجانس بودن رفتارهای غیرگفتاری، تأثیر آن بی‌رنگ یا مبالغه‌آمیز خواهد شد.

➤ غالباً یادگیری اجزاء غیرگفتاری رفتار قاطعانه، مشکلتر از اجزای گفتاری آن است.

➤ در رفتار پرخاشگرانه، عناصر گفتاری

و غیرگفتاری گاهی متفاوت و گاهی همخوان هستند کلمات چه طبیعی باشند و چه خصمانه، حالات، مهاجم و ناخوانده‌اند.

● ارتباط غیرکلامی پرخاشجویانه:

اگر برندا دو ساعت روی کاناپه دراز کشیده باشد بی‌آنکه موفق به مطالعه و استراحت شده باشد و بالاخره تصمیم گرفته باشد که از همسایه بخواهد صدای موسیقی را کم کند، بسیار محتمل است که حالت پرخاشجویانه به خود بگیرد. با عدم قاطعیت در مدتی نسبتاً طولانی، با نشستن و آرزوی اینکه موسیقی خود به خود قطع شود، با نادیده گرفتن خواسته‌ها و نیازهای خویش، احتمالاً احساس خصومتی در او شکل می‌گیرد. ممکن است ماجرا این‌طور اتفاق بیفتد:

برندا کتاب را محکم می‌بندد و آن را روی میز پرت می‌کند و با عصبانیت از پله‌ها

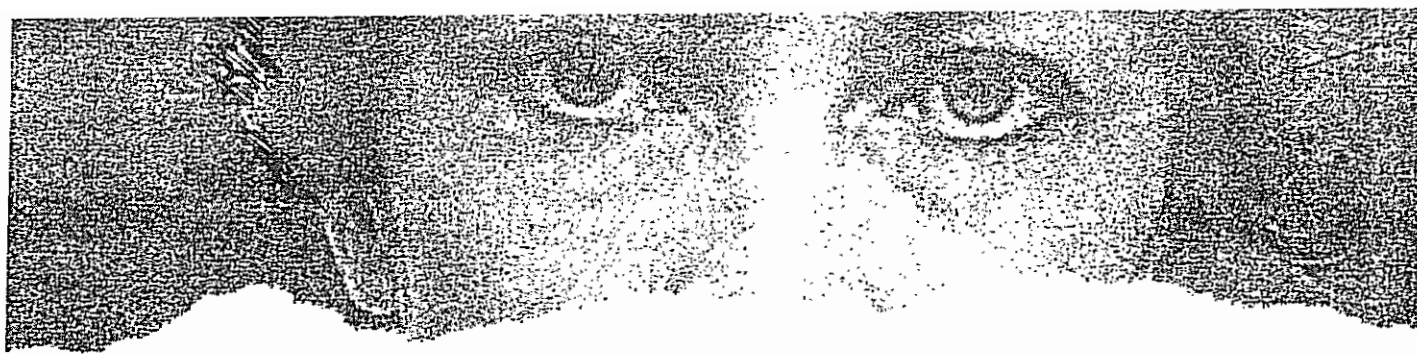
«صدا واقعاً مزاحم من است و مایلیم که صدای آن را کم کنید.» کلمات را برای بیشتر کردن تأثیر نمایش، تعمداً، کند ادا می‌کند.

مسلماً همان کلمات وقتی به این طریق ابراز شود تأثیرش کاملاً با زمانی که غیرقاطعانه ابراز شد، تفاوت خواهد داشت. هنگامی که برندا با شیوه‌ای پرخاشجویانه ارتباط برقرار می‌کند، مایل است نه تنها پیام خود را در مورد کم کردن صدای موسیقی منتقل کند، بلکه همچنین خشم و خصومت خود را نیز برساند. او می‌خواهد حق همسایه را کف دستش بگذارد و کاری کند که احساس گناه کند. در این حالت نیز کلمات

کفشهایش را می‌پوشد و از پله‌ها بالا می‌رود. وقتی پشت در می‌رسد، با گردن افراشته چند بار آرام در می‌زند. همسایه در را باز می‌کند و برندا را می‌بیند که با دستها آویخته در دو طرف، مستقیم نگاهش می‌کند. «شاید خودتان متوجه نباشید اما صدای موسیقی تا آپارتمان من می‌رسد. صدا واقعاً مزاحم من است و مایلیم آن را کم کنید.» مستقیم به او نگاه می‌کند و با صدایی گرم و آرام حرف می‌زند.

برندا آرام است اما نمی‌خندد و هیچ‌کار دیگری هم نمی‌کند که پیامش مخدوش شود. او درخواستش را به نحوی مطرح می‌کند که جدی قلمداد شود. حرکات، رفتار





➤ در رفتار قاطعانه اظهارات کلامی و غیرکلامی هماهنگ و مکمل یکدیگرند. هر دو صریح، واضح و به دور از اضطرابند. هر دو بیانگر پیام واقعی گوینده و از این رو کاملاً روشن هستند.

و کلماتش، هماهنگ با یکدیگر، ارتباطی درست و منطقی برقرار می‌کنند.

غالباً یادگیری اجزاء غیرگفتاری رفتار قاطعانه، مشکلتر از اجزای گفتاری آن است. شاید به این علت که به خاطر آوردن کلماتی که خود را برای گفتنش آماده کرده‌ایم به نسبت ساده‌تر از خودداری از رفتارهای ناخودآگاه است.

اغلب ما در طول سالیان متممادی یاد گرفته‌ایم تا حد ممکن مسالمت‌جو و سازشکار باشیم. هرگاه درخواستی داشته باشیم یا خواهیم از حقوقمان دفاع کنیم، ملایم و مردود صحبت کنیم و یا سرانجام به خود بخندیم و اظهارات خود را از سکه بیندازیم. بد نیست به کمک یک ضبط صوت، یک آینه و مبالغه کردن در رفتارها و گفتارهای معمولمان بتوانیم از روبه‌رو به خود نگاه کنیم و در راه غلبه بر نقطه ضعفها و رسیدن به قاطعیت معقول و منطقی قدم برداریم.

مبالغه می‌تواند به عنوان یک تکنیک کمکمان کند تا قاطع باشیم زیرا به این وسیله خواهیم توانست تفاوت‌های حرکتی و صوتی خود را هنگام قاطعیت یا عدم قاطعیت تشخیص دهیم. در این زمینه دوستان می‌توانند با آگاهی از موضوع به ما یاری دهند تا به تعادل میان آرامش و قاطعیت دست یابیم.

در جدول «اجزای گفتاری و غیرگفتاری رفتارها» که از کار دکتر «مارگارت فاگین»، استاد دانشگاه میسوری در سنت لویس اقتباس شده، اجزای گفتاری و غیرگفتاری رفتارهای غیرقاطع، قاطع و پرخاشگر را به طور خلاصه بیان می‌کند و وسیله خوبی است برای تشخیص تفاوت‌های میان این رفتارها.

با نگاهی به جدول می‌بینیم که رفتار غیرقاطعانه پر است از اشاراتی که تلویحاً دلالت دارد بر: «من اهمیت ندارم. مرا نادیده بگیر». بیشتر از کلمات «خودزدا»

استفاده می‌شود. یا ممکن است میان کلمات و حرکات غیرکلامی که به دنبال می‌آیند اختلاف وجود داشته باشد.

به عنوان مثال، اگر کسی با صدای ضعیف و با تأمل بگوید: «اشکالی ندارد، ده دلار را به تو قرض می‌دهم»، و در این ضمن پا به زمین بساید و سرش را به زیر اندازد و به ده دلاری نگاه کند، پیام او گیج‌کننده خواهد بود. شنونده ناچار خواهد بود میان پیام کلامی و غیرکلامی یکی را انتخاب کند. اگر مخاطب به سادگی ده دلاری را بگیرد و تشکر کند، گوینده با احساس ناراضایتی برجا خواهد ماند: «فهمید که واقعاً نمی‌خواستم این پول را به او بدهم؟»

در رفتار پرخاشگرانه، عناصر گفتاری و غیرگفتاری گاهی متفاوت و گاهی همخوان هستند. کلمات چه طبیعی باشند و چه خصمانه، حالات، مهاجم و ناخوانده‌اند. رفتار شخص مهاجم می‌تواند سرد، گستاخ، حساب شده و از موضع قدرت باشد.

برعکس در رفتار قاطعانه اظهارات کلامی و غیرکلامی هماهنگ و مکمل یکدیگرند. هر دو صریح، واضح، و به دور از اضطراب هستند. هر دو بیانگر پیام واقعی گوینده و از این رو کاملاً روشن هستند.

● تمرین

از آنجا که بسیاری از رفتارهای غیرگفتاری و نیز پاسخ ما به رفتارهای غیرگفتاری دیگران ناخودآگاه انجام می‌شود، آگاهی بر عملها و عکس‌العمل‌ایمان می‌تواند بسیار سودمند باشد. تمرینات زیر می‌توانند آگاهی شما را تقویت کنند. فایده آنها بیشتر خواهد بود اگر به جای خواندن صرف، عملاً تمرین کنید. می‌توانید دستورالعملها را روی نوار ضبط صوت ضبط کنید و تمرینها را به تنهایی انجام دهید و یا از دوستی بخواهید دستورالعملها را برایتان بخواند و شما انجام دهید.

تمرین اول:

هدف: تجربه احساس جسمانی (و همزمان روانی) وضعیت غیرقاطع، قاطع و مهاجم.

الف: به موقعیتی فکر کنید که قاطع بودن در آن را برای خود دشوار می‌بینید. چشمها را ببندید و خود را در وضعیت غیرقاطع مجسم کنید و سپس چشمها را باز کنید.

اکنون برخیزید و در اطاق قدم بزنید. شانه‌ها افتاده، به زمین نگاه کنید. اکنون بایستید. کشش و فشار را در عضلات شکمتان احساس کنید. شاید دلتان بخواهد به چیزی تکیه دهید. در پاها احساس بی‌قراری می‌کنید. وزن همه دنیا را روی شانه‌هایتان احساس می‌کنید. سنگینی را احساس کنید. هیچ حقی ندارید! چه کسی به حرف شما گوش می‌کند؟ بگذارید خشم، فشار و ناامیدی از عدم توانایی در طرح خواسته‌هایتان احساس شود.

اکنون توقف کنید. چند لحظه به احساسی که داشتید فکر کنید. سپس از فکرش بیرون بیایید.

ب: اکنون به حالت مهاجم درآیید. به موقعیتی فکر کنید که در آن احساس تهاجم می‌کنید، شاید موقعیتی که در آن برای مدت مدیدی خشم خود را فرو خورده باشید. اکنون بایستید. دستها را مشت کنید. عضلات شکم را منقبض کنید. چشمها را تنگ کنید تا اینکه در آنها احساس ناراحتی و سردی کنید. پاها را به زمین بکوبید محکم به زمین بچسبانید. دستها را به کمر زده، پا بکوبید و یا در اطاق قدم بزنید و با خود فکر کنید: «حقشان را کف دستشان می‌گذارم. پشیمان خواهند شد. بهتر است مواظب خودشان باشند.»

اکنون توقف کنید و برای چند لحظه به احساسی که داشتید فکر کنید. سپس از فکرش بیرون بیایید.

پ: اکنون خود را در وضعیت قاطع مجسم کنید. راست بایستید، شانه‌ها عقب و

سر بالا. مستقیم به روبرو نگاه کنید. سر بر افراشته اما راحت، آرام، با حسن نیت و متعادل هستید. بایستید و با خود فکر کنید: «می‌خواهم وارد وضعیتی شوم که در آن احساس خوبی در خود پیدا می‌کنم، حقوقم را می‌دانم و اعتقاد دارم این حق من است که آنچه را می‌خواهم انجام دهم. خواهم توانست به خوبی از عهده آن برآیم. در این مورد احساس قدرت و راحتی می‌کنم. اکنون توقف کنید و برای چند لحظه به احساسی که داشتید فکر کنید. سپس از فکرش بیرون بیایید.

ت: اکنون خودتان به سؤالات زیر پاسخ دهید یا درباره‌شان با دوستان صحبت کنید.

در هر یک از این نقشها چه احساسی داشتید؟ آسانترین نقش برای شما کدام بود؟ آیا به وجود حرکات بدنی که برایتان آشنا بود آگاه شدید؟ چگونه می‌توانید از این حرکات در جهت شناسایی احساس و اعمالتان در شرایط خاص استفاده کنید؟

دنبال راههایی بگردید که توسط آنها بتوانید از وضعیت جسمی غیرقاطع و مهاجم به وضعیت قاطع تغییر حالت بدهید.

دوباره خود را در وضعیت قاطع قرار دهید و احساس آن را دوباره تجربه کنید. تمرین دوم:

جملات زیر را در هر یک از سه وضعیت غیرقاطع، قاطع و مهاجم بیان کنید.

از شیوه‌هایی که رفتارهای غیرکلامی باعث تغییر پیام می‌شوند، آگاه باشید. اگر این تمرین را همراه دوستی انجام می‌دهید، از او بخواهید حدس بزند هر بار در کدام یک از سه وضعیت قرار دارید؟

۱ - می‌خواهم کتاب شما را پس بدهم.
 ۲ - البته، می‌توانید بلوز مرا امانت بگیرید.
 ۳ - از نظر من اشکالی ندارد.
 ۴ - ترجیح می‌دهم به روش خودم عمل کنم.
 ۵ - مایل نیستم این کار را برای شما انجام دهم.
 ۶ - او واقعاً دوست داشتنی است!

● اجزای گفتاری و غیرگفتاری رفتارها

مهاجم	قاطع	غیر قاطع	
کلمات درشت، اتهام زننده، عبارات آمرانه و از موضع قدرت. پیامهای صادره خطاب به «تو» که سرزنش می‌کند یا برجسب می‌زند.	بیان خواسته‌ها، بیان صادقانه احساسات، استفاده از کلمات بیان کننده منظور اصلی، بیان صریح که آنچه را می‌خواهد شرح دهد، پیامهای صادره از جانب «من»	کلمات پرورش آمیز، مناهیم سر بسته، طفره رفتن، ناتوانی در رسیدن به نکته اصلی، پرت، نامربوط، لغت کم آوردن، شکست در بیان منظور اصلی، «می‌دانید؟... منظورم این است که...؟»	۱- گفتاری
نمایش قدرت مبالغه آمیز، مواجهه گستاخانه و طعنه آمیز احساس برتری.	به دقت گوش کردن به حرفهای دیگران، رفتار اطمینان بخش، آسان ارتباط برقرار می‌کند متوجه و مقتدر است.	حرکات به جای گفتار، به امید آنکه یک نفر متوجه منظورش شود. طوری به نظر می‌رسد که انگار آنچه می‌گوید مورد نظرش نیست.	۲- غیرگفتاری ● کلی
عصبی، زیر، بلند، مرتعش، سرد، گاهی آرامش مرگبار، متعاقب برتری و استبداد.	مهربان، گرم، ملایم، آرام	ضعیف، سرد، نرم، گاهی مرتعش	● اختصاصی ۱- صدا
چشم شیشه‌ای، تنگ شده، سرد، خیره شده بی آنکه حقیقتاً مخاطب را ببیند.	باز، صادق، مستقیم، ایجاد رابطه با نگاه بدون خیره شدن	گویزنده، به زیر، اشک آلود، ملتسانه	۲- چشمها
دستها به کمر، پاها جدا از هم، چوب شده، نرم نشدنی، گستاخ، آمرانه.	در تعادل کامل، راست ایستاده، قد برافراشته، آرام	تکیه به چیزی داده، در حال خضوع و خشوع حرکت بیش از حد سر به علامت نباید.	۳- وضعیت
مشت گره کرده، حرکات تشنه، به کارگیری انگشت نشانه، انگشتهای گره کرده و ضربه زننده.	دارای حرکات آرام	بی قرار، لرزان، سرد و مرطوب	۴- دستها

ماه شرف خانم، شاعره عقیقه جمیله مردانه!

سیدمحسن سعیدزاده

«والیه» و مکتبی به «ام قانون» ازدواج کرده بود و از او فرزندی داشت. وقتی خسروخان، دایی خود یعنی پدر مستوره را زندانی و اموالش را مصادره کرد و بستگان او را کشت، سخن از مصالحه پیش آمد و کارشان به صلح کشید و برای تحکیم پیوند صلح و دوستی، مستوره روانه خانه خسروخان شد.

«دکتر نوالی» می نویسد: «اما خسروخان مردی هرزه بود و حسادت هووی مستوره - والیه - نسبت به مستوره بی جا، زیرا خسروخان ذاتاً دلگی و هرزگی و ولنگاری را بیشتر خوش داشت تا زندگی و نجابت و پایبندی به اصول ادب و انسانیت و عفت را. او با مردکی دوست بود به نام «رضاله» (رضاعلی). این رضاعلی در خانه خویش بساط فسق و فجور بر پا می داشت و خسروخان حاکم کردستان به خانه آلوده وی می رفت و...» باید این جریان را از امور مهم زندگی مستوره دانست که پرده از روح بلند و با عظمت او برمی دارد. احتمالاً مستوره صرفاً برای مصالح انسان دوستانه و در برابر امر پدرش تن به این کار داده بود. سرانجام زندگی آلوده خسروخان در سال ۱۲۵۰ قمری با بیماری طاعون به سر رسید.

● محتوای شعر مستوره

تصوف در سخنانش موج می زند و باید ارتباط خانوادگی او را با صوفیان قادری، که به مناسبت پیروی از «شیخ عبدالقادر گرگانی» چنین شهرت یافته اند، زمینه مساعد این تفکر دانست. او علیرغم زن بودن، مانند مردان این طایفه، قدم به عرصه دانش و هنر نهاده و صوفیانه و عاشقانه، سخن پردازی کرده است:

روش و شیوه عصمت بود این مستوره
به متاع دو جهان شرم و حیا تفرود شد

او به فرهنگ غرب که تازه در آن دوران رونق می گرفت، می تازد و فرنگیها (اروپاییها) را مظهر بی ارزشی و خودگرایی می داند.

و تو این بیت را به پاداش آن بیت قبول کن. من جواب فرستادم که این بیت صحیح است اما جواب آن غلط را نخواهد گفت و مرا از طلب مقصود باز نخواهد داشت. ثانیاً پیام داد که مطلبی گفته ام مرتجلاً که همه عذری را دفع خواهد گرفت و این است:

به چین زلف تو یک کاروان دل افتاده
شب است و قافله غافل به منزل افتاده

دیدم انصافاً این مطلع را خوب گفته، مقصودی هم جز سوای مغالزه و صحبت نداشتم. ساکت شدم تا بیامد و از هر نوع سخن در میان آوردم و مدتی از فیض معاشرت و مصاحبتش مستفیض بودم.

«میرزا عبدالله روتق» می نویسد: «مستوره زنی است که عصمتش، سجاده طاعت محفل نشینان صاحب افلاک و عصابه عفتش، طیلسان عبادت خلوت گزیدگان عرصه خاک آمده.»
مرحوم «میرزا علی اکبر صادق الملک»، از بستگان مستوره، در باره این بانوی بزرگ می نویسد: «یکی از این خانواده (قادری) زنی است عموزاده حقیر... فضل و کمال و خط و ربط و شعر و انشایی داشته.»

«رضاعلی خان هدایت» می نویسد: «مستوره کردستانی از نسوان نجبه مشهوره، صبیّه ابوالحسن بیگ و منکوحه خسروخان، والی سنندج بوده؛ اغلب خطوط را خوش می نگاشته. زنی عقیقه جمیله مردانه بوده و ماه شرف خانم نام داشته.»

● ازدواج مستوره

ازدواج مستوره خود داستانی شنیدنی دارد و چنانکه مورخان نوشته اند این زن دانشمند و جهالمصالحه اختلافات حاکم کردستان و تبار پدرش قرار گرفته است.

«خسروخان» چهار سال قبل از ازدواج مصلحتی و سیاسی با مستوره، با یکی از اعضای خانواده سلطنتی فتحعلیشاه قاجار، «حسن جهان بیگم» [خانم]، متخلص به

من آن زنم که به ملک عفاف صدر گزینم
ز خیل پردگیان نیست در زمانه قرینم

ماه شرف خانم، مستوره کردستانی در خانواده ای محترم و معزز، در سال ۱۲۱۹ یا ۱۲۲۰ قمری، در شهر سنندج پا به عرصه وجود نهاد. پدرش «ابوالحسن بیگ» و جدش «محمد آقای ناظر»^۱، از دودمان معروف «قادری» بودند. وی تحصیلات بالایی داشت و به مسائل فقه و شرعیات نیز وارد بود. او خطوط را به انواع و اقسام چون: نسخ، ثلث و نستعلیق زیبا می نگاشت.

همه کسانی که شرح حالش را نوشته اند از عفت و عصمت او سخن رانده اند.

«سید احمد دیوان بیگی» می نویسد: «وی از جمله نسوانی است که در عصر خود بر رجال مزیت داشته.»

«قلندر شاه» می نویسد: «شنیدم مستوره در دیباجه غزلیات خود نوشته^۲ که بعد از فوت «خسرو خان والی» شوهر نخواهد کرد و اگر شوهری اختیار کند، کسی خواهد بود که در دیوانش غلطی پیدا کند و من، نه به هوای مواسلت، بل به طلب مغالزه و صحبت، به ایشان پیام دادم که دیوان خود را بدهید مطالعه کنم، شاید بتوانم ایرادی وارد آورم. مرا به سرای خود طلب کرد و امر به توقف فرموده، دیوان را نزد من گذاشت و خود از خانه بیرون رفت. من دیوان را مطالعه کردم؛ دیدم در یک غزل، گدا را با شاه و سپاه قافیه کرده. آن شعر را نوشته به یکی از خادمانش دادم و گفتم که به ایشان برسان و بگو به عهد خود وفا کنید. رفت و برگشت و پیام طفره آمیزی آورد، که اکنون در حمام میهمان، و با جمعی از اکابر نسوان و مجال جواب مفصل ندارم. ولی هر یک از همگان، در وقت خضاب، شعری از شعرا به مناسبت خواندند و من از خود بالبدیهه، این بیت را گفتم:

نه رنگ خضاب است بر آن دست نگارین
از خون من خسته به کف بسته حنا را

نمونه تک بیت‌های مستوره

دل ببرد و جان به غارت نیز هم
وین ستم بین قصد ایمان می‌کند
از ما خبرت نیست مگر کوی تو ای مه
تا کلبه ویران چه قدر فاصله دارد

وسعت‌سرای ما سوی، کردیم چون مردانه جا
شد قصر عرفان جای ما، رستم زین صحن مضیق

عشق در سخنش دو چهره دارد: چهره‌ای
ظاهری و زودگذر که به گلرخان و پریچهرگان
القا کرده، و عشق پاک و حقیقی:

ما عیار همه خوبان به محک در زده‌ایم
همه جسم‌فد، تو ای روح مجرد، ارواح

او به کوتاه‌فکران عالم نما که هر جا خود را
مخاطب و مصداق زاهد و شیخ می‌پندارند، و
یحسبون کل صیحه علیهم، با بیانی ساده و آرام
می‌گوید:

گر ملامت‌گر ما روی تو بیند داند
که در این عشق مرا هیچ نباشد تقصیر

و یا:

دی شیخ به مسجد سخن از توبه همی گفت
در مصطبه امروز ز می مست و خراب است

و به آن دسته از گروه‌های نمایان خشک و
تهی مغز که از درک کلامش عاجزند، می‌گوید:

زاهد، تو و سلسبیل کوثر
ما را لب مهوشی مهنا است

و به مریدان اینان چنین عتاب می‌کند:

از موعظه شیخ میندیش و به کف نه
رطلی دو سه، کاین فتویم از پیر مغان است
یعنی اگر صرف سخن گفتن مقبول است و
به امر و نهی مجرد و متعبدانه، کارها به انجام و
فرجام می‌شود؛ ما نیز فتوی از پیر مغان داریم.
به طالبان دولت جاوید و سالکان عارف‌ره
معشوق جواب می‌دهد:

در آن عصر، مردان گمان داشتند که زن
موجود ناقص و ضعیفی است که او را لیاقت و
شایستگی و فهم، به قدر مردان نیست و مستوره
که از این ذهن‌گرایی و خیال‌پردازی بی‌مورد
مردان رنج می‌برد، تلاش می‌کرد تا چهره
درست و روشن زن را به تصویر کشد و با
تبعیض و ستم مردان مبارزه کند. او به حدی در
این مورد دقت دارد که تمثیلهای زنانه را به
خود مردان باز می‌گرداند:

هرگز مشو تو غزه به دامادی جهان
چشم وفا مدار از این شوی صد عروس

مردان اگر دنیا را به زن یا عروس صد
شوره تشبیه کرده‌اند، مستوره آن را به دامادی
تشبیه کرده که صد عروس داشته و به هیچ کدام
وفادار نمانده است.

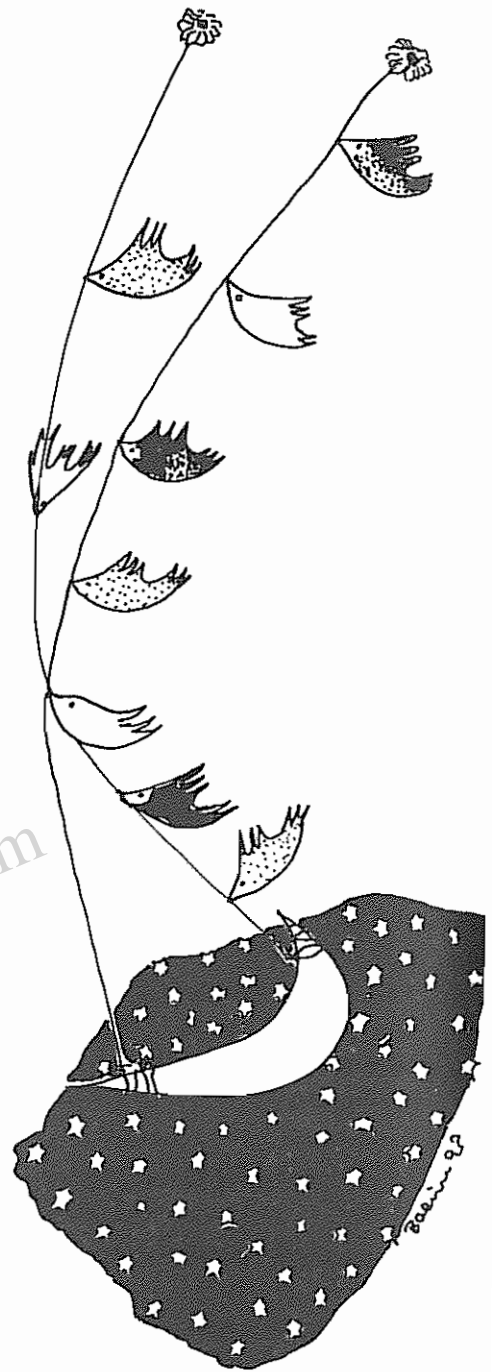
او نیز مانند خیل عاشقان دلسوخته، از
بی‌رونی گلستان ادب در عصر خود رنج
می‌برد و فضل را متاعی می‌داند که خریداری
ندارد:

دعوی فضل تو «مستوره» مکن زانکه به دهر
فاضلان را، به خدا پایه و مقداری نیست

انعکاس نابسامانیهای اجتماعی و فقر و
بی‌سامانی عصر قاجار نیز در شعر او روشن
است:

خسروان جای به مشگوی گزیدند ولیک
فقرا را به جهان سایه دیواری نیست

شعر مستوره به نسبت دیگر شعرای سده ۱۳
قمری، همان‌گونه که خودش می‌گوید، از
لطافت و نزاکت بالایی برخوردار است.
اندیشه بلند، رسیدن به جایگاه ویژه‌ای که
عارفان از آن سخن می‌گویند و توجه به مضامین
عرفانی، از دیگر خصوصیات شعر اوست:



در آن دمی که خیردار از وجود ویم
فرنگیم خبرم گر زخود زمانی هست

ریزه‌کاری، دقت، ظرافت، نکته‌پردازی،
واقع‌گرایی، توجه به معنویات، عفت و
پاکدامنی و توجه به سرنوشت مردم جامعه از
ویژگیهای بارز شعر اوست. او از مرزهای
تعیین شده توسط ناآگاهان پیروی نمی‌کرد و زن
را چون مرد، شایسته سروری و افسری
می‌دانست، چه در عالم معنی و چه در دنیای
سیاست و حکومت:

به زیر مقنعه ما را سری است لایق افسر
ولی چه سود که دوران نموده خار چنینم





تا در مقام صدق و صفا با گذاشتیم
 بایم به فرق عالم بالا گذاشتیم
 ما بتدکان درگ عشقم زان سبب
 دمش به تاج مهر و ثریا گذاشتیم
 زین خاکدان گرفت دل ما مسیح وار
 پا بر فراز گنبد مینا گذاشتیم
 بر تائیم از همه عالم رخ نیاز
 حاجات خویش را به خدا را گذاشتیم
 از خوب و زشت دهر گلشیم عاقبت
 جان را به راه زلف سمن سا گذاشتیم
 از اختلاط عالمیان با کشیده ایم
 سر در قدم حضرت مولا گذاشتیم
 بر درگم شهان همه مستوره چاکرند
 تا رو به درگه شه لولا گذاشتیم

«... رساله دیگر در قصاید و شرعیات از او دیده که مراتب کمالاتش را در دیانت نیز مکتشف می‌سازد.»

● معاصران مستوره

مطیع مازندرانی (متوفای ۱۲۶۷ قمری):
 از شعر مستوره پیداست که به وی علاقمند بوده است.

خسروخان والی: مستوره با شوهرش خسروخان نیز مطایبه و مغازله داشت که در دیوانش نمونه‌های زیادی از آن موجود است و طبق نوشته مرحوم صادق الملک، در دیوان شوهرش - متخلص به «ناکام» - نیز سروده‌هایی در پاسخ مستوره موجود است.

«رضا قلی خان هدایت» (۱۲۱۸-۱۲۸۸):
 شرح حالش را در کتاب مجمع الفصحا، آورده است. گو اینکه در این کتاب نامی از ارتباط خود با او به صراحت نیآورده ولی به لحاظ آنکه هدایت از مورخان و شاعران است و با خانواده قاجار ارتباط داشته، احتمالاً با مستوره آشنا بوده است.

«یغمای جندقی» (متوفای ۱۲۶۸):
 مستوره او را میر اقلیم سخن می‌داند که در معجزه نطق، زبده آفاق است و به شعر او بسیار علاقمند بوده و در سروده‌های خود نام او را به عظمت می‌برد. بعید نیست که شرح طبعی و آزاد اندیشی یغما توجه مستوره را به خود جلب کرده باشد و چه بسا مکاتبات و مشاعرانی نیز با او داشته است.

آرمیده، غم هیچ ندارند و هراس و خوف از هیچ کس نه:

با تو مرا خار بهتر از گل و سنبل
 بی تو مرا در نظر بهشت، جحیم است

بی خردان ظاهر بین، که حاضر نیستند قدری به خود زحمت داده در آثار عارفان نظری یفکنند، تهمت فسق و ارتداد بر اینان بسته، به میخوارگی و زشتکاریشان متهم می‌دارند اما خوشبختانه مستوره بدین نکته واقف بوده و در سروده‌های خویش منظور خود را به صراحت بیان داشته و جای هیچ ابهامی برای این گروه باقی نگذاشته است:

مستی از چشم تو بایستم، که نیست
 ورنه کی باشد مرا میل شراب

و یا:

خوش آن عاشق که هر شام و سحرگه
 ز صهبای وصال باده‌خوار است

● آثار مستوره

۱ - دیوان شعر:
 مرحوم «میرزا علی اکبر صادق الملک» می‌نویسد: «اکثر آثارش از میان رفته. آنچه را نگارنده به دست آورده یکی همین دیوان است که از دوهزار شعر تجاوز می‌نماید.»
 دیوان مستوره قریب بیست هزار بیت شعر بوده که متأسفانه اکنون یک دهم آن بر جای مانده است. این اثر ادبی ارزشمند، چند نوبت به زیور طبع آراسته شده است: اولین چاپ آن در اسفند سال ۱۳۰۴ شمسی، ۱۰۵ صفحه، تهران، به همت «رشید یاسمی» و با مقدمه‌ای به قلم «حاج میرزا یحیی معرفت». دومین چاپ آن در سال ۱۳۰۵ شمسی، ۱۰۶ صفحه، تهران، با مقدمه‌ای به قلم «حاج شیخ یحیی معرفت». و سومین چاپ آن در سال ۱۳۶۸ شمسی، ۱۴۵ صفحه، تهران، به کوشش «احمد کرمی» (سلسله نشریات ما).

۲ - تاریخ کردستان:
 هم او در ادامه نوشته است: «... و یکی کتاب تاریخ کردستان در شرح حالات و حکمرانی ولات اردلان از بدو تاسیس این سلسله تا زمان مؤلفه [نویسنده]».
 ۳ - رساله‌ای در شرعیات:
 و از کتاب دیگرش چنین یاد کرده است:

دولت جاوید جویی گویمت
 وصل دلبر خاصه در عهد شباب

وقتی الگوهای دینی چون شیخ و زاهد و مانند آن، مردمان را بدون دلیل و برهان به قبول فتوای خود دعوت می‌کنند و هنگامی که اماکن مذهبی چون مسجد و دیر و صومعه و خانقاه به جای یاد معشوق، خود معشوق شده‌اند و به صورت بت و معبود درمی‌آیند؛ از ارزش و رواج می‌افتند که مسجد، مکان عشقبازی و شیخ، رهنمای عشاق است:

دگر ز صومعه و شیخ پا کشم زیرا
 گرفته است مرا سخت دل از این اوضاع

و چنین است که دیر و کشت و خانقاه هم وسیله عشقبازی است و عارف و عامی، عالی و دانی، زاهد و باده‌پرست، شیخ و جوان، همه در پیشگاه محبوب یک چهره دارند:

عارف و زاهد و عامی همه در صنعت حق
 نقش روی تو در آفاق به برهان دارند

آنچه اهمیت دارد یاد دوست و عشق به اوست و فراهم آوردن اسباب رضایت معشوق و دیگر هیچ:

جز نام دوست ورد نباشد مرا مدام
 گر قطع می‌کنند زبانه به تیغ تیز

او ارزش چنین عشقی را می‌داند و برای آن هر بهایی که ممکن است می‌پردازد:

مشتری دانم بهای لعل آن مه، می نداند
 من خریدارم به جان گروی به جانش می فروشد

و یا:

مانند جان به وصل تو خوش داده‌ایم لیک
 دانم که این متاع محقر بهات نیست

و او به این معامله چنان راغب و مشتاق است که سر از پا نشتاسد و پاک خود را باخته است:

من چنان شیفته روی تو و واله مویم
 به دو چشمت که زهم می‌نشاسم سر و پا را

و چنینند دلباختگان که تا یار در کنارشان

«میرزا عبدالله روتق»: گویا نسبت فامیلی با مستوره داشته و در سال ۱۲۶۲ قمری به اتفاق وی و تنی چند از خاندانش به قلمرو دولت عثمانی کوچ کرده است. میرزا شرح حال مستوره را در کتاب خود - حدیقه امان‌اللهی - آورده است. طبق نوشته برخی از مورخان، وی پس از سال ۱۲۸۰ قمری درگذشته است.

«مصطفی بیگ»: (داور)، که وکیل الزعایب سندج بود و مستوره از نزدیک او را می‌شناخته است. وی در سال ۱۲۴۴ به قتل رسید.

«حاوی سندجی»: که نامش «حسین علی خان» و برادر شوهر مستوره بود. در مهاجرت خانواده مستوره به خاک عثمانی (بابان) او نیز حضور داشت و پس از یکسال اقامت در غربت، همانجا در سال ۱۲۶۳ قمری از دنیا رفت.

«میرزا مرتضی افسر کردستانی»: که لقب خود را از خسروخان، شوهر مستوره گرفته بود و از شعرای معاصر مستوره بود.

«حسن جهان بیگم»: متخلص به والیه - هوی مستوره - از شعرای خوش قریحه عصر وی بود. والیه وقتی فهمید که شوهرش با مستوره ازدواج کرده است بسیار ناراحت شد و اشعاری در این باب سرود:
«والیه» یار به اغیار، چو یار است و ندیم
رو بسوز از غم و با داغ دل خویش [به] ساز

و یا:

وصال تو است نصیب رقیب و من ز فراق
چرا ز غصه نالم چرا ز غم نخروشم

و یا:

از لب یافتم حقیقت می
و من الما، کل شیء حی

● سرانجام حیات مستوره

پس از مرگ خسروخان، حکومت کردستان به دست والیه خانم افتاد که احياناً میان فرزندان دست به دست می‌شد و ماجراجویی و فتنه‌انگیزی بسیاری به دنبال داشت. مستوره با عده‌ای از بستگان خود از جمله برادر خسروخان، حسین علی خان، ایران را ترک کرد و به سوی دولت عثمانی

(ترکیه) رفت و در محلی به نام «بابان» سکنی گزید. مرحوم میرزا عبدالله که خود از مهاجران این خانواده است، تاریخ هجرت را گاهی ۱۲۶۲ و گاهی ۱۲۶۳ قید کرده است. یکسال پس از هجرت، برادر خسروخان از دنیا می‌رود. مستوره نیز در همین سال رخت از عالم دنیا به عقبی کشید و بلبل ادبستان ایران خاموش شد.

در تاریخ حدیقه امان‌اللهی که شرح حال والیه خانم را نیز دارد به علت مهاجرت و نحوه مرگ مستوره اشاره‌ای نشده، ولی چنان که ظاهر قضیه نشان می‌دهد دشمنیهای حکام جدید باعث هجرت بوده و شاید مرگ زودرس مستوره و برادر شوهرش نیز بی‌جهت نبوده است.

یادداشتها:

۱. برخی منابع خارجی تولد مستوره را به غلط ۱۲۱۵ قمری ثبت کرده‌اند. در کیهان فرهنگی، شماره ۶، سال نهم، شهریور ۱۳۷۱، صفحات ۲۹ تا ۳۱، مقاله‌ای به قلم امیر هوشنگ هوشنگی آمده که در آن از پنج منبع خارجی استفاده شده است. در این مقاله سال تولد مستوره، ۱۲۱۵ یا ۱۲۱۶ قمری ذکر شده است. توضیح آنکه ۲۵ ماه مه ۱۸۰۰ مطابق است با اول محرم سال ۱۲۱۵ قمری که از آغاز سال مسیحی، ۱۴۴ روز گذشته است. همچنین ابتدای سال ۱۲۶۴ قمری نیز با ۹ دسامبر ۱۸۴۸ برابر است که با این وصف، تاریخ تولد او چه با سال ۱۲۱۵ قمری مطابق گردد و چه با سال ۱۲۱۶، دور از واقع است. عمر مستوره را ۴۴ سال نوشته‌اند که اگر تولدش را ۱۲۲۹ به حساب آوریم، وفات او به سال ۱۲۶۳ خواهد بود و اگر آن را در سال ۱۲۲۰ بدانیم، فوتش به سال ۱۲۶۴ خواهد بود و این معنی مورد تسالم مورخان می‌باشد. پس تردید در تولد او بین سالهای ۱۲۱۹ تا ۱۲۲۰ است و نه بیشتر از این؛ و به قول علمای اصول به اجماع مرکب، این گفته‌ها خود نفی قول سوم - همان تاریخ ۱۲۱۵ - است.

۲. او ناظر صندوقخانه والیان بوده و به همین مناسبت ناظر لقب گرفته است.

۳. احتمالاً دیوانی که در تهران از مستوره چاپ شده است، ناقص است.

۴. حمل سخن آنان بر جهالت بهتر که بر غرض، و گرنه باید می‌گفتیم آنان برای عوامفریبی ظاهر سخن عارفان را برای مردم بازگو کرده و با استفاده از احساسات پاکشان، آنان را در مقابل فهمیده‌ترین قشر جامعه قرار می‌دهند. مردمانی از خود گذشته که حاضر نیستند ولو

برای احقاق حق خود، مقابل مردم بایستند و همین سکوتشان را نیز دلیل ضعف می‌گیرند اما همین عالمان، سخنان باطل دیگران و هم‌سلکان خود را هزاران تعبیر و توجیه ناروا می‌کنند و ظاهر آن را حجت نمی‌دانند بلکه به باطن استدلال می‌کنند.

منابع:

۱. مجمع‌الفصحاء، چاپ قدیم، ج ۲، ص ۴۵۲ و چاپ جدید، ج ۵، ص ۹۵۲.
۲. مقدمه دیوان مستوره، حاج شیخ یحیی معرفت
۳. تذکره فاضل خان گروسی، (انجمن خاقان)
۴. حدیقه ناصریه، نوشته میرزا علی‌اکبر صادق‌الملک
۵. زنان سخور، ج ۲، ص ۱۷۵ تا ۱۹۲
۶. از رابعه تا پروین، ص ۲۱۲ تا ۲۴۱
۷. الذریعه، ج ۹، قسمت سوم ص ۱۰۳۳ - ۱۰۵۹ و قسمت چهارم، ص ۱۳۱۳
۸. فرهنگ سخنوران، چاپ قدیم، ص ۵۳۶ - ۵۳۷ و چاپ جدید، جلد اول، ص ۳۰۸
۹. دیوان مستوره، چاپ تهران، به کوشش احمد کرمی
۱۰. سیری در تصوف، چاپ دوم، تهران، اشراقی، ۱۳۶۱، نوشته نورالدین مدرسی چهاردهی
۱۱. ادبیات معاصر، رشید یاسمی، ص ۹۹
۱۲. آثار زنان، مجله ارمنان، سال ششم، ص ۲۵۳ تا ۲۵۵
۱۳. تاریخ کرد و کردستان، تألیف شیخ محمد مردوخ کردستانی، چاپ کتابفروشی غریفی، سندج ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۱۵۹ تا ۱۶۴
۱۴. مکارم‌الآثار، ص ۷
۱۵. حدیقه امان‌اللهی، نوشته میرزا عبدالله سندجی (روتق)، سال ۱۲۶۵ قمری، چاپ ۱۳۴۴، تبریز، به همت مرحوم دکتر خیام‌پور، ص ۴۳۵ - ۴۵۷
۱۶. حدیقه الشعراء، چاپ تهران، زین، به تصحیح و تحشیه دکتر عبدالحسین نوایی، ج اول، ص ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۶۶ - ۱۶۸ - ۴۱۳ - ۴۱۵ - ۵۶۵ - ۵۶۶ - ۶۱۳ - ۶۱۴ - ۶۹۷ - ۶۹۸ و جلد سوم، ص ۲۱۹۴ تا ۲۱۹۷ و ۲۲۰۶ تا ۲۲۰۹
۱۷. کلیات بابا طاهر عربیان، چاپ تهران، کتابفروشی رجیبی، ص ۴۱
۱۸. فرهنگ سخنوران، چاپ ۱۳۴۰، مرحوم دکتر خیام‌پور، ص ۵۳۶ و ۵۳۷
۱۹. کارنامه زنان مشهور ایران، فخری قویمی (خشایاروزیری)، چاپ تهران، ۱۳۵۲، از انتشارات وزارت آموزش و پرورش، ص ۹۵ تا ۹۷
۲۰. فهرست چاپی خان بابا فشار، چاپ تهران، دی ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۲۳۷۰

ترکهای پوست، مشکل ماههای آخر بارداری چرا پوست ترک می خورد؟

مجبورند به حدی انبساط یابند که تا آن زمان سابقه نداشته است و ترکها نتیجه آشکار این انبساط هستند.

◀ مادرانی که در انتظار دوقلو هستند: در این حالت پوست قسمت بالایی بخش برآمده شکم به حد بسیار زیادی کشیده می شود، خصوصاً در اواخر بارداری.

◀ زنانی که سینه های کوچکی دارند: سینه های کوچک در طی دوران بارداری باید با سرعت بیشتری برای شیره های منبسط شوند. استفاده از سینه بند های مناسب، خصوصاً سینه بند های ویژه مادران شیرده که بندهای پهن و محکم دارد می تواند تا حدودی از ایجاد کشیدگی در سینه ممانعت کند.

◀ زنانی که قبل از بارداری اضافه وزن داشته اند: اگر آغاز دوران بارداری هم زمان با وجود اضافه وزن باشد، برگشت به سطح وزن معمول بسیار مشکل خواهد بود. زمانی که پروژسترون بدن در حد بالایی باشد بدین معنی است که کالری بدن کمتر از اندازه معمول می سوزد. اگر متوجه شدید که اضافه وزن زیادی دارید از دکتر بخواهید تا رژیم غذایی مناسبی را به شما توصیه کند.

◀ زنانی که به سرعت چاق می شوند: افزایش سریع وزن در دوران بارداری تقریباً عمده ترین عامل در ایجاد ترک است. اگر به میزان ثابتی افزایش وزن داشته باشید، پوست شما فرصت بیشتری برای تطبیق کشیدگی تدریجی خواهد داشت.

مشکل اضافه وزن

راز نگه داشتن ترکها در سطح حداقل بسیار ساده است: وزن خود را بالا نبرید و افزایش وزن را به صورت منظم در آورید.

خطوطی که بر روی بازوها، رانها و باسن ظاهر می شوند تقریباً همیشه نشانه افزایش وزن زیاد و سریع هستند. اما این که این میزان چقدر است بستگی مستقیم به قد و هیكل شما دارد. بیشتر پزشکان میزان اضافه

بافت لایه درونی پاره و در نتیجه ترکهای بی درد ولی ناخواسته ای ظاهر می شود. خطوطی که روی پوست خود مشاهده می کنید از شایعترین نوع هستند. اما خطوط ریز بیشتر هستند که به طور غیر قابل رؤیت روی پوست باقی می ماندند. در طول سه ماه اول بارداری، خطوطی که روی سینه و شکم ظاهر می شود بر اثر تغییرات هورمونی است و ممکن است حتی پیش از آنکه اضافه وزن پیدا کنید گسترش یابند. پس از آن خصوصاً در سه ماه آخر بارداری هر کشیدگی یا ترکی که در پوست شما رخ دهد غالباً بر اثر ازدیاد وزن است که بسیار هم سریع صورت می گیرد. اگر به مقدار زیادی وزن اضافه کرده باشید ممکن است بر روی باسن و رانهایتان و حتی قسمت بالایی بازو نیز خطوطی را مشاهده کنید.

مادرانی که به میزانی ثابت، وزن اضافه می کنند و یا آنهایی که اضافه وزن کمی دارند احتمال بیشتری دارد که دچار این ترکهای پوستی نشوند. حداکثر چند هفته یا چند ماه پس از تولد نوزاد این خطوط کم رنگ شده و تنها یک سری نشانه های باریک و بسیار نازک که غالباً به مرور زمان غیر قابل رؤیت می شوند باقی می ماند. این خطوط در هر بارداری تیره تر می شود.

پوست چه کسانی برای ترک مستعدتر است؟

متأسفانه کار چندانی برای پیشگیری از ایجاد این رگه ها نمی توان کرد. تنها می توان گفت برخی از مادران برای داشتن آنها مستعدترند:

◀ زنان جوان: به نظر می آید که پوستهای پیرتر خاصیت ارتجاعی بیشتری دارند و پیش از پاره شدن بیشتر کش می آیند در حالی که پوست جوان سفت تر بوده و به آسانی پاره می شود.

◀ کسانی که برای بار اول مادر می شوند: با اولین بارداری بافت های بدن شما

بارداری می تواند عوارضی برای بدن در برداشته باشد خصوصاً در مورد پوست که با افزایش حجم شکم، کشیده و ناسور می شود و خطوط سفید یا نقره ای روی پوست شما بر جا می گذارد. با این حال برخی از مادران خوش شانس بوده و اصلاً دچار این مشکل نمی شوند.

با آنکه هیچ گاه نمی توان از ظهور این خطوط و ترکها جلوگیری و یا آنها را درمان کرد اما مطمئناً پوست ارزش آن را دارد که مراقب آنچه که می خورید باشید و مراقبت دقیقتری از پوستتان به عمل آورید. شاید با توجه بیشتر به پوستتان، موفق شوید دوران بارداری را نیز با پوستی تقریباً به نرمی و لطافت و صافی نه ماه قبل پشت سر گذارید. █

چرا پوست ترک می خورد؟

نقاط ویژه ای از بدن، خصوصاً سینه، باسن، شکم و کشاله ران در مقابل کشیدگی و ایجاد ترک بسیار متعدد و حساس هستند. این خطوط اغلب در اواخر شب آشکارتر است. اگر پوست سفید باشد، این رگه ها به رنگ قرمز روشن و اگر پوست تیره یا سبزه باشد، رگه ها به رنگ قهوه ای تیره خواهد بود. این خطوط پس از مدتی افزایش می یابند و از سر سینه ها منشعب می شود و به سمت ناف پایین می آیند. سپس با گذشت زمان ارغوانی و تدریجاً پهن می شود و به شکل رگه های تیره ای یا سفید براق در می آید.

پوست از دو لایه تشکیل شده است: لایه خارجی یا بشره ولایه زیرین که شامل بافت های ارتباط دهنده نرم با خاصیت ارتجاعی، پیاز مو، پایانه های عصبی، رگهای خونی و غدد عرق است. در واقع پارگی بافت ارتجاعی لایه زیرین موجب پیدایش ترکها می شود. هنگام بارداری تغییرات هورمونی، ساختار زیرین پوست را تغییر می دهد. مقدار کولازن - پروتئینی قوی و نسبتاً ضد ارتجاعی در بافت های ارتباط دهنده - افزایش می یابد و در عین حال پوست آب بیشتری ذخیره می کند. ترکیبی از اثرات این دو تغییر موجب کاهش انبساط ساختار زیرین پوست می شود. حالت الاستیکی یا ارتجاعی پوست از بین می رود،



وزن دوره بارداری را ۱۰ الی ۱۵ کیلوگرم می‌دانند.

اگر در طول بارداری بیشتر گرسنه می‌شوید، از میوه، سبزی و لبنیات کم چربی بیشتر استفاده کنید. اگر لازم است غذاهای نشاسته‌دار مصرف کنید، موز بهتر از بیسکویت است. اگر مجبورید به جای وعده‌های کامل غذایی، مدام ته بندی کنید، از میوه‌های تازه یا خشک شده استفاده کنید نه شکلاتهای پرکالری. از خوردن غذاهای پرچربی و قنددار اجتناب کنید و تا آنجا که می‌توانید از سبزیها و غذاهای تازه استفاده کنید. هم‌چنین حتماً تا اندازه معمول حرکات ورزشی انجام دهید.

پیشگیری، درمان

کرمها و لوسیونهای زیادی موجودند که گفته می‌شود می‌توانند در جلوگیری از ایجاد ترک مفید باشند اما در هر حال عملکرد آنها قابل بحث است. ماساژ پوست با مرطوب کننده‌ها مطمئناً ضرری در بر نخواهد داشت و به نرمی و لطافت پوست کمک می‌کند. سازندگان این نوع محصولات، ماساژ روزانه را از ابتدای دوران بارداری تا ۲ ماه پس از زایمان توصیه می‌کنند. برخی معتقدند که مرطوب کننده‌های ساده یا حتی روغنهای گیاهی کار را به همان خوبی و حتی ارزانتر انجام می‌دهند. پزشکان ارزش این کرمها را

در جلوگیری از ایجاد ترک انکار می‌کنند زیرا آنها تنها در لایه سطحی پوست نفوذ می‌کنند در حالی که این لایه درونی است که پاره می‌شود.

ماساژ با گیاهان معطر راه دیگری برای نگهداری پوست در دوران بارداری است اما با تمام اینها، همه روغنها برای زنان باردار مناسب نیستند بنابر این بهتر است این کار با راهنمایی پزشک صورت گیرد. هیچ‌گاه روغن را به طور مستقیم روی پوست ننمالید. روغنها، خصوصاً روغن دانه گندم و بادام، باید همیشه رقیق شوند. کرمهای حاوی «ویتامین E» در نظر برخی زنان، محبوبیت خاصی دارند. آنان معتقدند «ویتامین E»، چه به شکل کرم یا روغن و چه به شکل ماده غذایی، می‌تواند از کشیدگی و ترک پوست جلوگیری کند. این امر بعید به نظر می‌آید اما امتحان آن هیچ ضرری ندارد.

برخی از پزشکان معتقدند که حمام آفتاب می‌تواند در پیشگیری از ترکها مفید باشد. اگر حمام آفتاب می‌گیرید، هرگز مستقیماً خود را در معرض نور آفتاب قرار ندهید.

پس از زایمان، ورزشهایی که عضله‌های شکم را تقویت می‌کند به شما کمک می‌کند که به ترکیب اولیه‌تان باز گردید و سطح زیرین پوستان را محکم سازید. تمرینات شنا نیز می‌تواند برای کسانی که تازه مادر شده‌اند

با رعایت توصیه‌های پزشکی مفید باشد. توصیه‌ها:

◀ از کرمهای مرطوب کننده بدن برای نرمی و لطافت پوست، خصوصاً در نقاطی که پوست خشک و حساس است استفاده کنید. می‌توانید اگر وان در اختیار دارید کمی روغن بچه در آب وان بویزید و با آن استحمام کنید، بدن را هم می‌توانید با لوسیون بچه چرب کنید.

◀ لباسهای گشاد که از مواد طبیعی ساخته شده‌اند، بپوشید چون خنکتر و راحت‌تر است، خصوصاً اگر پوست شما حساس بوده و خارش داشته باشد.

◀ بدن را با کرمهای مرطوب کننده یا روغنهای چرب - مثل روغن بچه - به آرامی ماساژ دهید.

◀ هنگام خرید سینه‌بند مخصوص مادران شیرده، دقت کنید که کاملاً اندازه باشد. اگر می‌خواهید هنگام شب با آن بخوابید بهتر است نوع سبکتر و راحت‌تر انتخاب کنید.

◀ اجازه ندهید که ظهور خطوط کشیدگی شما را نگران کند و به خاطر داشته باشید این خطوط و علائم واقعاً با گذشت زمان از بین می‌روند.

➤ راز نگه داشتن ترکها در سطح حداقل بسیار ساده است:

- وزن خود را بالا نبرید

- افزایش وزن را به صورت منظم در آورید.



بخشش ۱۲ از فرقه‌های مذهبی کاتولیک ۵ -
 پیرو دین موسی (ع) ۶- پایتخت چین ۷- فقیر
 ۸- غرنده ۹- هزار عرب ۱۰- برکت و افزونی
 ۱۱- فلکه ۱۳- در کار خیر حاجت نیست
 ۱۴- نوعی نخ ۱۸- از قبایل شمال ایران ۲۱-
 سوت و صفیر ۲۳- فرمانده سپاه ۲۵- ضمیر
 جمع ۲۶- موفق و منصور ۲۸- از فلزات
 سنگین ۲۹- مانند ۳۱- ذفق ۳۲- حرکت
 باشتاب ۳۳- ورزشهای مختلف دستجمعی
 ۳۶- از فلاسفه به نام یونان قدیم ۳۸- از
 جزایر استرالیا ۳۹- پایه‌ها ۴۱- ساز کلیسا
 ۴۲- ماده انفجاری ۴۴- از بین رفتن ۴۵- از
 غلات ۴۷- اشاره به دور ۴۹- شالگردن شیر
 ۵۰- فریاد درد ۵۱- از خیابانهای قدیمی
 تهران ۵۳- نوعی گوجه ۵۶- لطیف ۵۸-
 جهت ۶۰- خانه لب دریا ۶۳- جدل و ستیزه
 ۶۴- از حروف الفبای فارسی ۶۶- غذای ریه
 ۶۷- از القاب اروپایی ۶۹- اندک ۷۱- مخفف
 اگر

از راست به چپ
 ۱- جبران ۶- ظن و گمان ۱۱- رایزنی ۱۲- از
 گلها ۱۴- مُسن ۱۵- باج و خراج ۱۶- پنبه‌زن
 ۱۷- واحد بازی تنیس ۱۹- اثر و نشان
 ۲۰- پیشیمانی ۲۲- از علامات جمع ۲۳-
 پوشیدگی ۲۴- مقصود ۲۶- شخص ۲۷- منها
 کردن ۲۹- از بیماریهای کودکان ۳۰- بی‌دوام
 ۳۳- همیشه ۳۴- بی‌نور ۳۵- چه بسیار ۳۷-
 نام دیگر گیاه فیلگوش ۳۸- سیاه ۴۰- برادر
 خنجر ۴۲- مرتبه ۴۳- پشیز هندی ۴۵- بسیار
 کشنده ۴۶- جایزه سینمایی ۴۸- مجانین ۵۲-
 داستان بلند ۵۳- نزدیک و جلو ۵۴- طایفه
 حاتم ۵۵- شیار داخل لوله ننگ ۵۷- شهر
 معروف ترکیه ۵۸- زدن بچه‌ها در بازی ۵۹-
 تخته و صفحه فلزی ۶۱- گوهر ۶۲- هزار
 کیلو ۶۳- دریای شمال اروپا ۶۵- از ترس
 می‌خورند ۶۷- بخشش ۶۸- پاکدلی ۷۰-
 نوعی بستنی ۷۲- در میان ۷۳- حکمرانی
 از بالا به پایین
 ۱- مکمل توپ ۲- بُت ششم ۳- عطیه و

جدول

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

نیازمندیهای زنان

ماساژور دستی هور

نیچ پان کاذب و نگنجیل
جلی زیر پوستی در ناحیه شکم سینه پهلوی و دران
رفع خشکی، گرفتگی عضلانی

طراحی بر اساس طب فشاری
فروش در کلیه داروخانه ها، فروشگاههای ورزشی و بهداشتی.



از شهرستانها نماینده فعال پذیرفته میشود
نمایندگی مشهد ۲۹۲۶۸

مؤسسه ایران بهوش

اولین مؤسسه ای که با دوره کامل جراحی شامل متدهای آلمانی، آلمانی، الملی و گرلاوین و ایتالیایی پاریسی بازرگانی و طراحی و سایر بندهای هنر جو میسوزد

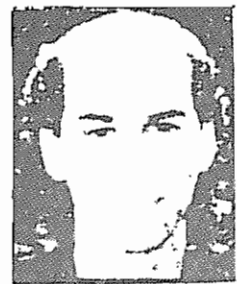
تلفن: ۶۴۰۴۹۴۶

جدید) خانه موی ایران (جدید

(ویونگ راشل سابق) اولین مؤسسه ترمیم مو در ایران خیری مسرت بخش برای تمام کسانی که موهای خود را از دست داده یا می دهند ما نتیجه آخرین تحقیقات و اکتشافات دانشمندان و متخصصین مو در امریکا را رایگان در اختیار شما قرار می دهیم که روش های فوق در اروپا هم عرضه نمی شود این متدها نتیجه تلاش بیگیر متخصصین مو در امریکا می باشد، در این روش بدون عمل جراحی از یکصد تار مو تا ده ها هزار تار مو روی سر شما نصب می گردد با این متد کاملاً جدید و استثنایی شما احساس خواهید کرد که موهایتان از زیر پوست روئیده و هیچگونه تفاوتی با موهای طبیعی تان ندارد و با لمس کردن موهای جدید حتی فراموش می کنید که موهایتان ریخته است. با خیال راحت استحمام کرده و موهایتان را به فرم دلخواه شانه کنید. بعد از نصب مو چنانچه مورد پسندتان واقع گردید وجه آنرا بپردازید ضمناً فراموش نکنید متدهای فوق احتیاج به مراجعه بعدی ندارد.

تلفن: ۸۹۸۴۲۳

تهران خیابان ولی عصر جنب سینما آفریقا (آنلاستیک سابق)



مجمع عمومی سرپرستان و اولاد

عتمه شکر کار آموز
اطلاعات پذیرش

از خهرن بردان برای
شسته های بریلستان باید

علم کامپیوتر، اپراتوری، تکس
فانس و حسابداری عمومی
نقشه کشی و نقشه برداری
رادیو تلویزیون سیار، سفید و رنگی
ماشین نویسی و تایپ و زبان
مدرکس ویژه در تمام سطوح

خساطی متد گرلاوین
بافندگی و دست بافندگی و کتاف
گل سازی پارچه ای و غیره
گلدوزی بادست و چرخ
ابریسم و دوزی تصویر
آموزش آرایش از مبتدی تا حرفه ای

از وزارت کار
مدرکس

خیابان کریمخان بهوش حافظ
میدان امام حسین (ع) اول انقلاب
تلفن: ۸۹۴۲۲۱-۸۹۴۲۲۰
تلفن: ۷۵۵۹۹۵-۷۵۲۹۴۵

مدیرش کارآموز پوست و زیبایی با آخرین متد و با دادن
مدیر ک دبلم

تلفن: ۲۹۳۰۷۶

خدمات پوستی
لاغری تضمینی
تلفن ۲۲۲۸۶۶۱ میرداماد

لاغری تضمینی
صددرصد
تلفن: ۲۹۳۰۷۲

آموزش شنا
تضمینی
تلفن: ۲۹۳۰۷۲

خیاط خانه آلاله

دوخت لباس عروس -
نامزدی- لباسهای شب و
روز
تلفن: ۸۷۰۵۱۷۴ - ۸۷۰۳۴۳۴

تعلیم خیاطی نیکو

بدون الگو در کوتاهترین مدت تلفن: ۲۵۱۷۵۳۲

استخدام

خانم‌ها، جهت پیدا کردن شغل مورد علاقه
خود با شماره تلفن ۶۲۵۳۳۶۶ تماس حاصل نمایید.

قابل توجه

از کلیه هنرمندان - بازیگران و علاقمندان به بازیگری
دعوت به همکاری می‌نماید. متقاضیان مشخصات
خود را به همراه نشانی کامل به نشانی: تهران
صندوق پستی ۶۱۷ - ۱۷۱۸۵ ارسال نمایند.

موسسه تندرستی نیکی

کلیه خدمات پوست، از بیس بردن لک
باکسازی موهای زائد صورت تحت نظر
متخصص، چاقی و لاغری با مدرترین دستگاهها و
داروهای صددرصد گیاهی تلفن: ۶۳۸۵۸۴

ورزش و تغذیه صحیح دو عامل اساسی برای حفظ سلامتی و تندرستی

تخم مرغ و تخم مرغ

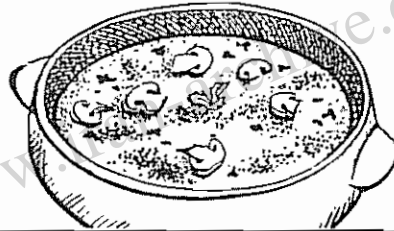


■ تورت فارچ

■ مواد لازم:

آرد سفید: ۵۰۰ گرم
آب لیمو: یک قاشق
فارچ: ۲۵۰ گرم
روغن: ۸۰ گرم
تخم مرغ: ۳ عدد با اضافه ۱ عدد زرده اضافه
تخم مرغ آب پز سفت: ۲ عدد
پنیر پیتزا: بمقدار کافی
نمک و فلفل: بمقدار کافی

طرز تهیه: ابتدا آرد را با ۳ عدد تخم مرغ و نمک و آب باندازه کافی خمیر کنید. این خمیر نباید به دست بچسبد. سپس خمیر را روی تخته به ۲ قسمت تقسیم کرده ۲ مستطیل درست کنید و یکی را در ته ظرف پیرکس بیندازید. فارچ را زیر شیر آب با مالش شست و شو داده، سپس نازک ورقه ورقه کنید بعد با یک قاشق آب لیمو و کمی روغن بمدت ۵ دقیقه آنرا تفت دهید. پنیر رنده شده و تخم مرغ سفت خرد شده را با فارچ مخلوط کرده با کمی نمک و فلفل روی خمیر بخش کنید و روی آن خمیر دومی را پهن کرده و یک زرده را با بُرس روی خمیر بمالید و در فر ۳۵۰/ درجه حرارت فارتهايت بمدت ۳۰ دقیقه بگذارید تا خمیر طلائی پخته شود.



■ تلفن: ۶۰۱۵۸۳۶

توجه

تعلیم هنر نقاشی - تذهیب - تشعیر و سوزن دوزیهای سنتی ایران در
سه سطح مقدماتی - متوسطه - عالی برای خواهران در ترم تابستانی
توسط مدرس دانشگاههای هنری. علاقمندان می‌توانند جهت کسب
اطلاع و ثبت نام با شماره تلفن ۷۶۲۲۶۶ تماس حاصل نمایند.

عرضه مستقیم چینی مقاوم حمید

□ کارخانجات چینی حمید مفتخر است انواع
سرویسهای غذاخوری در طرحهای بسیار زیبا را به
نوعروسان و خانوادهها تقدیم کند.

□ آدرس فروشگاه مرکزی چینی حمید تهران
خیابان فردوسی مقابل نوفل لوشاتو (چرچیل
سابق) تلفن ۶۴۵۲۰۱۸

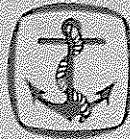
فروشگاه از ۹ صبح الی ۹ شب یکسره باز است

فروشگاه خاتم



مانتو، کت و شلوار، کیف و کفش
میدان هفت تیر جنب مسجد الجواد تلفن ۸۳۲۵۸۵

UNSALTED



Anchor

TM

NEW ZEALAND PURE CREAMERY

BUTTER

250g NET

BEURRE NON SALE



کره نیوزیلند

پرفروشترین کره دنیا

